

تاریخ نقاشی در ایران

New Delhi.

تالیف

دکتر زکی محمد حسن مصری

ترجمہ

ابوالقاسم سہا.

اسفند ۱۳۳۸

مقدمه مترجم کتاب
بنام خدای بخشنازده ههربار

کتاب (التصوير في الاسلام عند الفرس) که این بنده نگارنده ابوالقاسم سحاب آنرا بنام (تاریخ نقاشی در ایران) ترجمه نموده ام کتابی است نفیس و زیبا و شامل مطالبی مفید و دل‌بستند در این فن که بخامه شیوا و قلم توانای استاد دانشمند آن دکتر زکی محمد حسن مصری امین دارالانار العربیه مصر (موزه ملی) در اثر تتبع و تحقیق و بررسی و تدقیق در آثار نفیسه کتاب‌های خطی و آثار ادبی ایرانی در کتابخانه و موزه‌های اروپا و مصر آنرا از روی ذوق و قریحه فنی و حسن سلیقه و استعداد هنرپیشگی و تخصصی که داشته تألیف و تدوین نموده و قسمت‌های جالب‌توجهی را بسلیقه خود پسندیده و انتخاب کرده و در ضمن شواهد و دلالتی از برای اثبات مدعا و ابراز منظور خود طی صفحات کتاب از آثار فنی و هنری اساتید این فن بمناسبت و موقعیت هر دوره از ادوار جمع‌آوری و پیوست کرده که موجب مزایا و مرجحات و امتیاز مخصوصی از برای مؤلفه خود گردیده و مندرجات کتاب را با محتویات فنی و هنری و ضمایم آثاری منطبق و منضم نموده و بمورد طبع و انتشار آورده. این استاد هنرپیشه در حقیقت خدمتی بزرگ و شایان تقدیر نسبت بمیهن عزیز ما ایران انجام داده و این هدیه نفیس را نه تنها بایران بلکه بجہانیان ارزانی داشته اینک رحمت و همت و مساعی جمیله دکتر دانشمند مورد تقدیر و منظور نظر وزارت فرهنگ ایران گردیده و بانظر تصویب شورای عالی فرهنگ بترجمه این کتاب تصمیم اتخاذ نمودند و میخواستند کتاب نامبرده بفارسی ترجمه و طبع شده و مورد مطالعه و استفاده همگانی گردد.

این بنده از آنجا که در آغاز نشر این نسخه نفیس در سال ۱۳۱۶ خورشیدی آنرا ترجمه نموده و حاضر داشته و در صدد بدست آوردن مجال از برای طبع آن

ج

بودم مراتب را بمقام وزارت فرهنگ گزارش داده و تقاضای چاپ ترجمه خود را از آن مقام نمودم از حسن اتفاق این تقاضا مورد قبول واقع شده و بادراره کل نگارش دستور داده شد که در چاپ نسخه ترجمه موجوده اقدام نمایند .

اکنون این بنده با تجدید نظر در ترجمه و اصلاحات لازمه در پاره اصطلاحات و واژه های معمولی و دقت نظر در تصحیح و تحسین مطالب با اظهار تشکر از تقدیر اولیای امور بطبع و نشر ترجمه کتاب نامبرده مبادرت و اقدام نموده و مراقبت خود را تا حدی که ممکن است نسبت به چاپ و تهیه و تدارك موجبات آن از هر جهت بکار زده و امید است که زحمات من بنده هم مورد توجه و قبول واقع شود و از این راه نیز خدمتی بفرهنگ میهن عزیز خود نموده باشم .

در پایان پوشیده نماند که نگارنده بنوبت خود در آخر کتاب تذییلی نگاشته و برای مزید استفاده خوانندگان قسمتی از آثار نفیسه و شاهکارهای فنی و هنری اساتید هنر پیشه و نقاشان ایرانی را که جزو مفاخر و ذخایر کتابخانه های مهمه این کشور است بانصاویر و نمونه از آن ها برگرد آورده و باین کتاب بعنوان پایان پیوست نمود .
وبالله التوفیق .

آقای دکتر زکی محمد حسن مؤلف کتاب
 «التصوير في الاسلام» و امین دارالانار العربیه
 (موزه) مصر و دکتر در ادبیات از دانشکده
 پاریس و دارای دیپلم آثار ملل آسیائی و
 اسلامی از آموزشگاه لوور پاریس و گواهی-
 نامه آموزشگاه زبان شرقی در فرانسه و
 لیسانس ادبیات از دانشگاه مصر و دیپلم
 مدرسه دانش سرای عالی قاهره و معاون
 علمی سابق موزه برلن میباشد که کتاب او
 بوسیله چاپخانه «لجنة التألیف و الترجمة
 و النشر مصر» در ۱۳۵۴ (۱۹۳۶) چاپ شده
 و منتشر گردید.

آغاز کتاب بقلم مؤلف

بسم الله الرحمن الرحيم

و بعد این کتابی است کوچک، امیدوارم که من در آن توفیق یافته و نیازمندی کسانی را که میخوانند در پیدایش هنر نقاشی ایران و تطور و تغییراتی را که در این فن پیدا شده بررسی و تحقیق نمایند بقدر امکان رفع نمایم و این هنر که در تمامی دنیای اسلامی بویژه کشور ایران که بیشتر از دیگر ملل مسلمان توجه خاص به پیشه و هنر نقاشی داشته و بیشتر از دیگران گوی سبقت را در این میدان در برده بخوانندگان کتاب خاطر نشان سازم .

اما هنر نقاشی که در سواحل نیل جلوه و بروز نموده و ترقی و پیشرفت کرده من برای بیان آن فصولی چند در کتاب (عبدالفن الاسلامی فی مصر) خود ترتیب داده و نگاشته ام و نیز برای ظهور این هنر بعنوان نقاشی اسلامی در هند کتابی جداگانه ترتیب داده ام که بزودی آنرا در آینده انتشار خواهم داد .

ضمناً من از استاد خودم دکتر عبدالوهاب عزام تشکرات خالصانه خود را اظهار میدارم که لطف و مرحمت خود را در مراجعه باصول این کتاب مبذول داشته همانطور که از اساتید اعضاء لجنه تألیف و ترجمه و نشر بویژه از استاد بزرگوار خودم احمد امین ابراز امتنان مینمایم که توجه خود را در باره چاپ این کتاب بکار برده .
و باز من صرف نظر نمیکنم از اینکه خود را مدیون قدرشناسی و تشویق استاد بزرگ، دانشمند جاستون وایت میدانم .

زکی محمد حسن

بنام خدا آغاز کتاب

بقلم خاورشناس بزرگ استاد جاستون وایت (۱)

مدیر موزه دارالاثار عربی در مصر

برای این بنده نیازی نیست که من بخوانندگان مصری دکترزکی محمد حسن را معرفی کنم کتاب مهمی را که او پیش از این راجع بدولت طولونی تألیف نموده در آن کتاب چندان رعایتی از جهت بیداری همگانی در مصر نشده بود زیرا که کتاب مزبور را بزبان فرانسه نوشته ولیکن دکترزکی را جز این چاره نبود که کتاب خود را بآن زبان بنویسد چونکه این کتاب را برای گرفتن پایه گواهی نامه و دکترای خود از سربون نگاشته و باوجود این کتاب مذکور بخوبی گواهی میدهد که دکتر زکی زهام زبان فرانسه را در دست گرفته و کاملاً آنرا مانند زبان مادری خود میداند.

ولی نگارنده خیلی میل دارد دکترزکی کتاب تألیفی خود را که تاریخی بدیع و ممتاز است مجدداً بزبان عربی نقل و ترجمه نماید تا اینکه دانشمندان مصری که از زبان فرانسه اطلاع ندارند در حدود قدرت خود بتوانند از آن بهره مند شده و بفهمند که مؤلف تاجه پایه توانسته موضوع را بروراند و اشاراتی وافق و شامل در هر مورد بنماید و هم احساسات وطن پرستی او را که در وجود من نفوذی زیاد نموده چاره - جوئی کند.

دکتر زکی وقتی بمصر بازگشت کرد که تحصیلاتی خیلی مفید و سودمند در فرانسه و آلمان و انگلستان و اسپانیا نموده بود و باو امانت دارالاثار العربیه (موزه باستانی مصر) واگذار شد که شایسته این کار و سزاوار تحقیق و جستجو در این آثار بود و اول اندیشه دکتر این بود که نتیجه تحصیلات خود را بعد از بازگشت بوطن خویش بروز دهد لذا جزء اول از کتاب تاریخ فتون اسلامی در مصر را تألیف نمود و موزه

باستانی مصر فویدی در صدد طبع و نشر این نسخه نفیس بهزینه خود برآمده و آنرا بچاپ رسانید و آن نخستین کتاب از نوع خود در زبان عربی است .

دکتر زکی موفق شد ، هموطنان خود را بتحقیقات و کنکاشی که دانشمندان اروپائی در این موضوع نموده اند خبردار سازد و از بهره ای که خود از آن برده آنانرا نیز بهره ور نماید و حق آن است که نباید دانشمندان غربی زبان از تصانیف و نگارش خاورشناسان و مستشرقین بی اطلاع بمانند و اگر برای موافقت بانگارشات آنها نباشد لاقلاً جهت آگاهی از کشف و اظهار اشتباهاتی بوده باشد که برای آنان رخ نموده چنانکه مستشرقین هم نتوانسته اند از کتابهایی که به عربی نوشته شده چشم پوشی و صرف نظر نمایند .

بدینجهت من که اصولاً شخصی باختری و اروپائی هستم ولیکن ارتباطی باشرق پیدا نموده و جستجو و تحقیقاتی زیاد کرده - از این راه که مدیر دارالانار عربی میباشم باخوشی و نشاطی بهم آمیخته و مخلوط خواهان آنم بخوانندگان مصری معرفی این تألیف جدید را که دکتر زکی نموده تقدیم دارم .

در واقع گراورها و تصاویر نسخه های خطی این کتاب از نفیس ترین نسخ و زیباترین کتب ادوار فنون اسلامی است که بیشتر از همه چیز میتوان از آن بهره مند و کامیاب گردید . دکتر زکی حسن در اثر مزایا و محسناتی که ما باو سراغ داریم این موضوع را بانظری دقیق و روشن بما نمایش داده بطوری که بر ما معلوم میدارد استاد مذکور این موضوع را بی اندازه دوستدار و طالب است و جای تردید نیست که ذوق بی اندازه و شیفتگی و عشق و علاقه او باین صورت و کثرت تاجر و شکفت او باین کار برای وی راه کنجکاری و تعمق را سهل و ساده و طریق بحث و کنکاش را جهت او مستقیم و هموار نموده .

خوانندگان خواهند دید که دکتر زکی کتاب خود را در آغاز بمقدمه لازم تاریخی شروع نموده و در آن مقدمه تاریخ ایران را بنحو اختصار بمورد و نگارش آورده و پس از طرح مقدمه وارد بحث و تحقیق پیدایش و ظهور فن نقاشی اسلامی و جریان آن گردیده و تحولاتی را که این فن در کشور ایران پیدا نموده و مراتبی را که

خ

قرنها پیموده یا عواملی که در آن تأثیر کرده . در این کتاب شرح و بسط داده . مؤلف موفق شده که هنرستانهای مختلفه را طبقه بندی نموده سپس بیان و تشریح نماید و خصایص و مشخصات هر دوره را بمورد بیان و تفصیل بگذارد و نیز اساتید و هنرورانی را که در هنر نقاشی و صورت کشی نبوغ یافته و بحد کمال رسیده اند یا هر يك که دارای این عطیه الهی و مواهب بزدانی بوده معرفی و توصیف نماید بویژه از سرآمد هنروران وزعیم و پیشوای ایشان استاد بهزاد و بخشایشی که از فیض خدای آفریدگار باو شده تعریف نموده و قلمفرسایی نماید .

اینك بالانربن آرزوی من این است که خوانندگان مصری در خواندن این مؤلفه جدید همان چیزی را درك نموده و بدست یاورند که من از خواندن آن استفاده نموده و بهره مند گردیدم .

جاستون وایت - قاهره در فوریه ۱۹۳۶

مقدمه ای که بخامه دکتر عبدالوهاب عزام بر این کتاب نگاشته شده :

۱- از آنجا که اسلام اساساً کشیدن صورت ذی روح را بواسطه خاتمه دادن بعمل بت پرستی در تمام مظاهر و نمایش آن حرام فرموده و از اینجهت مسلمانان صدر اسلام در صدد کشیدن صورت انسان و حیوان که دارای روح و جانند بر نیامده و بنقاشی آن توجه نداشتند ولی موقعی که تمدن آنها کمال یافت و تمایل خود را بجانب نقاشی و نوشتن خط و کشیدن صورت نباتات و جمادات آشکار نمودند این هنر را باعلی درجه کمال زیبایی و بها رسانیدند .

علاوه بر این مسلمین بمروور زمان در کشیدن صور موجودات ذی روح و ساختن مجسمه یا هیاهکل سایه دار بخود اجازه داده - مخصوصاً در دوره های اخیر قرن هفتم هجری و بعد از آن باین کار اقدامی شگفت نمودند .

در کاخ عمراء که بقایای آناری آن اخیراً در سرزمین شام پیدا شده و گمان میرود که بانی آن یکی از امرا و سران اموی بوده صور و نقوش بسیاری از حیوان و نبات دیده میشود .

بنی امیه تنها بکشیدن صور نبات و جمادات اکتفا نکرده بلکه آثار جمیل و بدیع و نقش و نگار زیبای آن زمان در کاشیا و موزائیک یا سنگهای رنگین دیده میشود که دیوارهای جامع بزرگ اموی دمشق بآنان زینت شده و هنوز باقی است .

چنانکه گفته اند منصور خلیفه عباسی وقتی که بغداد را بنا نمود اهرداد بر یکی از گنبد های آنجا هیکل سواری قرار دادند که بوزش باد حرکت مینمود و از این قبل آثار در سامرا و اتره های دیگر از خلفاء فاطمیین در مصر کشف شده که صور بسیاری از حیوانات در آنان مشاهده میشود و نیز در ابنیه و آثار اندلس و اسپانیا از این قبیل صوری بسیار نمودار و موجود است .

کتاب خطی مصور اسلامی زیباترین نمونه و نیکوترین آثار را از فنون جمیل و صنایع مستظرفه در خط و نقش و تذهیب و تزیین و رنگ کاری بما نشان میدهد و صفحات آنان فراخترین میدان و وسیعترین فضا برای کشیدن صور موجودات روان دار بوده که روزگاری دراز مسلمین از آن دوری مینمودند .

قرن هفتم هجری مردم عراق (بین النهرین) در نقش و نگار کتب جهت نمایش بعضی از قصص و روایات با افسانه و حکایات حریص ترین مردم بودند و در پیشرفت این هنر کوششی بسزا مینمودند و بهترین نمونه در این خصوص نسخه مقامات حریری است.

صورتگران بکشیدن صور و نقوش کتاب * نوادر ابوزید سروجی * اقدام نموده و از جامه و پوشش گوناگون آن زمان و رسوم و عادات مردم آن دوره صورتبائی زیاد کشیدند و هم اکنون در کتابخانه ملی پاریس نسخه از مقامات حریری وجود دارد که در صفحات آن بالغ بر صد تصویر کشیده شده و نقاشی این نسخه در نیمه قرن هفتم هجری انجام گرفته.

در مصر و شام هم در آن دوره اهتمامی زیاد بنقاشی کتب شده سپس این فن در ایران جلوه و خود نمائی کرده و نقاشهای ایرانی در حدودی معین نایستاده بلکه از پیامبران و صحابه هم صورتها کشیدند و برای هنر نقاشی در ایران دوره هائی متداوله و بیابانی بواسطه تأثیر فن چینی بوده و هنروران بمرو در زمان در ترقی و پیشرفت این هنر اهتمام نموده اند.

سلطینی که سلطنت ایشان در کشور ایران امتداد و دوام یافته آنها نیز هر کدام بنوبت خود در پیشرفت این هنر رعایت اهتمام را بجا آورده و از آن جمله: ایلخانان تیموریان و صفویه بوده اند و تقریباً بقایای آثار تمام این ازمنه و ادوار چگونگی اهتمام مردم را در این باب نموده و گویای آن بوده و نیز درجه رغبت و تمایل ایشان را بتزیین و آرایش کتب و تصویر صور آن نشان میدهد.

سمرقند و هرات در زمان تیمور و شاهرخ و بایسنقر و سلطان حسین بایقرا و وزیر او امیر علیشیر نوائی هجوع نویسندگان بلند پایه و کانون هنر و مرکز هنروران و نقاشان زبردست و سرآمد بوده و این دوره بنام نقاش عالی مقام و استاد مشهور «بهزاد» تمام میشود.

در دوره صفویه فن نقاشی رونق و شکوهای تمام یافته و گلپای رنگارنگ و زیبای آن شکفتن گرفت زیرا که شاهان این خانواده و دودمان نسبت باین هنر توجهی بخصوص

نموده و در پیشرفت و ترویج آن کوشش و مساعی زیاد به خرج دادند مخصوصاً شاه طهماسب اول، (۹۳۰-۹۸۴) و شاه عباس کبیر، (۹۸۵-۱۰۳۸) بیشتر از دیگران باین عمل اهتمام داشته و از دارندگان پیشه و هنر تشویق و قدردانی مینمودند.

در زمان شاه عباس عمارات سلطنتی اصفهان و کاخهای بلند پایه آن بآیات و علاماتی از نقوش و تصاویر زینت گرفته بود که من نمونه و بقایای آنرا در کاخ چهلستون و سایر عمارات و ابنیه و کاخهای باشکوه اصفهان مشاهده نموده ام لیکن در این دوره و زمان بود که در برابر نقاشی ایران نقاشی دیگری خودنمایی نمود و آن نمونه نقاشی اروپائی بود که بین کار استادان ایرانی آشکارا و عیان گردیده و در کاخ چهلستون هم اکنون صور و نقش و نگاری دیده میشود که سفرا و ایلچیان اروپا در موقع تشریف بحضور شاه عباس و نیز میدان جنگ و هنگامه های جنگی در آن بنا نقاشی شده و گویا که آن به بینندگان تصاویر و نقوش کاخ و رسایل فرانسه را نشان میدهد.

این عصر درخشان و دوره طلایی دلفریب و روح بخش نقاشی را دست و قلم توانای رضای عباسی نقاشی و هنر نمائی نموده و بعد از این استاد برای نقاشی ایرانی تحولات و تغییراتی عجیب دست داده که متدرجاً آنرا بجانب انحطاط و پستی گرائیده و دچار ضعف و سستی نموده است.

پس از آن در برابر نقاشی ایرانی نقاشی دوره و عصر اسلامی هند و غیر آن قرار گرفته که هر کدام در مورد خود شایسته و در خور تحقیقات و بازرسی کامل خواهند بود.

۲ - اروپائیان در باره تحقیق و رسیدگی نقاشی عصر اسلامی و ابنیه و عمارات ایندوره توجهی زیاد نموده کتب خطی مصور و نقاشی شده و برخی از نقوش و تصاویر فردی را گرد آورده و آنرا با تاریخ برابری و تطبیق داده اند و برای این رشته از هنر و فن ادوار اسلامی تاریخی مرتب و روشن نگاشته و تنظیم نموده اند از آن جمله «ارنولد» و همکار او کتابی مخصوص راجع به فن کتاب شناسی و تشخیص آن نگاشته و آنرا به «کتاب اسلامی» نام نهاده اند.

۳ - مسلمین هم در این زمان برای بررسی و تحقیق فنون اسلامی از اروپائیان پیروی و تقلید نموده و باینکار اهتمام مینمایند از جمله وزارت فرهنگ مصر حوت

دانش‌جویی را برای بررسی بفتون اسلامی برگزیده که شایسته ترین شاگرد فارغ -
التحصیل از دانشکده ادبیات و دانش سرای عالی مصر بوده و او را پاریس فرستاده
این جوان مجدداً در آنجا بتحصول کمال پرداخته تا بدرجه (دکتر) و اجتهاد رسیده
سپس رشته تحقیق و مطالعات خود را در موزه های آلمان و دیگر جا تکمیل نموده و
بمصر مراجعت کرده و با موفقیتی که یافته در صدد برآمده زبان عربی را بآنچه که
از کتب فنی اسلامی نیازمند است کمک و دستیاری کند، این دانش‌جوی جوان همکار
محترم ما (دکتر زکی محمد حسن) است .

مشاریه ابتدا بنام «الفن الاسلامی فی مصر» کتابی نوشته که جزء اول آن انتشار
یافته سپس این کتاب را که ما تقدیم و پیشکش بخوانندگان خود میکنیم بنام (کتاب -
التصویر فی الاسلام عند الفرس) یا این کتاب نگاشته .

ما بهمت بلند دکتر زکی محمد حسن و نبوغ و استعداد کامل او امیدواری زیاد
داریم و آرزو مندیم که مشاریه مساعی خود را در بهره مندی خوانندگان عربی زبان
هر اوقات که در این موضوع بنوبت خود بحث میکند مبذول دارد و خدا برای او
هر دشواری را سهل و آسان فرموده و موفقیت و یرا در هر کاری که خواهان آن است
فراهم سازد .

عبدالوهاب عزام - بغداد ۲۸ شوال ۱۳۵۴ زانویه ۱۹۳۶

فلات ایران از طرف غرب برود دجله و فرات ارتباط یافته و از طرف شرق برود سند محدود می‌شود و از جنوب بخلیج فارس و دریای عربستان و از شمال بدریای قزوین (بحر خزر) و رود جیحون پیوسته و بالین وصف ایران شامل کشور کنونی آن و افغانستان و بلوچستان و جنوب ترکستان روس خواهد شد.

برای اینکه دو خانواده کیانی و آکمید - (هخامنشی‌ها) و ساسانی بزرگترین خاندان سلطنتی که در این کشور سلطنت نموده و در قسمت فارس و جنوب غربی ایران نشوونما داشته‌اند. این نام بر تمام ایران غلبه یافته و نزد یونان و روم و عرب و اروپا بنام پارس یا (فارس) معروف گردیده بود (۱)

لفظ (ایران) از کلمه (آری) جدا شده ایران کشور ایرانیانی است که آنها قسمتی از نژاد آریایی می‌باشند و این نژاد از مراکز آسیا به جانب میهن نوین خود مهاجرت نموده در آنجا سکنی گرفته‌اند

در تمدن مللی که از زمان خیلی قدیم در ایران سکنی داشته‌اند ابداً هیچگونه محل تردید نیست و هنوز آثار تمدن این ملت در بسیاری از نقاط نمودار است.

«سراوریل شاین» و «پرفسور هرنسفلد» قطعاتی از ظروف سفالی ظریف که سازهی محکم و استوار دارند یافته و بدست آورده‌اند که آنان بنقوش و رسوم زیبا از خطوط و اشکال هندسی زینت شده بود و علمای آناری در تعیین زمانی که این ظروف در آن ساخته شده اختلاف دارند و شاید بهترین عقیده و آراء ایشان آن باشد که چیزهای نامبرده در هزار سوم یا چهارم پیش از میلاد مسیح درست شده.

۱ - به موجب اعلامیه دولت شاهنشاهی واره پارس با ایران تبدیل یافته و پسمان کشور های جهان این نام رسمی اختصار و اعلام گردید. (مترجم)

کاوش کاران (حفاران) علاوه بر این بنوع دیگری از ظروف آگاهی یافته اند که بیشتر در حدود نهاوند (۲) بدست آمده برای این ظروف ظرافت و زیبایی نوع سابق و خوبی ساخت آن نبوده و بسیاری از علمای فنی باستان شناس آنرا باواخر هزار سوم پیش از میلاد نسبت میدهند.

کنگره سنابع ایران در لندن سال ۱۹۳۱ باعث شهرت چیزهایی از ظروف و اسلحه و زینت آلات و غیره نرنزی گردید که در لرستان پیدا شده و باستان شناسان در تاریخ آن اختلاف زیاد نموده اند ولی باوجود این بیشتر از آنها راجع به هزار سال قبل از میلاد است.

بالینکه تاریخ این قبل از قیام کورس (Cyprus) یکرشته افسانه های بهم پیچیده و غامض است معذک آنچه را که ما میدانیم این است، در قرن ششم پیش از میلاد در جانب غربی ایران دودسته از نژاد آریین: میدی ها در شمال - پارتها در جنوب جاو مکن داشته اند.

اما میدیها پیش از این در زمانی دور و دراز باین مرز و بوم مهاجرت نموده و آمیزش آنان با آشور بان و بابلیها که ساکنین قمت جزیره و عراق بودند عاملی بزرگ و قوی در ترقی و پیشرفت ایشان شده و از این راه نوشتن آموخته و ازدانش و مدنیت بمقامی باز و جایگاهی ارجمند رسیدند و ولوی نکشید که بواسطه نیرو و اهمیت خود فارس را معایع خویش کرده و آنرا بدادن باج و خراج مجبور و ملزم نمودند.

اگر چه دوره سکونت فارسها در ایران و جاگزیدن آنان در این حدود تازه تر از دیگران بوده ولی باوجود این سستی و ضعف ایشان چندان ادامه و دوام پیدا ننمود زیرا کورس انبدره توانست که بآنها وحدت کلمه داده و بین ایشان طرح یگانگی و اتحاد و یکپارچگی برپا دهد و با عزم شمال ایران نبرد و کارزار نموده - میدی را شکست داد و بر روی زمین آنرا که اکباتا (۳) برد مستولی شده آن دو کشور را یکی گردانید و بدینسان که تازه - که و ۵۵۰ قبل از میلاد دولت کورس را تأسیس نماید.

۲ - این ظروف مربوط به قاری است که در سه زبان (گیان) توسط کریمشمان بعمل آمده و گهانی یکی از آبادی های مهم نهاوند است. (مترجم)

دولت کیان

(۵۵۹ - ۴۴۱ ق م)

کورس سلطنت خود را از طرف مشرق تا رود سند امتداد داده بعد از شکست
لهیدی و دستگیری (کورس پادشاه ایشان) آسیای صغیر را بکشور خود ضمیمه نمود
پس از آن بر کلدانیان غلبه یافت و بابل را فتح نمود (۵۳۹ ق م) بعد از آن جانشینان
وی هم مانند او رفتار نمودند.

کامبیز پسر کورس در ۵۳۰ قبل از میلاد مصر را گرفته و بعد از آن ایران و یونان
را بهم پیوست سپس بین ایران و یونان زد و خورد های معروف و فتح و شکست های
چندی روی داده و حملات ایران بر کشور یونان مکرر گردید و ایران برای یونان دیگر
مستعمراتی باقی نگذاشت (۵۰۰ تا ۴۷۹ ق م).

دولت کیان هواره برقرار و پایدار بود تا اینکه اسکندر مقدونی پیدا شده
بدولت و پادشاهی این دودمان خاتمه داد (۳۳۶ - ۳۳۱ ق م).

آریین ها در ادوار پیشین تجلیات و مظاهر طبیعت را برستش می نمودند و بوجود
نزاع و کشمکش بین قوای مختلفه طبیعت عقیده داشتند تا اینکه در هزار اول قبل از
میلاد «زردشت» پیدا شده و نیروی خیر را «اهورامزدا» و یگانه بنام «اهورامزدا» نسبت داد
و از ابواب آسمان بر او وحیه فرمود که آن «اهورامزدا» است و می گفت که این دو
قوه پیوسته با یکدیگر در کشمکش و نزاع اند و آخرتشان شریک و یار باشد از اهورامزدا
و مدایش بدی ها و گناه ها را از اهریمن است و باید که روح خیر را کدک و یاری
کرده از روح شر را بزداید و از آن نیروی کدک و بیز باید که بر روح خیر را بزداید باز پسین
عقیده مند باشد.

زردشت در آموزش مذهبی خود احترام و ستایش را کد آریین ها از آتش
نموده و آنرا مقدس می نمودند تا بحدی که آتش را نمک و عرق از تنه بر درختش
دانست و بر نقره ختن آتش را در کافراها سنگ سوکراتی از بزرگترین مظاهر همه
دیانت خرد قرار داد.

اسکندر و جانشینان او

۲۳۰ - ۵۲۴۸

اسکندر دولت ایران را بهم زده و فتوحات اوراهی وسیع برای نشر تمدن یونانی در شرق نزدیک و شمال هندوستان باز نمود و بزرگترین چیزی را که او در نظر داشت توحید سلطنت و گماشتن مستشاران دولت بیگانه در شرق و غرب بوده تا اینکه امپراطوری گیتی را تحت قدرت و نفوذ خود در آورده باشد.

اسکندر پس از فتح ایران دختر دارای سوم را ازدواج نمود، سرداران او هم از وی پیروی کرده بسیاری از ایشان با بانوان ایرانی زناشومی نمودند لیکن چیزی نگذشت که اجل دست بگریبان او شده و بعد از وی کشور پهناورش به بخشهایی تقسیم گردید که امور آنها را سرداران اسکندر اداره مینمودند و یکی از ایشان که سلوکوس نام (Seleucus) داشت چیزی که قابل ذکر باشد نرسید ولی طولی نکشید که بین جانشینان اسکندر نزاع در گرفت و سلوکوس بخش خود را با تیتوکوس پیوسته از اینراه بر بابل استیلا یافت.

بعد از آن آنتیوکوس خواست که تنها وارث اسکندر شود ولیکن سلوکوس بر او غالب شده و سلطنت خود را بر بیشتر قسمت آسیا که از خانواده مقدونی باقی مانده بود امتداد داد و تمدن یونان در دوره حکومت او و جانشینانش در تمام قلمرو خاور میانه و شرق نزدیک منتشر گردید.

پارته‌ها (Les Parthes)

(۲۵۰ ق م - ۲۲۶ م)

در نیمه قرن سوم قبل از میلاد دسته از آریین‌ها در خراسان سکنی داشتند که به پارت یا پارتی معروف بودند و آنها از مراکز آسیا به آنجا روی آورده و جایگاه گزیدند پادشاه ایشان ارشاکس Arsakes یا ارشاک توانست که کشور خود را استقلال دهد.

پارتها همواره با جانشینان سلوکوس نزاع بوده تا اینکه قسمت غربی ایران و حدود شرقی بلاد جزیره را از آنها انتزاع نمودند سپس با رم داخل جنگ و نبرد شده از منستان و قسمت غربی بلاد جزیره را گرفتند و در دوره مهرداد کبیر (۱۷۴-۱۳۶) امپراطوری پارتها بدورترین مرز و حدود خود رسیده و با اینکه آنچه تصور میرود پارتها ایرانی بوده اند معذلت تمدن ایرانی در تمام دوره ایشان جز در طبقات توده ملت کار فرما نبوده و بین دربارها و بزرگان و رجال دولت تمدن یونان چیرگی داشته و انتساب پارتها بکیانیان و الحاق این انتساب آنان دارای اثری زیاد نبوده و آنها را برنگ تمدن قوی و مهم یونان که اسکندر و جانشینان آن بایران آورد، بودند رنگین بود.

ساسانیان (Les Sassanides)

(۲۲۶ - ۶۴۱)

ساسانیان منتسب بساسان اند که مردی پیشگو بوده و او را از کاهنان استخر تصور نموده اند و این خاندان علاوه بر این نسب خود را بکیانیان میرسانند.
(در اوایل قرن سوم قبل از میلاد) در ایران چندین خانواده های کوچک حکومت مینمودند که آنها در برابر پارتها تسلیم بوده و اظهار فروتنی مینمودند.
عرب این دوره را بدوره ملوک الطوائفی (فتودالیه) نام نهاده است.
سرسلسله این خانواده های کوچک «بابک» نامی بود که در حدود فارس حکومت داشته سپس پیشرفت کرده و دست اندازی بکشور همسایگان خود نمود و نواده او (اردشیر) توانست که اردوان اشکانی آخرین پادشاه اشکانیان در ایران را شکست داده و بزور و نیرو تخت و تاج او را گرفته و سلطنت خانواده ساسانیان را تشکیل دهد و آنها وارث چیزهایی شوند که از پارتها بارت و یادگار مانده بود و آن نزاع و کشمکش بین ایران و روم و بیزانطین بوده.

اردشیر باروم درباره ارمنستان داخل جنگ شده و همیشه این جنگ و جدال بین دو دولت امپراطوری بزرگ ایران و روم تا دوره انقراض دولت ساسانیان برقرار بود و گاهگاه فترت هایی کم و کوتاه در این میانه رخ می نمود.

پوشیده نیست که بزرگی و شوکت ایران باستان در دوره ساسانیان تجدید شده و کشور ایران راهی را که آن زمان در تمدن جدید و عظمت خود پیمود تنها در دوره این خانواده بوده و شاهان این دودمان قهرمانانی بودند که از ایران و تمدن آن در برابر روم و یونان در مغرب زمین دفاع مینمودند و بر ضد قبایل هیاطله (مغول - ترک ها) در شرق بودند.

هاین شاهان ساسانی از همه مشهورتر (شاپور اول) است که با سوریه و شام جنگ نموده و با رومیها ۲۶۰ بار نبرد کرد و نیروی روم را شکستی سخت داد شاپور و اولین امپراطور روم را اسیر نموده با ایران آورد و ایرانیان یادگار این حادثه شکست را با خطوطی برجسته و خوانا روی تخته سنگها برای یادگاری همیشگی و دوام رسم نموده اند. هم از ایشان « بهرام پنجم » است که بدستگیری « نعمان » پادشاه حیره بتخت ایران قدم نهاده و در صید و شکار او را مهارتی زیاده بود و او را بهرام گور لقب داده اند (لفظ گور فارسی و معنی آن خروجی است) بزرگترین سعی و کوشش بهرام گور جلوگیری از قبایلی بود که بحدود شمال و شرق دولت امپراطوری وی حمله آورده و کشور او را در آن حدود دچار تهاجم مینمودند.

در ۵۳۱ « انوشیروان عادل » که درستایش و نیایش او شعرائ عرب شعرها سروده اند به تخت شاهی ایران نشسته: قوانین کشوری را اصلاح - مالیات را منظم - امنیت را برقرار نمود و لشکروا در حدود شرق و غرب فاتح شده سوریه را تسلیم و فرمانبردار نمودند و او دایره سلطنت خود را تا کشوریمن وسعت داد.

برای دوم سوریه را تا شام و مصر و آسیای صغیر تسلیم نموده و نیز توانست که تقریباً بر قسمت اعظم استیلا یابد ولی هرگز امپراطور دوم به پایایی آن قیام نموده و نیروی ایران در بلاد جزیره شکستنی بزرگ خورد، در نتیجه آنچه را که بر روی گرفته بود مسترد گردانید.

از آنجا که امپراطوری ساسانیان مولود نطفی میهنی و کشوری و مذهبی بود در دوره سلطنت این خانواده حکومتی ملی و ایرانی در این کشور برقرار گردید و در آن دوره دیانت مقامی اعلی پیدا نمود سلاطین این خاندان توانستند آئین و

و نظامات اداری را که داریوش در دوره کیانیان ترتیب داده بود دوباره بکار برده و اجرا نمایند و اهمیت و احترامات حکومت مرکزی را در نفوس حکام و فرمانروایان اقلیم و شهرها جای داده و انتشار دهند و دین زردشت با پایه استوار باین جنبش پاک و نهضت مقدس ارتباط یافته و مذهب رسمی دولت گردیده ضمناً نفوذ رجال مذهبی زیاد شد و این کثرت نفوذ تقریباً اسباب خطر انتظامات کشور گردید لذا شاهان ساسانی در قرن چهارم میلادی درصدد برآمدند که این قوه را جلو گیری کنند ولی بعضی از ایشان فدای راه این مساعی شده و جان خود را در سربازانکار دادند اردشیر ثانی (۳۷۶-۳۸۳) نیز از سلطنت خلع گردید.

شاپور سوم (۳۸۳-۳۸۸) و یزدگرد اول (۳۹۹-۴۲۰) و هرمز اول (۴۷۱-۴۷۳) مذهب مانئی را که مذهبی بهم آمیخته و مخلوط از دیانت زردشت و مسیحی بود قبول نمود و اساس آن مذهب این بود که دنیا از دو اصل: نور و ظلمت پیدا شده بدین تفصیل که از نور هر چیز خوب بوجود آمده و از ظلمت هر امر شری پدید گردیده ولیکن آمیزش خیر و شر در این دنیا شری است که بایستی هر کس از آن رهائی جست و رستگاری پیدا کند.

مانویت مردم را بزهد و بی میلی بدنی خوانده ازدواج وزن گرفتن را شتاب زدگی بجانب فنا میدانست لذا آنرا حرام گردانید، مانویها به پیغمبری عیسی و زردشت اعترا ف نموده، عقیده داشتند باینکه مانئی پیغمبری است که عیسی بآمدن او مژده داده ولیکن تعلیمات مانوی را در ایران پیشرفت زیاد نمود و آنان بوقتی رسید که کیش و آئین خود نیافتند وقتی که هرمز وفات یافت برادر او یزدگرد اول (۳۷۳-۳۷۶) مانئی نیز کشته شده پیروان او نیز از هم پاشیده و براه کندی گردیدند.

آخرین تن که از شاهان ایران بکیش زردشت در آمد قباد اول (۴۸۸-۵۳۱) بود که او آئین مزدک را پیروی نمود و او مردی تنوی مذهب بوده و بوجود خیر و شر اعتقاد داشت لیکن مزدک در اثر تعلیمات اشتراکی و اباحه اموال و زنان از کیش زردشت جدا شده بود و قباد برای کم کردن نفوذ اشراف و رجال مذهبی و مؤبدها و برای از بین بردن قدرت و نفوذ ایشان خود را باین عقیده نسبت داد ولی باوجود این مغلوب شده

و او را از تخت و تاج برکنار نمودند. قباد پس از چندی از روش و طریقه مزدك دست کشیده و دیگر بار بر اورنگ شاهی برقرار گردید.

تعجب در این است با وجود اینکه در رأس دولت ساسانی خانواده ای قرار گرفته بودند که مورد تقدیس و تکریم ملت بود و مردم آنان را مانند خدایان پرستش مینمودند و از پرتو وجود ایشان طبقه اشراف بنفوذ و قدرتی تمام بهره ور و متمتع شده بودند و آنها بر سراسر کشور تسلط داشته و مأمورین شایسته کشوری و سرداران بزرگ لشگری تربیت نموده و بیرون میدادند رجال مذهبی هم به تبلیغات و تعلیمات زردشت و ترویج آن مواظبت داشته آیین و کیش زردشت را نگهبان و حافظ بودند و در نظرایشان چیزی جز دفع و رفع موانع عموم نرضت اصلاحی نبود معذلك مقدمات و وسائل زوال و انقراض این دولت فراهم آمد.

از جمله موجبات زوال دولت ساسانیان نزاعی بود که چند قرن بین ایران و روم ادامه داشته و نتیجه آن ضعیف شدن دولت ساسانی در موقع پیدایش و ظهور دین مبین اسلام و شروع دعوت اسلامی گردید، سستی و ضعف دولت ساسانیان نیروی ایران را از ایستادگی و پافشاری در برابر نیروی اسلام بازداشته و طوری شد هنگامی که مسلمانان شروع به فتوحات مهمه نمودند پی در پی آنها ضعیف و ناپایداری خود را آشکار کرده و شکست ها خوردند و طولی نکشید که نفوذ مسلمین بر تمام کشور ایران امتداد یافت و رشته دولت با عظمت ساسانی بکلی از هم گسیخته و منقرض گردید.

فتوحات اسلامی

قوه ایمانی مسلمین و تعصب اسلامی و رغبت آنها در بسط و نشر این دیانت و اعتقاد ایشان بقضاء و قدر و معرفت آنان از نعمت و راحت و زیادی ثروت ایران و مصر و شام خلاصه موجبات مذکور و غیر آن بزرگترین عامل پیشرفت و بهترین شوق مسلمین در فتوحات مهمه و وسیع آن حدود شده چنانکه ضعف ملل عظیمه هم آنها را در آنوقت برای پیشرفت کار کمک مینمود.

ایران در شرق و روم در شمال - کشور ایران بدست اعراب سقوط نموده و اساساً جزو متصرفات و پیرو اوامر خلفا گردید ، خلفا برای امور کشوری آن از طرف خود ولات و حکامی روانه مینمودند و این ترتیب تا اوایل قرن سوم (نهم میلادی) برقرار بود . سیاست بنی امیه و کارهای برجسته ایشان بالا بردن شأن عرب و مقام دولت اسلامی بوده و در دوره آنها دولت اسلام از تمام جهات صیغه و رنگ عربی بخود گرفت و ایران در زمان بنی امیه دور مهمی بازی ننموده و کاری از پیش نبرد .

پس از آن بنی عباس آمده و در دوره ایشان متدرجاً سلطنت بدست ایرانیان افتاد و از میان آنها خانواده های جدیدی قیام نمودند ولی طولی نکشید که عصر طلایی دولت بنی عباس اعلان انقراض و افول خود را داده و آثار تجزیه در ارکان و عناصر دولت اسلامی روی نمود . حکام هر جا طمع باستقلال خود برده و دم از خود سری زدند و قدیمتر از همه آنها طاهریان و اولاد صفار بودند که برای خود حکومتی نیمه مستقل تشکیل دادند

طاهریان ۲۰۵ - ۲۵۹ هجری (۸۲۰ - ۸۷۲ م)
دودولت
صفاریان ۲۵۴ - ۲۹۰ = (۸۶۷ - ۹۰۳ م)

طاهریان منسوب بطاهر بن حسین مشهور بنو الیمینین اند که یکی از سرداران بزرگ مأمون بوده و او را برای ایالت خراسان برگزیده بود ، حکومت در دودمان طاهر زیاده از پنجاه سال دوام یافت تا پسران صفار بکار ایشان خاتمه دادند و نخستین کار آنها این بود که سرسلسله ایشان یعقوب بن لیث صفار که کار او روی گری بود عهده دار حکومت سیستان شده و سلطنت او در هرات و فارس امتداد یافت سپس طاهریان را شکست داده ، بر خراسان نیز مسلط گردید و خواست تا بغداد را بگیرد - موفق برادر خلیفه او را منہزم نموده و یعقوب در ۲۶۵ وفات یافت - پس از یعقوب برادرش عمرو لیث جانشین او شد . ولیکن طولی نکشید که ساسانیان دولت صفاری را بهمزده و منقرض نمودند .

دولت سامانی

(۳۶۱-۳۸۹-۸۷۴-۹۹۹)

سامان مردی ایرانی و از اشراف و بزرگان بلخ بود که در زمان دولت بنی عباس قبول اسلام نموده و چهار نفر از نوادگان او در خدمت مأمون پیدا شده اظهار لیاقت کردند . خلیفه آنها را والی ماوراءالنهر فرمود و بهر کدام حکومتی را واگذار کرد .

یکی از ایشان حاکم فراغنه و سمرقند و کاشغر شده ، پسرش توانست که بعد از او از حدود هند تا نزدیکی بغداد را تحت قلمرو خود درآورد و قدرت خود را در آنجا بسط و توسعه دهد .

بخارا در دوره حکومت این خانواده به علمای بزرگ و اساتید متتبع و هوشمند اشتها رزید یافته و سامانیان برای زنده نمودن ادبیات ایرانی و ترویج آداب و رسوم آن بذل مساعی نمودند .

آنها نسب خود را به پهلوان ایرانی * بهرام چوبینه * پیوسته و در زمان ایشان جنبش ملی برای پیشرفت زبان فارسی شروع شد :

رودکی رکن شعرای اولیه ایران در آن زمان ظهور یافت . دقیقی نیز برای امیرنوح پسر نصر سامانی منظومه مفصلی ساخته که در آن گزارش و حوادث ایران را در زمان یکی از پادشاهان بطور افسانه حکایت مینمود .

فردوسی این منظومه را در شاهنامه خود داخل نموده و این شاعر بزرگ با افتخار زندگانی ادبی خود را در خدمت شاهان سامانی شروع نمود .

پسران بویه

(۴۳۰-۴۴۸-۹۴۳-۱۰۵۶)

موقعی که سامانیان در خاور ایران حکومت داشتند در قسمت باختر این کشور

پسران بویه پیدا شدند که مدعی بودند آنها از نسل و خانواده ساسانیانند.
 بویه رئیس قبیله بزرگی بود که در حدود بحر خزر سکنی داشته و تابع سامانیان بودند.

علی پسر بویه ابتدا برای مرداویج که از آل زیار بود خراج گذر شده و طولی نکشید، که او از دیلم سپاهی بدور خود جمع نمود و نفوذ خویش را بکرمک و دستیاری برادران خویش در جنوب ایران برقرار داشت و طوری شد که خلیفه ناچار گردید، در ولایاتی که آنها گرفته بودند حکومت ایشان را تصدیق و اعتراف نماید و بدین ترتیب سلطنت آل بویه در جنوب ایران برقرار شد سپس نفوذ ایشان توسعه پیدا نموده تا بغداد امتداد یافت و در ۳۲۴ (۹۴۷) آنها داخل بغداد شدند، خلیفه یسکی از ایشان لقب امیر الامرائی داده و برای آل بویه در امور دولت و در بار خلافت جایگاه و مقامی عالی فراهم آمد.

مشهور تر از همگی آل بویه «عضدالدوله» است (۳۳۸ تا ۳۷۲) که دایره تجارت را توسعه داده و پیاسداری و توجه علوم و فنون معروف گردیده و دانش و هنر را تعمیم نمود.

دولت غزنویها

(۳۵۱-۵۸۲-۹۹۳ تا ۱۱۸۶)

در این بین ترکها در امپراطوری بزرگ اسلامی دست بکار زده و دور مهمی را بازی نمودند نفوذ ترکها از زمانی شروع شد که خلفای بنی عباس و سلاطین خاندان ایرانی غلامان ترک را در دربار خود بخدمت گماشته و از ایشان سپاهیان مزدور و جیره خوار گرفتند و نیز سقوط دولت سامانی در اواخر قرن چهارم هجری اجازه داد که سیادت و فرمانروایی کشور ایران از ایرانیان بترکهای آسیای مرکزی انتقال یابد و ایران تا قرن دهم حکومت خود را از ترکها یا مغول قرار دهد ولی با وجود این عناصر ترک بین ایرانیان مستهلك شده رنگ ایرانی بخود گرفت بطوریکه آنها خود را بصبغه ایرانی جلوه میدادند تا بجایی که میتوان گفت خانوادههایی که بی دربی بر تخت

سلطنت ایران قرار گرفته اند (از قرن دهم تا قرن بیستم) حکومت ملی ایرانی بوده و آنها را بهمین واسطه جزء دول ایرانی بشمار آورده اند و با این وصف اعم اینکه اصل ایشان از ترك یا ایرانی بوده باشد آنها بسلاطین ایران اشتباه یافته اند.

اولین دولت ترك که در ایران حکومت نموده غزنویانند و علت پیدایش حکومت آنها این بود که غلامی ترك موسوم بآلبتکین در خدمت عبدالملك سامانی ترقی و پیشرفت نموده و بعد از وفات او بکوههای افغانستان پناه برده از سلطنت سامانیان سرپیچید و طولی نکشید که غزنویها حکومت کوچکی در غزنین افغانستان تشکیل دادند ولیکن مؤسس حقیقی خانواده غزنوی داماد وی سبکتکین است که خلیفه حکومت او را تصدیق نمود و او بعنوان جهاد به پنجاب رفته بنای جهاد گذارد، پسرش محمود بعد از او فرصت یافته دولت سامانی را منحل نمود و خراسان را ضمیمه متصرفات خود کرده، عراق عجم و کرگان را نیز از آل بویه اشباع نمود و سپاهیان او در پنجاب پیشرفتی زیاده کردند و دین اسلام را بهند برد و کشور او از طرفی تا حدرد لاهور کشیده شده و از جهت دیگر از سمرقند تا اصفهان را نیز بتصرف خود در آورد.

سلطان محمود اگرچه سنی متعصب بوده و جماعت معتزله را اذیت و آزار مینمود و مؤلفات علمای معتزله را میسوزانید ولی باوجود این دولت ایران در دوره سلطنت او باوج عزت رسیده و در باروی همواره جایگاه شعرای فارسی زبان بود.

«فردوسی» کتاب شاهنامه بزرگترین تاریخ افسانه ایران را برای سلطان محمود برشته نظم در آورده و تقدیم او نمود.

سلاجقه

(۴۲۹ - ۵۷۰۰) - (۱۰۲۷ - ۱۳۰۰)

گفته شد که دولت خلفای عباسی از آغاز قرن دهم میلادی چگونه رو بضعف نهاده و طوری بود که نفوذ ایشان از حدود عراق تجاوز نمینمود و چگونه غلامان جیره خوار ترك در خدمت خلفا فزونی یافته و بتدریج قدرت سیاسی را از آنها گرفته و نفوذ ملی تركها در تمام حدود و نواحی سلطنت امپراطوری اسلامی زیاده گردید.

سلاجقه که باین اسم شناخته شده اند نسب ایشان بسلاجوق میرسد که زعیم و

قائد این طایفه و رئیس قبیله ترکمان حدود ماوراءالنهر بوده و او توانسته که نفوذ خود را بر خراسان برقرار دارد و بعد از وی قوه سلاجقه زیاد گردید تا اینکه طغرل بیک نواده سلاجوق بر ولایات غزنویان استیلا یافته سپس بجانب بغداد شتافت و در ۴۴۷ (۱۰۵۵ م) بغداد ورود نموده و حکومت شیعی آل بویه خاتمه داد.

خلیفه وقت هم رشته امور سیاسی و کشور داری را بعهده او وا گذاشته و بدین طریق سلاجقه نفوذ خود را زیاد نموده دارای حکومت ایران و عراق و آسیای صغیر و شام گردیدند.

در دوره سلطنت البارسلان که جانشین طغرل بیک بود سلاجقه در ملاز گرد به دولت بیزانطین شکستی سخت داده (۴۶۴) - (۱۰۷۱) ارمنستان را بتصرف خود در آوردند و جلوایشان برای حمله بردن بآسیای صغیر و تهدید قسطنطنیه بازگردید. دولت سلاجقه در زمان ملکشاه و وزیر او نظام الملك که آندو اهمیاتی زیاد برعیت پروری و دادگستری و احترام و مهربانی بعلماء و شعرا داشتند باوج عزت و کمال رسید و در دوره این شاه و وزیر مدارس و دانشگاهها و مؤسسات دانشی متعددی پیدا شده و نظام الملك از اینگونه بشگاهها در چندین جا بنا و تأسیس نمود.

وقتی که ملکشاه وفات یافت (۴۸۵ - ۱۰۹۲) دولت او ضعیف شده و متصرفات وی مابین پسران و خویشان او که مشاغل حکومتی داشته و عنوان اتابیکان بر ایشان اطلاق میشد تقسیم گردید.

با این وصف جای تردید نیست تمام مدتی را که سلاجقه از آغاز دخول ایشان ببغداد تا زمان وفات سلطان سنجر (۵۵۲ هـ - ۱۰۵۷ م) در ایران حکومت نموده اند از خجسته ترین زمانها و برجسته ترین دوره و عصر ترقی فنون و هنر ایرانی بوده و از اشخاص نامی و برگزیده دوره سلاجقه:

امام محمد غزالی - حکیم عمر خیام - دوفر حکیم مشهور و فیلسوف دانشمندان معروف میباشند.

دولت خوارزمشاهیان

(۴۷۰-۶۱۷) - (۱۰۷۷-۱۳۲۰)

در آغاز کار ابن خانواده - انوشکین که از طرف ملک‌شاه سلجوقی عامل خوارزم بود وفات نمود و پسرش جانشین او گردید او خواست که با سلاجقه بمخالفت قیام کند .

سلطان سنجر او را از خوارزم رانده و متواری نمود ولیکن دیگر بار که بایران بازگشت کرد او و جانشینان وی نفوذ خود را در ایران فرونی داده سپس بمذهب شیعه در آمد و آنان قصد داشتند که بغلافت بنی عباس خاتمه دهند ولی چنگیز خان با سپاهیان مغول مزاحم احوال ایشان شده نگذاشتند که حکومت خود را ادامه بدهند . در دوره حکومت این خانواده نیز بسیاری از ادبای فارسی زبان و شعرای ایرانی مانند نظامی و شیخ عطار و دیگران بظهور رسیدند .

مغول‌ها

(۶۵۶ - ۵۷۴۶) (۱۲۵۸ - ۱۳۳۶ م)

دسته از مغول بامر و فرمان چنگیز خان قسمت ماوراءالنهر و بلاد شرقی ایران را در ۶۱۸ هجری (۱۲۲۱ م) بتصرف خود در آورد و مغول‌ها به هر نقطه از نقاط که میر رسیدند آنجا را خراب و ویران مینمودند و قتل و غارت بزرگترین بالای ناگهانی است که در تاریخ ایران بروز نموده و این کشور را کاملاً بجانب خرابی و ویرانی کشانید .

ما بین مغول کسی که قدم ایشان را در کشور ایران استوار نمود هلاکو خان بوده که در نیمه قرن ۷ هجری (۱۳ میلادی) از طرف برادر بزرگتر خود در این کشور حکمرانی مینمود و در ۶۵۶ هجری از استیلا مانده ستم‌خیزه عباسی را بقتل رسانید و در این کشور به تاورشکول خانواده ای داد که تا ۱۰۳۶ هجری حکومت مینمودند و آن خانواده ایلخانی و مغول است .

اصطلاحك مغول با افراد ملت ایرانی سبب تهذیب اخلاق ایشان شده و وضع اداری و آمیزش آنها بعد از هلاکوخان دارای يك سلسله متانت و رشد و پیشرفت گردید و طولی نکشید که مغول دین اسلام را قبول نموده و زیاد حریص بودند که خود را بعموزاده های خود مغولهای بودائی چین اتصال و ارتباط دهند و بدین جهت دوره حکومت این خانواده در ایران نسبت بقئون و هنرورندگان اجتماعی و تربیتی از دیگر دوره ها امتیاز یافته

موقوفیت و پیشرفت اصول ملوک الطوائفی در ایران موجب انقراض دولت جانشینان هلاکو شد و دولت مغول پس از پنجاه سال حکومت و فرمانروائی سقوط نموده و بدولتهای کوچک محلی چندی تقسیم گردید مانند :

دولت آل مظفر در فارس و کرمان (۷۱۳-۷۹۵) (۱۳۱۳-۳۹۳) و دولت کرت در هرات و دولت جلالر در عراق و غیره از دولی است که تا ظهور تیمورلنك دوام نموده و فتوحات امیر تیمور در آخر قرن هشتم هجری (۱۴ میلادی) بتمامی آنان خاتمه داد.

تیمورلنك و جانشینان او

۷۷۱-۹۰۶ (۱۴۶۹-۱۵۰۰)

تیمورلنك در بلاد ماوراءالنهر سال (۷۳۶-۱۳۳۵) متولد شده و او از خانواده اسبیل ترك و از بزرگ زادگان تركستان است.

تیمور موقعی که نفوذ خود را در مین خوش برقرار و پایدار نمود از آنجا بجانب ایران حرکت کرده حکامی را که در این کشور بطرز ملوک الطوائفی حکومت مینمودند بهم زده و همه را تحت يك سلطنت در آورد سپس بجانب روسیه رهسپار شده تا مسکو پیشرفت نمود پس از آن بهند حمله کرده و فتوحات خود را در آنجا ادامه داد تا اینکه دهلی را در ۸۰۱ هجری (۱۳۹۸) بتصرف خود در آورد و طولی نکشید که در حدود آنقره (آنکارا) هم ببایزید سلطان عثمانی شکستی فاحش داد (۸۰۴ هجری-۱۴۰۶) تیمورلنك در فتوحات خود خرابیها زده و در بیرحمی و وحشیگری خود را بمنتهی درجه رسانیده بود ولیکن اگر که شیراز و دهلی و دمشق و بغداد را خراب نمود

این عمل او برای آن بود که پایتخت خود جلو و شکوه و عظمت و جلال داده باشد چنانکه امروزه مقبره و آرامگاه او که یکی از عجایب فنی معماری دوره اسلامی است در سمرقند برپا است و مورد توجه عموم مردم دنیا میباشد.

بعد از وفات تیمور در ۸۰۷-۱۴۰۵ بین ورثه او نزاع در گرفته و در آخر کار چهارمین پسر او (شاهرخ) توانست که خویشان و نزدیکان خود را وادار کند تا حکومت ویرا تصدیق نمایند و او بدین طریق بنخت ایران برقرار گردید سپس بلاد ماوراءالنهر را نیز بتصرف خود در آورده، هرات را پای تخت خویش قرار داد و عده زیادی از شعرا و هنروران را بهرات کشانیده ادب و هنر در دوره او و جانشینانش رونق و شکوهی تمام یافت.

دولت صفویه

(۹۰۷-۱۱۴۸-۱۵۰۲-۱۷۳۶)

سلطین صفویه به «شیخ صفی الدین» منسوب اند که یکی از اولیاء و مرشدان اردبیل بوده و شاه اسمعیل نواده او بعدها دارای قدرت و نیرو شده خانواده ترکمان را که در مغرب ایران حکومت داشتند «آق قویونلو و قراقویونلو» شکست داده و منقرض گردانید و در سال (۹۰۷-۱۵۰۲) خانواده ابرا تأسیس نمود که از آن تاریخ تا ۱۱۴۸ هجری (۱۷۳۶ م) در ایران حکومت و سلطنت داشتند.

نسب صفویه بحضرت علی بن ابیطالب علیه السلام پیوسته و مذهب شیعی در زمان سلطنت و دوره حکومت این خانواده مذهب رسمی کشور پناور ایران گردید. عثمانیان که پهلوانان ترک نژاد بوده و پیروی از مذهب تسنن می نمودند نمی گذاشتند که کلمه آنان یکی شده و نفوذشان زیاد گردد لذا از آن بیعت اختلاف و کشمکش طولانی و شدید بین این دو فرقه پدیدار گردید.

سلطان سلیم در ۹۲۰ (۱۵۱۴) بانبروی زیاد خود بجانب تبریز پایتخت شاه اسمعیل آمده سپاه ایران را شکستی سخت داد و در آنرا آن قوای عثمانی بقسمت غربی دولت امپراطوری صفویه مسلط گردیدند. بدینرا همه آنکه قبایل ترکمان نیز همواره

در قسمت شرقی ایران بجنك وجدال و دست اندازی بآن حدود مشغول بودند شاه طهماسب (۹۳۰-۹۸۴ هجری) در دوره سلطنت خود همواره با این دو خطر بزرگ مواجه بود. عصر طلامی خاندان صفویه دوره سلطنت (شاه عباس کبیر) است (۹۹۵-۱۰۳۸ ه) زمانی که شاه عباس بتخت سلطنت نشست ایران از هر طرف دچار مخاطرات شده بود چنانکه ترکمانان و ازبك حدود شرقی شمالی را تهدید نموده و ترکها بآذربایجان استیلا یافته بودند شاه عباس توانست که دوباره کشور از دست رفته را بخود برگرداند لذا فتوحات خویش را ادامه داد و ترکها را هم از بغداد رانده آنجا را تصرف نمود (۱۰۳۲-۱۶۲۳) سپس بواسطه ایجاد روابط حسنه بین خود و دول اروپا ترکها را دچار مضيقه گردانیده، در اثر این ارتباط نظاماتی جدید در امور کشوری و لشکری برقرار نمود.

از مهمترین حوادث سلطنت شاه عباس انتقال پایتخت او باصفهان بود که در اثر آن شهر مزبور را زیب و شکوه داده ابنیه عالی و مساجد و معابد و کاخهای دلگشا در آنجا بنامود و راه آمدن و شد را بجانب این شهر زیبا از هر طرف و هر جا باز گردانیده اروپائیان از دول و عالی مختلفه باصفهان آمدند عظمت و جلال پایتخت و کشور شاهنشاهی را دیده و گزارش آنرا بمورد نگارش آوردند و از آن شرح و وصف نمودند جانشینان شاه عباس بالینکه روش خود سری را گزیده و بخوشی و نشاط سرگرم گردیدند معذلك سیاست شاه را پیروی نمودند آنها اگر چه نتوانستند از بغداد نگهداری کنند و دولت شمالی آنرا بخود برگردانید: ولی شهرهای دیگر این کشور را نگهداری نمودند و از شاه عباس در طرفداری از ارباب هنر و تشویق کارگران و ترویج پیشه و هنر تقلید نموده و در طرح روابط حسنه با دول اروپا اهتمام زیاد بخرج دادند.

در اواخر عوامل ضعف بدولت صفویه راه یافته و موجبات انقراض در آن رخنه نمود تا اینکه افغانه در دوره سلطنت شاه سلطان حسین بمرز ایران تاخت و تاز آوردند (۱۱۰۵-۱۱۳۵)

افغانه در آنوقت تابع ایران بودند شکست سپاهیان شاه سلطان حسین از ایشان (۱۱۳۵-۱۷۲۲) و استیلاء آنها بر اصفهان سقوط دولت صفویه و انقراض آنرا اعلام

نمود. اگرچه بعضی از افراد این خانواده در مازندران و قزوین و غیران تا چند سال دیگر حکومت مینمودند معذلك دیگر دولت ایشان نصبح و دوامی نیافته و مضمحل گردیدند.

نادرشاه

جنگ افغانه با ایران و مداخله آنان پیوسته بهروز و ظهور یکنوع هرج و مرج و خودسری در این کشور گردیده در اثر آن یگانه سردار توانا و قائم نیرومند افشار نادرقلی (نادرشاه) عزم خود را بر طرد و دفع افغانه و اخراج آنان و استقرار تخت و تاج صفویه آشکار ساخته ولیکن طولی نکشید که او آخرین شاه صفوی را از سلطنت انداخته و تخت و تاج او را بتصرف خود درآورد (۱۱۴۸-۱۷۳۶) سپس شخصاً در رأس سپاه خویش قرار گرفته افغانها را مطیع و فرمانبردار نمود پس از آن بهند لشکر کشیده تا دهلی رفت و بآنجا مسلط شد و جواهر بسیاری از هند بعنوان غنیمت جنگی بایران آورد ولی حکومت او چندان دوام نیاورده و خاتمه پیدا نمود و این کشور بعد از قتل او در (۱۱۶۰-۱۷۴۷) دوباره دچار فتنه و آشوب و انقلاب و خودسری عجیب گردید.

زندیه

(۱۱۶۳-۱۳۰۹) (۱۷۵۰-۱۷۹۴)

ایران در دوره جانشینان نادرشاه بدولت های کوچک چندی قسمت شده ولی طولی نکشید که «کریمخان زند» سلطنت خود را بر تمام نواحی ایران جز ایالت خراسان بسط داد و در آنجا آخرین جانشین نادرشاه (نادر میرزا) حکومت مینمود.

قاجاریه

(۱۱۹۳-۱۳۴۵) (۱۷۷۹-۱۹۲۶)

بعد از وفات کریمخان و کیل اختلاف زیادی، بین جانشینان او و آقا محمد خان که از قبائل ترك قاجار بود روی نمود. آقا محمد خان توانست که سلسله جدیدی تشکیل داده و تهران را پایتخت خود قرار دهد.

در دوره سلطنت این خانواده روسها ایران را تهدید نموده و قسمتی از نواحی

دور دست و سرحدی آنرا بزور گرفتند و بعدها دول دیگر اروپائی در صدد برآمدند که این کشور را بمناطق نفوذ خود تقسیم کنند ولیکن در این بین جنگ بین المللی پیش آمد نمود و در ایران مانند دیگر جا این جنگ عالمگیر مشکلاتی را بوجود آورد و نتیجه بحران منتهی بظهور قائدی توانا برای آرامش و توحید این کشور و جنبش جدید آن گردید.

اعلی حضرت رضا شاه پهلوی

۱۳۴۵-۱۹۳۶

شاهنشاه فقید ایران که اصلش از خوانین مازندران است برای نجات این کشور قیام نموده و مجلس شورای ایران سلطنت او و خانواده اش را تصویب کرد در دوره سلطنت و زمامداری این شاهنشاه برای کشور ایران نهضتی بزرگ پیش آمد نمود و این کشور داخل نظامات سیاستی جدید گردیده و دانشجویانی زیاد باروپا فرستاد ایران در جامعه ملل داخل و این کشور دارای بسیاری از مؤسسات و بنگاههای علمی و صنعتی و کارخانه های زیاد شده و لوازم بسیاری از تمدن جدید در آن پدیدار گردید، بودجه در آمد و هزینه او باعلی مدارج کمال رسیده روابط خارجی و انتظامات و آرامش داخلی آن خاطر تمام جهانیان را بخوبی متوجه گردانید.

فصل اول

پیدایش نقاشی ایرانی

برای نقوش و صور ایرانی نوعی زیبایی و فریبندگی است که بمحض دیدن در سوادای دل جاگزیده و شخص را از آن شگفت و حیرتی زیاد فراهم میشود و هرگاه که گوشه از این هنر را گرفته و نمونه از این فن را با شاهکارهای فنی سرآمدان هنر غرب و آنان که بطریق ایشان رفته و بروش آنها کار نموده اند برابری دهند و نواقصی را که از مزایا در بردارد ملاحظه کنند ممکن است باسانی ارزش و بهای صورتگری و نقاشی ایرانی در برابر هنر و فن اروپائیان بواسطه آشکار شدن بعضی از عیوب یا نقص قسمتی از مزایا و امتیاز ظاهر گردد ولیکن این مغالطه و اختلاط چندان مورد نظر نبوده و داعی انتقاد نخواهد داشت.

هم در این فن پاره از اوصاف است که نبایستی آنان را در نظر گرفت و درباره آن دقیق شد زیرا با لحاظ اوصاف مذکور ممکن است که چنین فنی راه فنا و زوال را پیموده و از میان به درود نماید ولی تنها چیزی که انکار آنرا نمیتوان نمود این است که چهره کشی و نقاشی ایرانی در مورد خود منفرد و یگانه بوده و بیننده را نوعی تأثرات روحی و الهام و خوشی و شادمانی قلبی میبخشد که چنین وحی و تأثیر و جلب توجه برای غیر آن از فنون هنروران دیگر نیست.

تصاویر ایرانی نخستین بار خسته کننده بنظر آمده و دیده از دیدن رنگهای تند و زنده الوان و تابان و درخشان آن زده و خسته خواهد شد و گاهی هم این صور و نقوش مشابهت زیادی را یکدیگر نشان داده یا مکررات است و این ترتیب نظر بتقلیدات و صبغه ایست که اهل فن و هنر در هر دوره بآن احترام گذاشته و در پیروی و تعقیب آن اشتراک نموده اند ولی در حقیقت کمال هنر ایشان در بکار بردن این اوصاف است.

اوصاف ملحوظ از قبیل نداشتن سایه و کشیدن چهره و سیمای اشخاص بوضع

واشکال بی‌تسلب است و گاهی این صور روح و حرکت و نکات و دقائق بیان و تعبیر را ناقص گذاشته و مطابقت نمودن آن با حقیقت و واقع دور از قاعده بوده و مشکل است و این اختلاف و عدم تناسب بواسطه آنکه تفاوتی است که بین البسه و پوشش دو جنس حاصل میشود ولیکن اوصاف و خصایص مذکور از جمله خواص و مزایای است که دردنیای هنر و فنون خود را مستقل و اصلی خاص معرفی نموده و هیچ مدعی و منازعی را مجال نزاع و اختلاف در آن نخواهد بود.

دانش و معلومات ما راجع بنقاشی و صورت کشی ایرانی پیش از اسلام همیشه مجهول بوده و اگر اخیراً هیئت آناری: آلمانی- انگلیسی و فرانسوی در ایران و آسیای مرکزی و افغانستان و شمال هندوستان هم بقسمتی از این فنون اطلاع یافته و تاحدی از آن بهره و نتیجه گرفته اند با وجود این باز معلومات ما ناتمام و ناقص مانده است.

مانی نقاش

مدارك تاريخی و ادبی بما نشان میدهد مانی نقاش ایرانی که در حدود قرن سوم میلادی زندگانی مینموده و مؤسس مذهبی است که بار نسبت میدهند این مرد نقاشی زبردست و توانا بوده و دستورات او اشاره بزینت و آرایش کتب مذهبی بصوری کوچک مینموده و آنرا از بهترین وسائل جهت معجزه و امر پیغمبری و نشر دعوت خود میدانسته.

صدق وصحت این معلومات بواسطه اکتشاف دو نفر آلمانی:

فون او کوک (Von le Coq) و گرینویدل (Grünwedel) بصورت نقاشی های ترفان (صحرای کبی از نواحی ترکستان چین) که مابین سنرات ۱۴۲ و ۲۲۶ هجری (۷۶۰-۸۴۰) کشیده شده ثابت خواهد شد که آنجا مقر حکومت نژاد ترک مانوی مذهب و مرکز امپراطوری ایغور (Uigur) بوده (۱)

مهمترین چیزی که این دو استاد در موقع کاوش آنجا بدست آورده اند اکنون در موزه آثارین المانی برلن موجود است و اکتشافات ایشان شامل تصاویری است که

بر دیوارها بوده و نقوش و صور ایرانی است که تردیدی در صحت آن نمی‌ورد و در بعضی از آنان نقشه‌ها و رسوم بشکل شاخه‌های درخت کشیده شده و آرایش و تزییناتی است که بدوره مغول ارتباط دارد.

و نیز در آنجا صفحاتی دیده می‌شود که این دواستاد در قزیل (Qizil) نزدیکی کوتشاکشف نموده اند و بر آنها صور اشخاصی ترسیم شده که از آنان ارتباطی تمام بین این صنعت و بین آنچه که در ایران بعد از اسلام وجود آمده آشکار می‌شود (۱) و نیز در موزه مذکور نتیجه اکتشافات هیئت آناری افغانستان است که بر معلومات ما در این باب می‌افزاید و در نقوشیکه بر تخته‌سنگهای بامیان (Bamiyan) ترسیم شده و آناری که استاد (A. Godard) و خانم ه. سروبدان آگاهی یافته و واریسی نموده‌اند عناصر هندی و یونانی قدیم دیده می‌شود و لیکن در آنها نیز آثار عناصر دوره ساسانی و صور بعضی از سلاطین آشکار و نمودار است و ما از دیدن همه آنان معلوم می‌داریم که تمدن ایرانی نفوذ خود را تا اواسط خاك آسیا برده و با محدود کشانیده بود و اثر آن در مرز و بوم مذکور تا چندین قرن بعد از انقراض ساسانیان هنوز هویدا و آشکار است.

اسلام

فتوحات مسلمین پی‌درپی دنبال یافته و ایران نیز جزئی از اجزاء دولت با عظمت امپراطوری اسلامی شد و دین اسلام در آن انتشار و رواج یافته، مسلمین زبان عربی را زبان علم و ادب و لسان مذهبی و دیبائی این کشور نمودند و لی چیزی که بود ایرانیان مانند ملل دیگری که مسلمین بر آن غلبه یافته در وجود فاتحین خود تأثیر نمودند و آنها بزرگترین دستیار و کمک کار ایشان در پیدایش هنر و فنون اسلامی شدند که اسلام آنها را در دین خود نقش زده و شخصیت آشکار و هویدای ایشان بدان جلوه و ظهور یافته و این فنون و هنر بنام آنها تمام شد و در حقیقت اساس و پایه این تمدن بزرگ همان مدنیت ایران و روم و کلد و آشور و مصر بوده.

این موضوع مسلم است که بیشتر اعراب در دوره جاهلیت بیابان نشین بودند و

۱- مراجعه به Waldschmidt: Gandhara, kutscha, Turfan. Eine Einführung in die frühmittelalterliche Kunst Zentralasiens ۲۸۵ و مابعد آن

ماین ایشان تمدنی وجود نداشته و بدویت بالطبع دائره وسیع و نعمت و راحت زیادی را دارا نبوده تا در آن هنر و فنونی بروز و ظهور نمایند. ولی باتمام این احوال نمیتوان انکار نمود که عربها در دوره جاهلیت صوری کشیده و مجسمه هائی ساخته و هیاکلی از چوب میتراشیدند تا آنها را خدایان خود قرار دهند پس از آنکه حضرت ختمی مرتبت (ص) در میان ایشان به پیغمبری برانگیخته و مبعوث شد آن حضرت اعراب را از تراشیدن هیاکل و کشیدن تصاویر جلوگیری و نهی فرموده و میخواست بدین وسیله تمایل آنان را از اسباب و وسایلی که مردم را جانب بت پرستی میکشاند انحراف دهد و ایشان را از هر چیز که پرستش بتها نزدیک میکند دور نموده باشد (۱)

خاورشناسان (مستشرقین) مطالب زیادی درباره حرمت نقاشی و چهره کشی در اسلام نگاشته و بعضی از ایشان چنین اندیشیده اند که قرآن مجید کشیدن صور و ساختن مجسمه را حرام فرموده و این خیالی باطل است و اساسی ندارد زیرا که تصریحی در قرآن بر این موضوع نشده .

دیگران گویند که حدیث و خبر آنرا حرام نموده و این قولی درست و صحیح است و هم گویند که شیعه حدیث حرمت تصویر را تثبیت نمیکند و از این راه جاوه و ظم و رصنعت نقاشی را در ایران دلیل آورده اند که در این سرزمین مذهب تشیع رایج و شایع است (۲) در صورتیکه این موضوع دچار مغالطه و اشتباه شده : زیرا که مجسمه سازی و صورت کشی همانطور که نزد علمای اهل سنت مکروه است بدینگونه هم این عمل نزد علمای شیعه کراهت دارد اگرچه فرق شیعه و بکتب خبری که نزد اهل سنت است اعتراف نمی نمایند زیرا که آنها خود دارای کتبی مخصوص اند که شامل اعتقاد و تصدیق شیعه بوده و از احادیث صحیحیه نبوی علیه الصلوٰة والسلام می باشد و در کتب مزبوره حدیث و اخباری درباره نهی صورت کشی و نقاشی و بیم دادن صورتگران وجود دارد که بزودی در روز جزا و هنگام پاداش اعمال آنها را وادار نمایند که در صورتهای

۱ - مراجعه شود بکتاب الفن الاسلامی فی مصر دکتر زکی محمد حس ج ۱ ص ۱۱

و مابعد آن و کتبات الاسلام والحضارة العربیه استاد محمد کردعلی از ص ۱۰۵ تا ۱۱۰

۲ - مراجعه شود به E. Kuhnelt: Islamische Kleinkunst ص ۴

ساخته خود جان بدهند در صورتی که دمیدن جان از عهده ایشان بر نیاید. (۱)
جای تردید نیست جدائی و اختلاف بین مسلمین در آنجا که از مجسمه سازی
و صورت کشی وجود دارد مربوط باین است که کشور ایران چنانچه دانسته شده
بزرگترین محل و فراخترین میدان جهت فن تصویر اسلامی بوده و نیز چنین شناخته
شده که دولت ایران دولتی شیعی مذهب است و لیکن خاورشناسانی که گمان نموده اند
شیعه صورت کشی و نقاشی را منع نمیکنند در عین حال این نکته را فراموش مینمایند
که مذهب شیعه جز از اوایل قرن شانزدهم میلادی بیحد مذهب رسمی ایران نبوده
و آن وقتی است که سلسله صفویه صاحب تخت و تاج شدند و هم آنها فراموش میکنند
صورت کشی را که اسلام مکروه دانسته عربها در آن زحمت و مشقت زیادی نکشیده
اند زیرا که آنها استاد این کار و اهل این هنر نبودند بالعکس ایرانیان که میل و ذوق
این هنر را از تیاکان و گذشتگان خود بارت برده و قریحه استعداد این هنر بمانند دیگر
نژادهای جز طایفه و قریحه ذاتی ایرانیان بوده اند اصرف نظر از این کراهت و نهی بایستی
که ایرانیان را در داشتن این هنر بدیگران سبقت داد معذالك صورت کشان و نقاشان
در نزد علما و رجال مذهبی در ایران ناپسند آمده و عمل ایشان را جایز نمی شمارند.
علاوه بر این در تاریخ هنر و فنون اسلامی سلاطین و امرائی وجود داشته که از
بزرگترین طرفداران و مروجین فن نقاشی و کمک کاران آن شمرده شده اند در صورتیکه
ایشان پیرو مذهب شیعه نبوده و کاری باین مذهب نداشته اند.

خلیفه اموی که کاخ کوچک عمر را در بیابان شام بنا نموده دیوارهای کاخ را
زیست کرده و سقف آن را با نقوش و تصاویری زیبا و دلکش منقش (۲) ساخته و خلفای عباسی
که کاخهای خود را در سامرا (سرمن رای) بنقش و نگارهای رنگارنگ آرایش نموده اند (۳)
و شاهان ایران از خانواده امیر تیمور کورکان که فن نقاشی در دوره ایشان رونق و
شکوهِ تمام پیدا نموده و در تحت سرپرستی و رعایت ایشان بهر زاد بزرگترین

۱- مراجعه شود به فصل اول Arnold: Painting in Islam که آن بهترین چیزی

است که در این موضوع نوشته شده

۲- مراجعه شود به فصلی که اسناد کریزول Creswell برای سنی رانی درباره آن قمر در
کتاب خودش Early Muslim Architecture ترتیب داده

۳- مراجعه شود به Herzfeld: Die Malereien von Samarra

نقاش ایران بوجود آمده و نیز سلاطین مغول در هندوستان و آل عثمان در ترکیه تمامی آنان پیرو مذهب تسنن بوده اند.

نهایت گفتار آنکه مسلمانان از شیعه و سنی بر کراهت مجسمه سازی و کشیدن صور جان دار (ذی روح) اجماع و اتفاق دارند بواسطه آنکه در ایندو تقلید از کار خدای آفریدگار عزوجل میباشد و هم برای آنچه که از حدیث رسیده:

«انما ملأ الله لایدخلون بیتاً فیہ کلب ولا تصویر» فرشته داخل خانه ایکه در آن

سك و تصاویر است نمیشوند.

«ان اشد الناس عذاباً عند الله يوم القيمة المصورون» (بتحقیق کسانیکه عذاب

ایشان از هر کس نزد خدا در روز قیامت سخت تر است صورت کشان میباشد)

«ان الذين يصنعون هذه الصور يعذبون يوم القيمة و يقال لهم احيوا ما خلقتم»

(تحقیق کسانیکه این صور تیارا میکشند در روز قیامت عذاب میشوند و بآنها گفته میشود زنده کنید آنچه را که آفریده اید.)

بدینجهت مسلمانان در آغاز کار ایجاد و ابداع کشیدن رسمهای زیبا و دلربا میل نموده و از آن پیروی کردند و صور جان دار در آنها وجود داشت و هم از اشکال نباتی و هندسی که بعضی در دیگری مداخله مینمود درست کرده و فن آرایش و تزیین از مندرجات رمزآبایی قرن اسلامی گردید و ملوایی نکشید که خط عربی برای مسلمین در مورد تحریر و آرایش کاری رنگارنگش با رسم بنای همسری و رقابت و زور آزمایی را گذاشت.

علی رغم همه اینها مسلمین به صورت کشی ذی روح بی پرده و در آن رشته کار کردند تا اینکه ادواری رسید که هنر و فن تصویر در آنها باوره رسکوه و رنگ و رونق زیاده افشان و به شرفی تمام نمود و بزرگترین اثری که اکنون بنظر ما رسیده بقایای صوری است که در صدر اسلام عمل آن انجام گرفته و کار آرمغان است.

اثر مذکور نقاشی کاخ کوچک عمرا است که موزیل (Musil) دانشمند

اطریشی در سال ۱۸۹۸ آنرا کشف نموده و این آثار در طرف شمال شرقی بحرالمدیت قرار گرفته و بیشتر اندیشه بر آن می‌رود که خلیفه اموی این مکان را در اوایل قرن هشتم میلادی برای آسایشگاه یا جهت محل سرگرمی و خوشی و عیش و نوش خود ساخته است.

بنای این کاخ از حجر الجیر (سنگهای کچی) بالا رفته و شامل ایوانی دراز و طولانی بوده که در آن چند تالار بر پا شده بود و بر سقف این ابنیه نقش و نگارها قرار داده و بین آنان یکی از شاهان ششگانه جهان را نشان میداد که خلفای اموی آنها را شکست داده بودند.

و هم در آنجا صور دیگری است که شامل سازنده ها و نوازندگان و اشخاصی برهنه و عربان بوده و جمعی دیگر که پاره از کارهای بدنی و ورزش مبادرت نموده اند سپس مناظری از شکارگاه حیوانات بیابانی را نشان میدهد و در تالار الهی آن صورت امیری است که شاید این کاخ از برای او بنا شده - علاوه بر این فن کشیدن تمام این تصاویر و نقوش از جمله فنون و هنری است که تقریباً جزء فنون و هنر بیزانطی و رومی بوده و تا حدی بفن زمان ساسانیان تاثیر یافته و رنگ آن هنر را بخود گرفته.

برای ما نقوش و تصاویر کاخ کوچک عمراً تفاوت زیادی با مشاهدات و مناظر بعد از آن نسبت بنقوش دیگر ادوار اسلامی دارد چنانکه این تفاوت در آنچه که در استاد معروف زاره (سار) و (هرتسفلد) در سامرا (سرمن رای) بر آن آگاهی یافته اند بخوبی نمودار است و اثر مزبور در کاخی است که معتصم خلیفه عباسی در ۸۳۸ میلادی در شمال عراق بنا نموده و آنرا پایتخت و مرکز خلافت خود قرار داده و این محل را خلیفه برای فرار و گریز از صدمه و تراحم سپاهیان ترك خود اختیار نموده و بساکنین این مکان پناه آورده شهر جدید در دوره جانشینان معتصم وسعت و آبادی زیادی پیدا نموده تا اینکه معتصم خلیفه در ۲۷۰ هـ (۸۸۳ م) آنجا را وا گذاشته و دوباره مرکز خلافت خود را ببغداد انتقال داد.

گوش‌ها و حفاری آثار قدیمه و خرابه های سامرا باعث اکتشافات زیادی شده و هیئت آناری آلمانی که در رأس ایشان دواستاد دانشمند نامبرده بودند باینکار اقدام نموده و مسجد جامع متوکل را که پوشیده و مستور بوده بامناره آن که معروف بمایویه و نمونه ای از مناره مسجد طولون مصر میباشد معلوم داشته اند و نیز آثار خرابه های زیادی را کشف نموده اند که بر دیوار آنان نقش و نگارهای هندسی و نباتی است یا از اشکال کنده کاری است که در گچ بعمل آمده . (۱)

ولیکن چیزی که اکنون ما را بیشتر باندیشه زیاد و امیدار دواز جمله آناری است که علمای حفاری بر آن علم و اطلاع یافته اند آنها نقوش رنگینی است که از حیث موضوع و طرح بنقش و نگار قصر کوچک عمرا شباهت دارد چنانکه در بعضی از آن بدنهای برهنه و برخی زندهای رامشگر و شکارگاه و صور حیواناتی دیده میشود و با اینکه ما از مصادر و منابع تاریخی و از امضاها بیکه بدست آمده میشناسیم که هنروران فنی مسیحی در کار این نقوش هم دستی و شرکت نموده اند مع ذلک طرز کار و وضع صنعت آن جدا شده و پدید آمده از دوره ساسانی است حتی اینکه استاد هر تسفقد آنها را آخرین مثال و نمونه نقاشی در این فن می شمارد .

شاید نزدیکترین نقوش اسلامی بآثار نقش و نگار سامرا نقش و صوری باشد که دارالانار العربیه مصر در زمستان سال ۱۹۳۲ در جبهه ابی السعود در جنوب قاهره بدست آورده و بدان آگاهی یافته آثار مزبور مربوط بدوره و زمان دولت خلفای فاطمی میگردد و از صوری درست شده که بر دیوارها بوده و در صنعت نقاشی آن تاثیر فن نقاشی ایرانی نمودار و آشکار است و ما در برخی از آن مناظری را می بینیم که بکرشته از دانهای سفید بر زمینه سیاه قرار گرفته و در بعضی از آن صورت و چهره های کسانی دیده میشود که یکی از آنان جامی بدست راست خود دارد و طرز نقاشی آن همانطور

است که ما در بسیاری از نقش و نگار ظروف و اوانی سفالی دوره ساسانی دیدیم و در دیگری رسم و صورت دوبرنده برابر یکدیگر است که روی دوشاخه گیاه سرخ رنگی نشسته اند و در اطراف آن رشته های سیاهی است که آنها را لکه های سفیدی فرا گرفته و در دو عین نقش سرجوانی است که بطرف چپ نگاه میکنند در شکل سوم صورت بانویی است که ایچک سر خود را بطرف راست آویخته دارالانار العربیه مصر این اکتشاف خود را برای نخستین بار در نمایشگاه صنایع ایرانی در سرای تاجران پاشا در دو ماه ژانویه و فوریه ۱۹۳۵ نمایش داده . (۱)

اما درباره آرایش و تربین کتابها بصور کوچک این تنها میدانی است که ایرانیان کوی سبقت را در آن ربوده اند - ما میدانیم که صنعت کاغذ سازی را مردم سمرقند در نیمه قرن دوم (۸ میلادی) از چینیا فرا گرفته اند و بعد از آن طولی نکشید که این عمل از دردنیای اسلامی در اواخر قرن سیم هجری (۹ م) شیوع یافته و در تمام قلمرو کشور اسلامی معمول گردید .

شاید قدیمی ترین صور کوچک یا نقاشی خرده کاری مینیاتور سازی استادان اسلامی که بما رسیده آن باشد که در (فیوم) و (اشمه نین) بآن اطلاع یافته اند و اکنون صور مزبور در وین پایتخت اطروش بایگانی شده و بعنوان است و جزء المکتسبین (مجموعه) آرشیو دولتی روم میباشد ، تاریخ نسخه های خطی که دارای این تصاویر است مربوط به قرن سوم و چهارم هجری است و در صنعت تصاویر مذکور تأثیرات رومی (بیزانسی) و قبطی و حبشی و ساسانی مشاهده میشود . (۲)

نظن غالب این است که صنعت اینگونه نقاشی و ساختن صورتهای کوچک جهت آرایش کتب و نامه های خطی در ایران و عراق در قرن سوم بمعرض بروز و ظاهر رسیده و گمان ما بر این است که مسلمانان برای انجام این صنعت در آغاز کار استادان غیر مسلمان را استخدام نموده باشند تا اینکه دوره این عمل بزمان تنبع و اقتباس پیروی و تقلید منتهی گردیده .

۱- مراجعه شود به G. Wiet : Exposition d'Art Persan س ۷۵ و ۷۶ و تابلوی

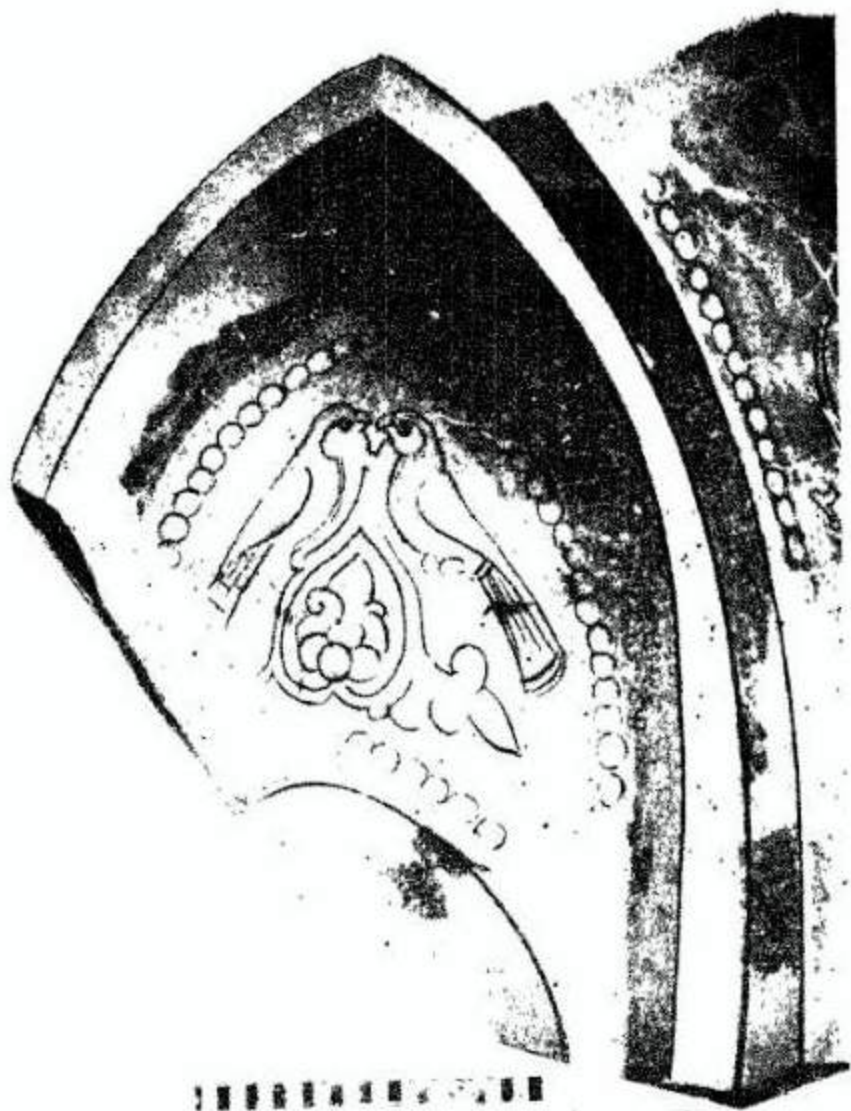
شکل ۱ و ۲ و آخر این کتاب

۲- مراجعه شود به Arnold & Grohmann : The Islamic Book س ۲ و

و مابعد آن و Mohamed Hassan : Les Tuluicides Zaky س ۳۱۳ - ۳۱۴



شکل اول تصویر دزد دیوار حمام قاهره و الاثار عربی



شکل ۲ تصویر دیوار حمام قاطبی قاهره، جنبه ایی السده و قرن ۱۰ هجری دارالانار عربی

مسلمانان توانسته اند که در عمل خود مهارست نمایند و صوری را که ایشان برای خود سرمشق و نمونه گرفته و از آن تقلید نموده اند، نقاشی های مانوی و مینیاتور های مسیحیان یعاقبه بوده و بسا هست که مسلمین از نقاشی نساطره (نسطوریها) نیز تقلید نموده و آژنر ایشان اخذ و اقتباس کرده اند. (۱)

باین وصف آنچه را که ما از مصادر تاریخی نسبت به وجود نسخه های خطی شناخته و بدان آگاهی یافته ایم فقط در میان آنان نقاشی های ریزه کاری و مینیاتور مربوط بدو قرن نه و ده میلادی است و بعد از آن قدیمی ترین چیزی که از ایران و عربستان و شام بنظر ما رسیده راجع بدو قرن دوازدهم و سیزدهم بوده و مجموعه ایست که مورخین فن اسلامی نام مدرسه عراق یا هنرستان بغداد را بآن داده اند.

۱ - مراجعه شود به: Kuhnel : Miniaturmalerei im islamischen Orient ص ۵۶ و ما بعد آن
 ص ۱۶ و ما بعد آن و Arnold : Painting in Islam ص ۵۶ و ما بعد آن

فصل دوم

هنرستان بغداد یا مدرسه عراق

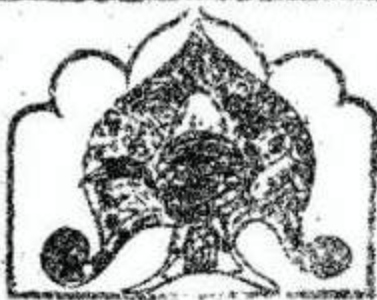
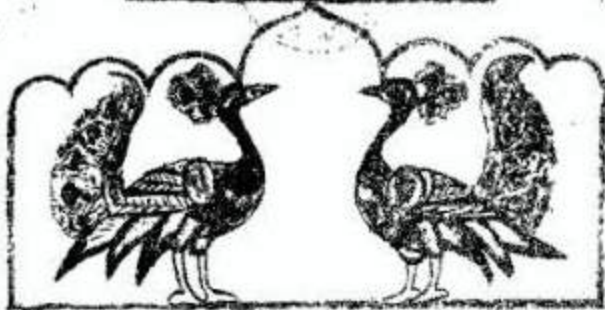
قرن هفتم هجری (۱۴ م)

مسلمانان از ایران و روم در زدن سکه ایکه بر آن نقش و صور ترسیم شده بود تقلید نمودند چگونگی این موضوع در کتاب الخطط مقریزی در قسمت سکه و نقود اسلامی مفصلاً مسطور است و هم در تعیین موضوع کتب ادبی و تاریخی و غیره از آنان پیروی کرده نقش و نگار بارچه ها و منسوجات و آرایشگری و تزئین ظروف شیشه و غیره از اناثیه و لوازم خانه را هم بتقلید ایشان ترتیب میدادند - گرمایه ها و حمام مهمترین خانه و ابنیه بود که مسلمانان در نقش و نگار دیوارهای آن توجهی زیاد مینمودند و طولی نکشید که فن نقاشی در اسلام از تصاویر اسباب خانه و نقش و نگار ابنیه و عمارات بنامه ها و کتب منتقل گردیده و کتابهای خطی را بکشیدن چهره ها و صور آرایش دادند و بدین روش تنوع فنی و هنر گوناگون و آموزشگاه و هنرستانها که ما ضمن این فصل بزودی در باره آن سخن میگوئیم بوجود آمد.

در اینجا شایسته و سزاوار است پیش از همه یادآوری کنیم که در نقاشی و صورت کشی ایرانی موضوعاتی زیاد مکرر گردیده و اساتید هنر يك طرح را مکرر ریخته و يك صورت را چندین جا کشیده اند علتش آن است اساتید و صورتگران که جهت آرایش و زینت دواوین شعرا و کتب افسانه و حکایات و تصویر بعضی کتب ادبی و تاریخی کار مینمودند خلف هر يك از آنان این موضوعات را بروش و اسلوب سلف در طرح ریزی و وضع نگارش تصویر اختیار و تقلید نموده و بکار برده اند .

قدیمی ترین کتب خطی اسلامی که تصاویری زیاد را داراست کتابهایی است که ترجمه شده و در طب و علوم و فنون میکانیکی تالیف گردیده و مشهورتر از همه آنها

شکل ۳- سامت طائوسی - هنرستان عراق قرن ۷ هجری از کتاب الجمل المیکائیکه جوی
موزه لودز



کتاب «الحیل الجامع بین العلم والعمل» جزری، پس از آن کتاب عجایب المخلوقات قزوینی است و بعضی از کتب ادبی دیده شده که در آنها رعایت بی اندازه و توجه زیادی در این خصوص بکار گرفته مخصوصاً در هر یک از دو کتاب «کلیله و دمنه» و «مقامات حریری» صورتهائی برای روشن شدن گزارش متن و شرح کشیده شده و نقاشی نموده اند. انجام این عمل بدست استادان مسیحی شرقی و مردان کلیسا یا بعضی از مسلمین بود که به اسلوب فنی ایشان زیاده متاثر بودند و این بعد از آن شد که مسلمین فنون و هنر خود را از ملل و مردمی گرفتند که کشور آنها بدست ایشان فتح شده بود.

اما ایرانیان بیشتر توجه ایشان به تصویر کتب تاریخی و شرح حال یا تراجمی بوده که در آنها نام شاهان و تصاویر ایشان برای همیشگی و دوام یادگار بماند پس از آن دواوین شعرا و حکایات ایشان است که بوستان سعدی و گلستان او مخصوصاً از آن جمله است. سپس دیوان حافظ و منظومات خمسه نظامی خواهد بود لیکن کتاب شاهنامه فردوسی در اینجا در بالاترین پایه قرار گرفته و اول مقام را احراز نموده زیرا که آن کتب در هر دوره از نقاشی و شاهکار اساتید ایرانی آرایش و زینت گردیده. ما در آخر فصل پیش اشاره نمودیم که اول هنرستان نقاشی و صورت کشی در اسلام مدرسه بغداد یا هنرستان عراق بوده و اساتید فنی صورتهائی کوچک را در نسخه های خطی کتب اسلامی که دوره آن پیوسته بروزگار خلافت خاندان بنی عباس است باین هنرستان نسبت میدهند.

هنرستان مزبور با وجود داشتن این نام هنرستان عربی خالص نبوده چنانکه ایرانی خالص بودن آن هم بعید نخواهد بود اگر چه کشور ایران یگانه سرزمینی بود که این هنر و فن در آن بروز و ظهور نموده سپس پیشرفت و ارتقا یافته و راه را برای هنرستانهای دیگر باز کرده و نقاشی در آنجا باوج عظمت و کمال رسیده باوجود این نمیتوان آنرا ایرانی خالص شمرد. جای تردید نیست که بیشتر کار کارکنان و هنرآموزان برای تأسیس بنیاد هنرستان بغداد از اهل معابد و پرستش گاههای شرقی از طوائف مختلفه بوده

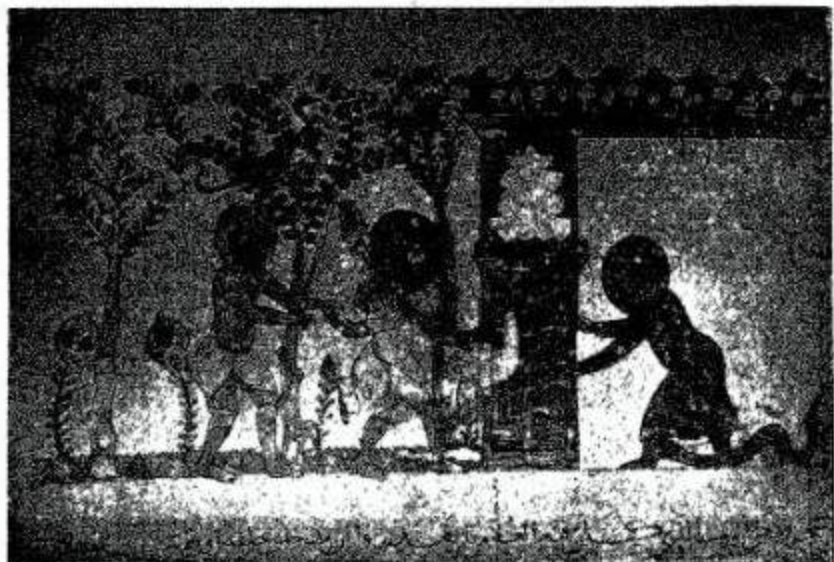
و این هنر را از آنها اخذ نموده اند چنانکه مابین ایشان هنروران و قبرمانان نهضت علمی جهت نقل و ترجمه کتب قدیمه بزبان عربی پیدا شده و نیز درین آنان بهترین هنرپیشه‌گان درجه اول وجود داشته که هر يك بهر با عمل معماری و هنرموزایمك و خاتم کاری و کاشی‌سازی و غیره را یاد داده‌اند.

با این ترتیب طولی نکشید که مسلمین از این پیشه و هنر بهره و نصیبی که ذکر آن بعد از این خواهد شد بهره‌ور گردیدند و اول کسی که این کار را نموده ایرانیان بودند که بیشتر استادان هنر در میان ایشان پیدا شده و همین کشور ایران بود که بعد از تهاجم مغول توانست مواهب و عطایای خدادادی فرزندان خود را نشو و نما داده و این هنر را بحد کمال برساند و بزرازه مردم شرق اقصی و آسیای مرکزی متأثر شده تا اینکه از فونی که ما آنرا نتیجه هنروری دو قرن نهم و دهم هجری (۵ و ۶ میلادی) میشناسیم بهره‌مند گردد.

چون موضوعات فنی و طرح نقاشی در هنرستان بغداد همواره بدون تغییراتی اساسی تکرار مییافت لذا آنچه که بدست ما رسیده و از جمله نقاشی قرون اولیه اسلامی شمرده میشود با ملاحظه قدمتی که در آن می‌رود و شامل نسخ خطی قدیمه خواهد شد با وجود این مربوط بماقبل نیمه قرن ششم هجری نگردیده و راجع ببعدها از آن خواهد بود.

از جمله چیزی که رعایت آن لازم است این است که نقاشی‌های کتب خطی هنرستان بغداد همیشه جزئی از متن کتاب بوده و از این عمل شروع و بیان موضوع متن کتاب را منظور مینمودند از این جهت میدان جلوه و نمایش این مواهب فنی در این هنرستان عربی بزرگتر و پهناتر از عرصه و فضای میدان فارسی آن است.

اشخاصی که در این تصاویر بچهره و سیمای نژاد سامی نشان داده میشوند کشیده بینی بوده و صورت ایشان از ریشی سیاه پوشیده شده و در چهره و رخسار آنها علامت و آثار نشاط و هوش و دقت تعبیر موجود بوده و در صورت مذکور ظرافت و زیبایی و نازک کاریهایی که ما در هنر ایرانی میشناسیم مشاهده میشود.



شکل ۵- از ترجمه کتاب چالینوس کتابخانه ملی وین (قرن ۷ هجری) مرد مار گریه که استغاثه میکنند



شکل ۶ جوانی که ماراودا گریه و پرشک برای مصالحه اومیايد



شکل ۶ و ۷ - میدان جنگ ارومغان دربري - هنرستان عراق سال ۱۳۱۴ هجری قمری - شهر کتابخانه ملی پاریس - مارتن

شاید از زیباترین تصاویری که در هنرستان بغداد صورت گرفته و کشیده اند تصاویری باشد که ما آنانرا در نسخه مقامات حریری عیینیم و بیشتر این صور دلالت بر توانایی و قدرت اساتید آنها داشته ، مهارت و زبردستی ایشانرا در کشیدن تصاویر جمعی و حرکات مختلفه آنان بخوبی میرساند و معلوم میدارد که آنها دقتی بی اندازه در کشیدن صور حیوانات و غیره داشته و اوقاتی زیاد برای انجام آن مصروف نموده اند. (۱)

گذشته از این گاهی شباهت مابین بعضی از تصاویر این هنرستان و بین صوریکه بدست مسیحیان کنیسه و پرستش گاههای شرقی کشیده شده بدرجه میرسد که ما بعداً نمیشماریم، این نقوش و صور اسلامی جزء کار خود مسیحیان باشد مخصوصاً نسبت به پنج قرن که از آغاز ظهور اسلام تا تاریخ پیدایش این هنرستانی که ما در صدد وصف آنیم میگذرد چنین شباهت پدیدار است چنانکه تاجهای نور و دوائری که اطراف سراسر اشخاص را احاطه نموده و از کشیدگی بینی بخطی واضح از رنگ و دروس معمولی ساده که زینت اشجار و پوشش زربفت اشخاص و آرایش گلهای و شکوفه در آن انجام گرفته و شاخه های درختان و ملائکه و فرشتگانی که دارای بالهای گشوده میباشدند ما تمام این دقیق و نکات را با وجهی مشترک بین تصاویر مسیحیان معابد شرقی و بین صوری مشاهده مینماییم که هنر پیشه گان هنرستان بغداد آنها را طراحی نموده و کشیده اند (۲) و شاید که این شباهت و ارتباط مربوط بتأثیر دوفن رومی و اسلامی بقرن دوره ساسانی شود چنانکه ظهور آن بخوبی در صنعت نسجی و پارچه بافی های آن زمان مشاهده میشود.

مشهورتر از تمامی نقاشان و کارکنان این هنرستان «عبدالله بن فضل» بوده که در ۶۱۹ هـ (۱۲۲۲ م) کتاب مینوشته و آثار نقاشی مینموده و نسخه خطی از کتاب خواص عقاقیر (گیاهها) از اثر اوست که از آن صوری چند در کلکسین (مجموعه) دکتر سار (Sarre) در برلن و دکتر مارتین (Martin) در استوکولم وجود دارد (۳)

تأثیر فن بیزنطی (رومی) در صور اشخاص این تصاویر بلباسهای گشاد و آرایش

۱ - مراجعه بنمایوی ۶ و ۷

۲ - مراجعه به نمایوی ۸۰۷ از Arnold: Painting in Islam پس دو صفحه ۶۴ و ۶۵

۳ - مراجعه شود به Migeon: Manuel d' Art Musulman ص ۱۲۶

گلدوبوته نباتی آن بدیدار است که این صور بفروع نباتی و شاخه ها پوشیده شده و اوراق کهنه و غبار آلود این کتب خطی هم اکنون در موزه های دنیا و کلکسیونهای فنی اروپا و امریکا موجود است چنانکه از آنها یکی در موزه متروپولیتان نیویورک وجود دارد و در آن صورت طبیعی را کشیده که دوا برای رفع سرفه بیماری تهیه نموده و در تصاویر مزبور رنگهای ششگانه سبز-کبود-سرخ-زرد و غیره بکاررفته و تاو لاوجین لباس در آن مرتب و دور از طبیعت است بطوریکه این کیفیت در حدود خود نوعی از موضوع آرایش و زینت گردیده (۱) و از این نسخه خطی صورت دیگری است که در موزه (لوور) موجود است و در آن نیز طبیعی را نشان میدهد که تهیه دوا مینماید . یحیی بن محمود بن یحیی بن حسن واسطی در سال ۳۳۴ هجری (۱۱۲۷ م) نسخه ای از مقامات حریری را نگاشته که در آن زیاده از صد تصویر کشیده شده (۲) و در آن نواداری زید سروجی و حبل بدیع او را نشان داده و مثل میزند و این نسخه هم اکنون در کتابخانه ملی پاریس است که آنرا شیفر (Schefer) مستشرق بکتابخانه مزبور تقدیم و اهدا نموده و تمام این صور اسناد و مدارک قسمتی از زندگانی و نظام اجتماعی این دوره و عصر است (۳)

مابین آنان دو صورت کشیده شده که موکب عروس را در هودج و محملی بشتر بسته و سوارها آنها را مشایعت و پیروی مینمایند و آنان پرچمهایی بدست گرفته و طبل زده و آلات موسیقی و ساز مینوازند (۴) و نیز مابین بسیاری از این صور و تصاویری که موزه ملی مصر در دیوار یکی از گرابه های دوره خلفای فاطمی کشف نموده شباهت و قرابتی زیاد است و این شباهت و بهم نزدیکی آنان غرابتی نخواهد داشت زیرا که سقوط و انقراض سلطنت فاطمیین در ۵۶۷ هـ (۱۱۷۱ م) اعلام انتقال بسیاری از اساتید هنر و فن مصر را ببلاد جزیره (عربستان) نموده و آن وقتی بود که بغداد مرکز بزرگی برای

۱-مراجعه شود به Dimond: A Handbook of Mohammedan Decorative Arts ص ۱۹

۲- مراجعه شود به Stchoukine : Les Miniatures Persanes ص ۲۰

۳ مراجعه شود بپایلهای ۹ و ۱۰ و ۱۱ و ۱۲ از Blanchet: Les enluminures des manuscrits

۴- مراجعه شود بالواح شکل ۴ و ۶-۷



شکریه - میرزا علی بر تخت - تاجداران گمان - میرزا علی عراق سال ۷۳۵ هجری اول - تاجداران گمان
 و میرزا علی بر تخت - تاجداران گمان - میرزا علی عراق سال ۷۳۵ هجری اول - تاجداران گمان

هنر و کتابت گردیده بود و در آنجا نسخه‌های دیگری از مقامات حریری است که تاریخ آن از سال ۷۲۳ هجری (۱۳۱۳ م) است و آنرا برای عامل خراج دمشق نوشته‌اند و بعضی از صور اشخاص در این نسخه ناتمام و رنگ آمیزی آنان هم بتامی انجام نگرفته و از جمله تصاویری است که برای ماطریقه ایرا نشان می‌دهد که اساتید فنی در طرح ریزی و تحدید و اندازه گیری سور آن قبل از عمل رنگ کاری پیروی مینمودند.

در کتابخانه وین نسخه خطی دیگری از مقامات حریری وجود دارد که جدیدتر از نسخه قبلی است و بر آن اهضای (ابوالفضل بن اسحق) دیده میشود تاریخ انجام نگارش آن سال ۷۲۳ ه (۱۳۴۴ م) میباشد و صنعتی در آن شروع شده که سادگی اولیه را از آن برکنار نموده و آندو طریقه تعقید را سیر نموده و میباید و از بدیعترین صور این کتاب خطی دو صورت است: اول آن صورتی است که تصویر امیری را بروی تخت کشیده و در دست او جامی برسم شاهان ساسانی دیده میشود و در اطراف او رجال حواشی و اطرافیان گرد آمده و دو فرشته او را با بالهای طلایی پاسبانی میکنند و در جلو تخت امیر دسته از سازنده ها و پهلوانان اند که امیر را بشوق و طرب و نشاط و شغف می‌آورند، صورت دوم شخصی را نشان می‌دهد که بدیدن دوست خود آمده و کسالت مزاج او را بستر انداخته و لباس و پوشش دیدار کنندگان و اهل خانه و تخت خواب مریض و بفرع نباتی و شاخه ها و گلو بوته و خطوط هندسی آرایش (۱) یافته و در این نسخه مخطوط نمونه ای از هنر و فنون نقاشی آسیای مرکزی تاثیر نموده دانشمندان هنر شناس چنین می‌اندیشند برخی از این تصاویر که نسبت آنرا به نرستان بغداد میدهند در افغانستان کشیده شده و در تحت توجه و عنایت دولت غزنوی بوده که فردوسی شاهنامه خود را برای آن دولت بنظم در آورده و این تصاویر در آنجا نقاشی شده و در غرفه ای که صور و نقوش آنرا زینت مینمود بعمل آمده ولیکن حقیقت امر آنستکه در این مورد دلیلی مثبت دیده نمیشود که آن زمان در افغانستان یا بخارا یا خیوه وری صورتی که باطرز زوروش فنی که به نرستان بغداد نسبت میدهند ساخته شده باشد زیرا که اثر فن ایرانی در آن موقع در قسمت شرقی دولت شاهنشاهی ایران رواج بوده و هم در وسط و مرکز این کشور این فن را معمول میداشتند علاوه بر این ظروف سفالی که بمدرسه ری نسبت میدهند

دارای نقوشی است که در طرز ساختمان و وضع رنگ آمیزی شباهتی زیاده را دارا میباشد بطوریکه در این فصل بیان شد صوری در مجموعه (آلبوم) کتابخانه اسلامبول موجود است که آنرا استاد ساکسیان در کتاب خود از نقاشی ایرانی نشر داده و تاریخ آنرا به نیمه دوم از قرن ششم هجری (نصف ۲ از قرن ۴) مراجعه داده و مدعی است که نقاشی نامبرده از جمله صنایع فنی این هنرستان است که در مشرق ایران ظهور یافته (۱) ولیکن این ادعا با عقیده و رأی بسیاری از مورخین فنی اسلامی مخالف است و در حقیقت ممکن نیست که این تصاویر را بدوره قبل از عصر مغول مراجعه داد (۲)

اثر فنی هنرستان بغداد در قیامه اجزاء کشور پهنور امپراطوری اسلامی مانند سوریه و مصر هم امتداد یافته و در آنجا و راقی از نسخه کتاب الحیل المیکائیکه جزری است که آنرا در سال ۷۵۵ هـ (۱۳۵۴ م) محمد بن محمد بن احمد بن ناصر الدین محمد نوشته که در خدمت ملک صالح صلاح الدین از همایک ممتاز شایسته و مشهور مصر بوده و تمامی آن هابین موزنها و کلکسیون آناری اروپا و امریکا توزیع شده و در موزه لوور پاریس هم یکی از آنان موجود است که ساعت آبی را نشان میدهد و صورت ساعت را بشکل نیم دایره کشیده و آنرا روی دستگاهی جا داده که در آن جامها و طلوس ها دیده میشود (۳)

خلاصه آنکه تمام مشخصات هنرستان بغداد در تصویر اشیاء روی اسلوبی قرار گرفته که ساده و بدون تحمیل یا تکلیف است و بیشتر چیزی که تأثیر فنی مسیحی شرق را در صنعت و کار آنان نشان میدهد در طریقه تصویر اتخاس است که آنرا درباره صورت کشی کشیها و روحانین و فلاسفه یونان استعمال مینمودند و هم در آنچه که راجع بتمثال اشخاص و چین و تایل لباس ملی آنها است این اسلوب بکار گرفته لیکن تأثیر ایرانی در طرز آرایش آن آشکار بوده و در مورد نسبت بین اجزاء مختلفه بدن در تصویر اشخاص هم معلوم است.

۱- مراجعه شود به A. Sakisian : La Miniature Persane ص ۴ و ما بعد آن و

تابلوی ۹ شکل ۱۳

۲ - مراجعه شود به B. Gray : Persian : Painting ص ۳۶

۳ - مراجعه به تابلوی ۲ و شکل ۳ و مطابق با Stchoukine: Les Miniatures Persanes ص ۳۰ تا ۳۲

فصل سوم

هنرستان ایرانی و تاتار (مغول)

در فصل گذشته ما از هنرستان بغداد سخن رانده و گفتیم که آن هنرستانی عربی و ایرانی بوده که از نقاشی مسیحیان شرق و فن دوره ساسانی متأثر شده بود هم اکنون در اینجا از هنرستان ایرانی و تاتار شرح میدهم که هنرستان مزبور بهترین هنرستانهای سه گانه بوده و این سه دوره برجسته در تاریخ ایران از قرن هفتم تا ۱۲هـ (۱۳ م-۱۸ م) امتیاز یافته و آن دوره مغول و عصر تیمور و جانشینان او و زمان خاندان صفویه است. ما میدانیم که در اوایل قرن ۱۳ میلادی مغول بایران و بلاد جزیره تاخت و تاز آورده و جنگهای طولانی زیاد نموده و فتوحات دور و دراز و بسیار خود را باستانیای بغداد منتهی گردانید ۶۵۶ هجری (۱۲۵۸ م)

مغولها آسایشگاه خانواده خود را زمستان در بغداد و تابستان در تبریز قرار داده و در عراق عجم شهری بنام «سلطانیه» در حدود آب بخش کن بین دوشهر زنجان و اهر بنانپادند و این سه شهر عمده مراکز فن و کانون هنر نقاشی در دوره مغول بوده. از مشخصات مهمه انواع فنون در این زمان اثر واضحی از تعلیمات خاور دور و تقلیدانی است که از نوع تار و هنر مردم آن حدود شده را این نکته پوشیده نیست که از آغاز قرن اول هجری (۷ میلادی) روابط تجارته بین کشور بهنادر چین و امپراطوری اسلامی وجود یافته و از فنون ظریفه و صنایع بدیعه چینی در کشور وسیع اسلامی پیروی و تقلید زیادی بعمل آمده بطوریکه آنها به مارت چینیها و برتری ایشان در پیشه و هنر مثلها میزدند.

در اینجا تعجبی نیست که بگوئیم جنگ مغولها برای تشکیل حکومت امپراطوری باعث ازدیاد عناصر و اجزاء هنر چینی در نقاشی فارسی و ایرانی شده و روابط محکمی

هم از قدیمترین اوقات بین کشور پهناور پسر آسمان (چین) و مابین میهن مغول در ترکستان وجود داشته و موقعیکه این مردم کشور ایران را در قرن هفتم هجری (۱۳ میلادی) گرفتند هموطنان ایشانهم زمام امور و مقالید حکومت چین را بدست آورده ایران هم جزئی از دولت با عظمت امپراطوری مغول گردید و قلمرو دولت مغول ها تا آخرین نقطه آسیا امتداد یافت.

باوجود این عوامل روابط سیاسی مغول چندان قوی نبوده و طولی نکشید که دولت ایشان رو بزوالم نهاد و موجبات انقراض آن فراهم گردید ولی اثر تجارت و دادوستد و روابط ادبی ایشان بیشتر دوام یافته مغولها، در کشور جدید خود مترجمین و کارگران و اهل هنر و صنعت و اساتید فنی و حرفت از مردم چین آورده و اثر هنر و پیشه خاور دور در این کشور مباشرت یافته و رواج پیدا نمود.

اثر فنی چین درباره نقاشی و صورتگری ایرانی نه تنها منحصر بچیزهایی است که ایرانیان از صنایع و فنون چینی بقرض و عاریت گرفته اند بلکه علاوه بر این باعث شناسایی آنها بچیزهایی شده که بعدها بواسطه آن توانستند در این هنر ترقی و پیشرفت نمایند در واقع مینیاتورهای ایرانی (صورتکشی های ریز و کوچک یا ظریف کاری) بعد از سقوط بغداد ۶۵۶ هجری (۱۲۵۸ م) مابین ایرانیان ریشه دوانیده چنانکه پیش از این تاریخ هم این عمل بین آنها وجود داشته علاوه بر این صورتیکه بهنرستان ایرانی و تاتار نسبت داده شده چندان زیاد نیست زیرا که زمان مغول (۶۵۶-۷۳۵) (۱۲۵۸-۱۳۳۵) تمامی بر ازبک سلسله حوادث جنگ و جهانگیری بوده، نهایت آنکه در اوایل قرن هشتم هجری (۱۴ م) کتب خطی تاریخی را با تصاویر و نقشه میدان جنگ و مجالس بزم و شراب و مناظر صید و شکار آرایش مینمودند.

از جمله چیزهایی که نباید فراموش نمود آنست که فتوحات مغول بهنرستان بغداد خاتمه نداده و این هنرستان بعد از آنهم باقی بود باین دلیل که ما از صنایع فنی این هنرستان که آمیخته و ممزوج با بعضی از تقلیدهای چینی و نقاشی ایرانی است در آن زمان از آنها کسب و تقلید نموده و این دو صنعت پهلو بپهلوی یکدیگر ظاهر و آشکار

میشود، گاهی تنها در يك نسخه خطی تصاویری وجود دارد که طرز صنعت آن قسمتی بغدادی و قسمتی دیگر ایرانی تاتاری است.

در کتابخانه (مرگان) نیویورک نسخه خطی از کتاب (منافع الحيوان) ابن بختیشوع وجود دارد که بفارسی ترجمه شده و دارای ۹۴ صورت است و این نسخه باهر و دستور امیر مغول (غازان خان) (۶۹۵-۷۰۴-۱۲۹۵-۱۳۰۴) صورت عمل بخود گرفته و بین سالهای (۶۹۵-۷۰۰-۱۲۹۵-۱۳۰۰م) انجام یافته بعضی از تصاویر آن با نمونه های چینی نقل شده و یا برقم هنروران و اساتید چینی است و بیشتر چیزی که این صنعت را نشان داده و آشکار میکند تصاویر حیوانات و شکوفه ها و نباتات آن است. (۱)

مسلمانان از خاور دور تقلید طبیعت و طرز دقت را فرا گرفته و در ترسیم اشیاء بطوری که با اصل طبیعت موافقت داشته عمل میکردند و صور نباتاتی را که آنها ترسیم مینمودند و بفن چینی تاز یافته یکنوع تقلیدی شده که تمیز و تشخیص آن خیلی مشکل است بلکه مابین این صور و بین طبیعت نزدیکی زیادی بوجود آمده و درختان را بطوری جلوه داده اند که گویا با یاد مداعبه و شوخی مینمایند. (۲)

علاوه بر این صنعت نقاشی در دوره مغول بطور کلی بهمان عنایت و توجهی که در دربار خلفای بنی عباس پیدا نموده بود برخورد کرده و با آنچه که بعدها هم در دوره تیموریان و دربار صفویه بآن تلاقی یافته در این عصر نیز بآنها برخورد نمود و مقصود ما در اینجا روگردانیدن از این صنعت یا هممل گذاردن آن نیست بلکه در صنعت مذکور آثار عجله و شتابزدگی یا سرهم بندی را می بینیم که این صنعت در بیشتر از تصاویر ایرانی تاتاری وجود دارد و علتش این بوده جنگهای زیادی که این دوره بآنها امتیاز پیدا نموده برای اهرائز رگان وقت و رجال دوات مجال نمیکداشت

۱ - مراجعه شود به Dimand: A Hand Book ص ۲۰ و ۲۱

۲ - مراجعه کنید که در آنها اشاره های زیادی ب تاثیر خاور دور در فنون اسلامی شده و استاد گاستون ویت G. wiet در ترجمه آنکه از کتاب البلدان یعقوبی نموده اشاره بصریحی کرده که استاد پللیوت P. Pelliot نشر داده و نیز چیزی را که دولت دارد بر اینکه مولای چینی که پیش از سال ۷۶۲ میلادی زندگانی مینموده گوید که صنعت های نساجی و نقاشی و صورت کشی و اشیاء طلا و نقره کاری را صنعت گران چینی بمسلیمانان در شهر کوفه یاد داده اند. و مطابق با P. Pelliot: Artisans chinois, T'oung Pao, XXVI, p. 110-111.

که اندیشه خود را مصروف کارهای دقیق و ریزه کاریها بنمایند و با خیال خود را بجزئیات هر کاری متوجه کنند که وقت زیادی بگیرد و کاری بدقت انجام پذیرد.

بنا براین از تصاویر هنرستان ایرانی تا تاریخ چیزی که مورخین فنی اسلامی را بیشتر متوجه نموده و بشکفت میآورد همان طرز اسلوب و روش و استحکام قلم و غرابت اشکال آن است و اعجاب اینها بیشتر در دقت صنعت یا توجهی است که درباره کشیدن تصاویر بکار رفته.

وزیر کبیر و مورخ مشهور «رشیدالدین» (۶۴۵-۷۱۸-۱۲۴۷-۱۳۱۸) در تبریز بنگاه دانشی و هنری ساخته و ترتیب داد که آنرا بنام خود نامیده و در آنجا بسیاری از خوشنویسها و نقاشان و اساتید پیشه و هنر را برای تدوین «مؤلفات تاریخی و طبیعی خود و نقاشی تصویر آن مؤلفات استخدام نمود.

مهمترین چیزی که از تصاویر به ما رسیده و جزع نقاشی منسوب به هنرستان ایرانی و تاتار است. صورتهای نسخه خطی کتاب «جامع التواریخ» و «رشیدالدین» است (۱) که تاریخ آن مربوط به سال ۷۱۴ هجری (۱۳۱۴) میشود و جزئی از آن اکنون در کتابخانه انجمن آسیائی دولتی لندن بایگانی شده و جزء دیگرش در کتابخانه دانشگاه «ادنبرا» میباشد و تصاویر این نسخه مانند صوری است که ما در سایر نسخه های خطی جامع التواریخ رشیدالدین می بینیم که تمثالها و صور حوادث و اتفاقات اجداد و زندگانی بونا و سیرت نبوی (ص) و تاریخ چین و امپراطوری اسلامی را نشان میدهد و ظاهراً چیزی که اسباب تمیز و تشخیص این صور است اثر روشن چینی آن است که در ترسیم مناظر طبیعی دیده میشود و شکل و قیافه مغولی است که در رسم بیشتر اشخاص نمودار است و این نسخه اهمیتی زیاد دارد زیرا که ما در بسیاری از تصاویر آن عوامل اجنبی و نمونه های صنعتی بیگانگان را مشاهده میکنیم که فن ایرانی آنرا از خاور دور گرفته و از آنهایی است که بعدها هم آنرا حفظ نموده (۲) و اثر آن

۱- مراجعه شود «Introduction à l'Histoire des Mongols des Fadh Allah»
 Rashid T. Arnold : Painting in Islam و Ed-Din par E. Blochet
 ۲- مراجعه شود «Persian Miniature Painting» Binyon, Wilkinson & Gray
 ص ۳۴ و ۴۴ و ۴۶ و تابلوهای از ۱۸ تا ۲۳

مابین آثار فنی و هنر ایرانی نمودار است (۱)

یکی از صور این نسخه خطی تصویر مبارك حضرت علی بن ابیطالب علیه السلام و صورت حضرت حمزه عموی پیغمبر ص است که سواره برای جهاد با مشرکین و کفار میروند و بیشتر پیشروی و تقلید از فن هنرستان بغداد در این صور غلبه یافته چنانکه قیافه و سیمای اشخاص آن عربی و اسپهای ایشان لاغر کشیده شده و با اسبهای مغول و سواران آن تفاوتی زیاد دارد. (۱)

در واقع صفحات صور مزبوره بمنزله میدانی است که در آن تقلید خاور دور و هنرستان بغداد و فنون و هنر دیگری که در آنها مؤثر گردیده جمع آوری شده. در کتابخانه ملی پاریس نسخه خطی دیگری از جامع التواریخ رشیدی موجود است که بیشتر گمان می رود کتاب مزبور را در تبریز بین سالیان (۷۱۰-۷۱۵) (۱۳۱۰-۱۳۱۵) نوشته و نقاشی نموده اند و مابین تصاویر آن صورتی است که تصویر جمعی مغولها را در آن کشیده و در رأس ایشان هلاکو قرار گرفته که بغداد را محاصره میکند و در دیگری صورت مستصم آخرین خلفای عباسی کشیده شده است که از شط دجله عبور مینماید تا اینکه هلاکو را بعد از سقوط بغداد ملاقات نماید (۶۵۶) سومین صورت چنگیز خان است که بین زنان خود و رجال درباری قرار گرفته و جاو او دوبرش هستند که خم شده و مراسم تعظیم و احترامات لازمه را بجا میآورند.

در تمامی تصویر این کتاب خطی اثر نقاشی چینی که حاکی از آثار طبیعت است آشکارا و نمودار است و در رسم حیوانات موهوم و خیالی و افسانه های چینی و چهره و قیافه که ایرانیان از چین بشکل تقلیدی و صنعتی آن نقل نموده اند بدون اینکه خود را در مشاهده قیافه و هیئت و طرز کشیدن صورت و رسم منظره حقیقی آن بزحمت و مشقت انداخته باشند (۲)

از جمله چیزی که در صنایع کتب خطی بکتاب جامع التواریخ رشیدالدین شبیه است نسخه شاهنامه ایست که زمان آن راجع به نیمه اول قرن هفتم هجری (۱۴ م)

۱ - مراجعه به Kunhel Miniatur Malerei تا بلوی ۲۴ از

۲ - Migeon : Manuel ج ۱ ص ۱۳۲ و ملاحظه تا بلوی ۸ دو شکل ۱۲ و ۱۱

میشود پیش از این نسخه نامبرده رامسیدیموت (Mr. Demotte) مالک بوده و پس از آن برگهای این کتاب از هم پاشیده و پراکنده شده و از آن اوراق هم اکنون در موزه لوور و کلکسیون های آناری اروپا و آمریکا موجود است تصاویر این شاهنامه بهجمله بزرگ در صفحاتی بلند کشیده شده و شاید قدیمی ترین اثری باشد که از تصویر کشی و نقاشی این کتاب شناخته میشود و از جمله مشخصات آن وجود عوامل فارسی و چینی و مغولی است که در کتاب مذکور هر کدام بهلو، بیهلوی یکدیگر قرار گرفته.

در موزه لوور پاریس سه قطعه از این صورتها است که اولی تصویر سپاه و نیروی ایرانیان را نشان میدهد که شاه کابل را رانده و شکست داده اند و شاه در رأس قشون شکست خورده خود قرار گرفته و سردار سپاه ایران فرامرز پسر رستم است که خودی از طلا پسر نهاده و در دست او حربه ایست که آنرا بیابا برده و میخواهد پسر شاه کابل بزند که در جلو بحالت فرار است (۱). در تصویر دوم صورت اسکندر کشیده شده که روی تخت نشسته و رجال درباری اطراف او را گرفته و بدوره سر وی دایره از نور یا هاله احاطه نموده و این طرز تصویر به پاکدامنی و جلالت و تقدیس مقام و مرتبت او دلالت دارد چنانکه تاجهای نور در اطراف سر کشیشها و قدیسین و پیشوایان مذهبی در امور صورت کشی و نقاشی مسیحی (۲) هم دلیل این نکته است و اینگونه تاجها در فن نقاشی اسلامی برای ابراز اهمیت اشخاص و عظمت مقام ایشان بوده و فقط برای اظهار این مقصود بکار میرود (۳).

تصویر سوم نماینده صورت اسکندر است که در جلو درختی ایستاده و پسا پرندگان حرف میزند و در پشت سر وی جلودار اوست که لگام اسب و استر را بدست گرفته (۴).

ما در این تصاویر نمونه هایی را هی بینیم که ایرانیان از چین در هر صورت کشی و نقاشی اخذ و اقتباس نموده اند و طرز لباس اشخاص خود های مغولی که در سر دارند بخوبی در آنها مشاهده میشود.

۱ - تابلوی ۷ شکل ۱۰

۲ - تابلوی ۶ شکل ۹

۳ - مراجعه شود به Kuhnel : Islamische Kleinkunst ص ۴

۴ - مراجعه شود به Stchoukine : Les Miniatures Persanes



شکل ۹- اسکندر بر تخت ، هرستان ایرانی و تاتار، اوایل قرن هشتم هجری نسخه از شاهنامه اوور



شکل ۱۰ جنگ فرامرز پادشاه کابل - هنرستان ایران و تاتار اوایل قرن ۸ هجری شاهنامه لور



شکل ۱۲ او: شاهان با فرمان خود اوایل قرن ۸ هجری
عظمی تاریخ و شیدالدین - کتابخانه ملی پارس - ساکسیان



شکل ۱۱ غزلستان پادشاهان اوایل قرن ۸ هجری



شکل ۱۳ - از کتله و دمنه . در پناه سگی است که طعمه خود را از دست داده تا آنرا
از صورت خود که در آب است بگیرد - در زیر شری است که گاو را می دواند
در کتابخانه پلنوز استانبول قرن هشتم هجری از ساکسبان

در کتابخانه ملی پاریس نسخه خطی از تاریخ مغول علاء الدین جوینی موجود است که در سال ۶۸۹ (۱۲۹۰) نوشته شده و بر آن فقط يك صفحه تصویر کشیده که مولف نسخه از کتاب خود را به «ارغون خان مغول» تقدیم مینماید (۱) و نیز در آن کتابخانه نسخه های خطی چندی از تاریخ طبری و نسخه از کتاب شاهنامه است که استاد شولتز (Schultz) دارای آن بوده و در تمامی صوری است که صنعت آنان با بسیاری از آنچه که ما در این فصل از آن سخن میرانیم تفاوتی ندارد خلاصه کلام آنکه مغول علی رغم چیز های که از خرابی و تدمیر و عادت و کشتار و ویرانی و ادبار داشته و رهین آن شده و بآن اوصاف معروف گردیده اند بدین وصف نیز آنها خود را معرفی نموده اند که چگونه از ارباب هنر و صنعتگران قهرمانی کرده و به پیشه و هنر ایشان اهمیت میدادند و غرابتی ندارد که ما در مصادر تاریخی میخوانیم چگونه آنها شهرها را خراب نموده و از میان مردم آن جز اساتید فنی و ارباب پیشه و هنر کسی را باقی نمیگذاشتند هنر پیشه گانی که فنون اسلامی بوجود ایشان مفتخر شده و تأثیری عجیب پیدا نموده مخصوصاً نمونه کارهای ایشان از نقاشی و پیشه ظروف سفالی و کاشی کاری است که هنوز در سلطان آباد (سلطانیه) موجود است جزو مفاخر آن عصر میباشد.

علاوه بر این مصادر و مراجعات تاریخی بما خبر میدهد اول چیزی که ایرانیان از کار هنر پیشه گان کشور چین شناخته و بدان پی برده اند در دوره سامانیان بوده و آن موقعی است که «امیر نصر بن احمد» رودکی شاعر مشهور ایرانی را امر فرمود که کتاب کليلة و دمنه با ترجمه فارسی بنظم در آورد سپس نقاشانی را از چین خواست تا کتاب نامبرده را بر رسوم و نقش و نگارهای توضیحی برای آشکار نمودن مطالب متن کتاب آرایش دهند ولی این يك عملی منحصر بفرد بوده و تأثیر فنون نقاشی و آرایش گری خاور دور بطور واضح و آشکار در فنون ایرانی و صورت کشی آن جز در دوره سلطنت مغول جلوه و ظهور ننموده (۲)

۱ - مراجعه شود به Blocher : Les écoles de peinture en Perse در شماره ژوئیه و اوت ۱۹۰۵ Revue archéologique ص ۱۲۵ - Migeon : Manuel ج ۱ ص ۱۳۹
۲ - مراجعه شود به Arnold : Painting in Islam ص ۶۵ - ۶۶

فصل چهارم

عصر تیمور و جانشینان او

دیرره تیمور و جانشینانش از برجسته ترین ادوار عصر نقاشی ایران است و آمدن این فاتح ترکستانی و گرفتن او سمرقند را جهت پایتخت خود از سال (۷۷۲- ۱۳۷۰ م) آغاز آرامش نسبی ایران است که بعدها این امر باعث پیشرفت و ترقی کشور شده و دوره پسر و جانشین او «شاهرخ» بآن شناخته میشود و این آرامش و سکون را مدت زمانی بود که کشور ایران بخود ندیده بود.

تیمور با وجود بیرحمی و سنگدلی که داشت معذک دوستدار هنر و ادب بوده و عشق زیادی بخواندن اشعار حافظ و نظامی داشت، او با جانشینانش از بزرگترین مشوق اساتید فنی و هنرپیشه گان و حکما و ادبا بشمار رفته اند.

دوره های گذشته نیز برای این زمان زمینه را حاضر و مهیا نموده بود در حقیقت آنها یکنوع مقدمه ای بوده که در آن مراحل اقباس و انتخاب و تاثیر زیادی در هنر و فنون بعمل آمده و برای دوره تیمور و جانشینان او مقدور شد که تا پایه وحدی اعلی طراز و روش ایرانی با دوام و استواری را بوجود آورند و آنچه را که ایران از هنر و صنعت خاور دور کسب نموده بوده بی نیاز شده و اندوخته های پیشین جزء اصلی و اساسی این فن قرار گیرد.

در مصادر تاریخی نگاشته شده که تیمور لنگ خواست در سمرقند پایتخت کشور پهناور خود بقدر امکان از اساتید و صنعتگران زبردست و توانا جمع آوری نموده و از وجود آنها استفاده نماید لذا در آنجا صدها نقاش و صورتگر و هنرپیشه ها از بغداد و تبریز و دیگر جاها از شهرستانهای متصرفی خود گرد آورده و با این وصف بغداد و تبریز کانون هنر و فنون و مرکز اجتماع اساتید فنی و اهل هنر گردید و

صنعت نقاشی و صورت کشی و فنون مربوطه بآن در ایندو جا رواجی تمام نگرفته و پیشرفت زیاد نمود.

اگرچه تاریخ برای ما نام نقاشی معروف و شبیر بغدادی «عبدالعلی» را ضبط نموده که در دربار سمرقند بوده ولی ظن غالب بر آن است که سمرقند در دوره تیمور بموقعیت و مقام بزرگی که هرات در اوایل قرن ۱۵ میلادی در دوره شاهرخ و جانشینان او رسید این شهر بآن مرتبه و مقام نرسیده بود.

ممکن است که اکنون نزد ما کتابهای خطی مصور سمرقند مربوط به دوره تیمور لنگ وجود نداشته باشد ولیکن در کتابخانه ملی پاریس رساله ای خطی وجود دارد که آن را بمدرسه تیمور نسبت میدهند و آن رساله ایست در علم نجوم که در سمرقند نیمه اول قرن ۱۵ برای کتابخانه «اولغ بیگ» پسر شاهرخ و حاکم قسمت ماوراءالنهر از سال ۸۱۲-۱۴۰۹ تا ۸۴۹-۱۴۸۶ نوشته شده، این امیرزاده در سمرقند رصدخانه مشهوری ساخته که در آنجا عده ای از بزرگان که در علم نجوم مشغول بودند جمع آوری نموده و تمرکز داده بود (۱)

درموزه متروپولیتان نیویورک نسخه خطی نجومی دیگری وجود دارد که به پنجاه صورت از تصاویر بروج و ستارگان مزین شده و مرجحاتی که در پوشش لباس اشخاص و تفصیل صنعتی دارد آن است که این پنج نسخه نیز در سمرقند زمان الغ بیگ نوشته شده (۲)

علاوه بر این دو نسخه خطی درموزه بریطانیا وجود دارد که زمان آن در ارجع بعصر خود تیمور بوده و رشته ارتباط بین مدرسه ایرانی و تاتار و بین هنرستان تیموریان را بخوبی نشان میدهند: اول این نسخه - دیوان قصائد و اشعار خواجوی کرمانی است که در آن علاقه و عشق ورزی ایرانی را بهمایون دختر امپراطور چین شرح داده و صورت آن را کشیده (۳)

۱ - مراجعه شود به Blochet : Musulman Painting ج ۱ ص ۱۵۶ و از تابلوی ۸۸ تا ۹۳ Migeon Manuel

۲ - مراجعه به Dimand : A HandBook ص ۲۷ مربوط به Sakisian ; Le Miniature Persan ص ۳۲ Migeon :

این نسخه را استاد خوشنویس مشهور ایرانی «میر علی تبریزی» در بغداد سال ۷۹۹ هـ (۱۳۹۶ م) نوشته و بر یکی از صورنها امضای استاد ایرانی «جنید سلطانی» است که در خدمت «سلطان احمد» از امرای خانواده جلایر در بغداد بوده (۱)

نسخه دوم - راجع بهمان زمان خود تیمور و شامل چندین قصائد است که از آنجمله تاریخ منظومی است که احمد تبریزی در چند باب راجع به فتوحات چنگیز خان نگاشته و در تصاویر این دو نسخه بسیاری از اوصاف آرایشی و تزیینی است که بعداً از مشخصات مدرسه هرات در قرن نهم هجری (۱۵ م) شده و در ضمن آن صورت درختان رسا و نظر گاههای طبیعی است که در بین آنان کوهها و تپهها بوده و بشکل اسفنجی (ابر) آنرا ترسیم نموده و نباتات ریز ریزی است که آرایش و زینت تصویر بآن زیاد شده و بآن روشنی خاص و نقشی مخصوص میدهد و در این تصاویر رنگهای ثابت و تندی بکار رفته که تندی وحدت آنرا هیچگونه گردش روزگار و تغییرات زمان بهم نمیکشند و تمام اینها مابه الامتیاز و ماده تفاوت و تفرقه بین تصاویر این دو نسخه و بین صور اولیه در قرون ۷ و ۸ هجری است (قرن ۱۳ و اوایل قرن ۱۴ میلادی).

بالین وصف بهتر آن است که ما تصاویر این دو نسخه خطی را بهیچیک از هنرستان تیموری نسبت ندهیم زیرا که هنرستان تیموری در واقع متمثل با آخرین دوره تطور هنرستان تاتاری گردیده و بنابراین دوره مغول تا اوایل قرن ۹ هجری (۱۵ م) امتداد مییابد و خانواده جلایر دسته‌ای از مغول بودند که در عراق عرب حکومت نموده و بغداد را برای خود پایتخت قرار داده و این شهر را در تمام طول قرن ۸ هجری (۱۴) و قسمتی از قرن ۹ (۱۵) شهری مغولی گردانیدند و این عمل علی‌رغم استیلاء تیمور بر آن شهر در ۷۹۵ هـ (۱۳۹۳ م) بوده.

مصادر تاریخی نشان میدهد که سلطان اویس آخرین ملوک خاندان جلایر از جمله ملوکی بوده که فن نقاشی را اصلاحات زیاد نموده و در آن موفقیتی زیاد پیدا کرده پس اشتباهی که بین این صور و بین تصاویر تیموری پیدا شده راجع بآن خواهد شد که که اولی بدیگری مشابه و متمثل شده و چنانکه ما قبلاً متذکر شدیم و این خود حلقه

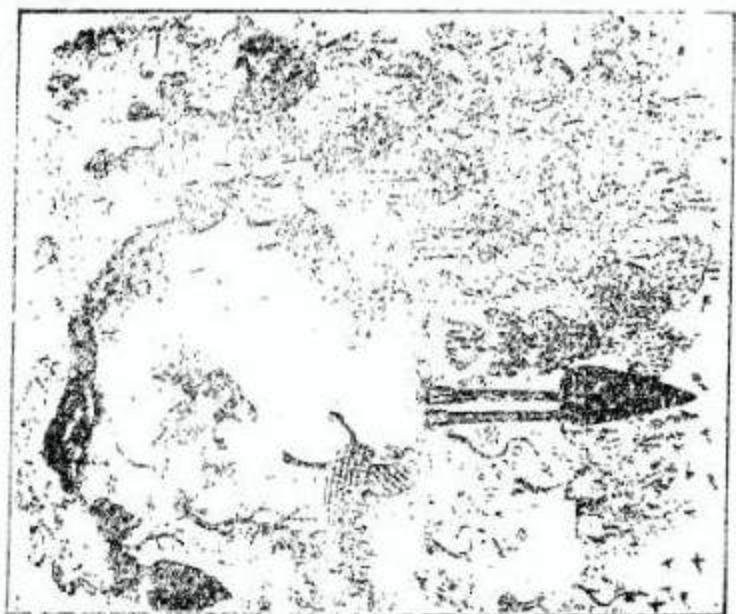


شکل ۱۵ منظره باغ از نسخه خطی منظومه خواجوی کرمانی موزه بریتانیا - مارتن



شکل ۱۵: اماکن در باغ

از نسخه خطی منظومان خواجوی کرمانی در موزه بریتانیا مورخ ۹۹ هجری قمری از آثارش



1851
1851
1851

1851
1851
1851

پیوستگی و اتصال بین هنرستان ایرانی تئاتری و بین مدارس تیموری شده و درحقیقت خود تیمور گذشته از عشق و علاقه ای که بفنون جمیله و هنرهای زیبا داشته شخصاً در ایجاد و پیدایش طراز تصویری که ما بنام او نسبت میدهیم مباشرت ننموده خلاصه آنکه تیمور چندان عامل قوی در این هنر نبوده که این دوره بنام او تمام شده و پیشرفت و رشد طبیعی که برای هنر نقاشی در قرن ۸ (۱۴) روی داده این فاتح را دستی زیاد در آن نبوده بلکه نامگذاری عادلانه آن رعایت و توجهی عالی بود که شامل احوال خلفاء و حانشینان تیمور میگردد که از نقاشان و صنعت نقاشی بعمل آمده .

در کتابخانه ملی مصر نسخه از شاهنامه فردوسی وجود دارد که آنرا لطف الله بن یحیی بن محمد در شیراز سال ۷۱۶ هـ (۱۳۹۳ م) نوشته و در آن صفحه ای تذعیب شده و رنگین ترتیب داده اند که ۶۷ صورت کوچک را داراست و در صنعت و طرز نقاشی مناظر طبیعی و پوششها و شکل و شباهت به نسخه خطی کلیله و دمنه ای شبیه و مانند است که اکنون آن نسخه در کتابخانه ملی پاریس موجود است. (۱)

در مجموعه مستر شستریتی (Chester Beatty) شاهنامه دیگری بوده که در سال ۸۰۱ هـ در شیراز نوشته شده (۱۳۹۷ م) و حالیه در ضمن یک مجلد با جزئی از نسخه خطی دیگر در موزه بریتانیا مضبوط است و آن شامل چند قصیده و نظم بطرز و اسلوب ورش کتاب شاهنامه میشود و تصاویر این دو نسخه در صنعت و اصول فنی دقیق تر از صور موجوده در شاهنامه کتابخانه ملی مصر بوده و تناسب رنگهای آن زیاده تر و رسه های آن تازگی و تنوعی فراوان دارد .

خلاصه کلام آنکه مجموعه نسخه های خطی که در آخر قرن هشتم هجری (ده سالهای آخر از قرن ۱۴ م) نوشته شده برای آن مشخصاتی است که نباید آنها را حقیر شمرده و خوار گرفت یا بنظری اعتنائی بآنان نگاه نمود چون آنکه در آنان رنگهایی ناپنده و درخشان دیده میشود که مناظر باغات و گلها و بهار را نشان میدهد و این مشخصات بعد از آن از خصایص و همیزات هنر و فن ایرانی گردیده و استاید فنی در این مورد بایجاد تناسمی شایسته رسیده و بنگارش صوری زیبا جهت اشخاص و توافقی و سازشی پسندیده

۱- مراجعه شود به : Binyon, Wilkinsno & Grey : Persian Miniature Painting

و مطلوب بین موضوع نسخه کتاب و بین صورتهای مینیاتوری و تصاویر کوچک مبادرت نموده‌اند و در بعضی از این صور رسوم و نقشه‌هایی است که برای منسوجات (پارچه‌ها) و قالیچه و جامه‌ها تدارک شده و لیکن از آنها چیزی بدست مانده است و بزرگترین مزایا و برتری در این مورد نسبت بتوجه و پیشرفت نقاشی ایرانی مربوط بامرای خانواده جلایر شده و راجع بآنها میگردد.

هنرستان هرات

علاوه بر اینکه نقاشی ایرانی بعصر طلامی دوره جانشینان تیمور: پسرانشهرخ و نواده‌های وی: بایسنقر- ابراهیم سلطان و اسکندر بن عمر شیخ پیوسته میشود جای تعجب و شکفت نیست که در زمان ایشان وحدتی بانیر و تکاملی قوی بوجود آمده که نقاشی روح ایرانیگری بخود گرفته و بطوری خود را نشان میدهد که کشف نمونه‌ها و عوامل اجنبی در آن خیلی دشوار و مشکل است:

آئین سیاست دولت امپراطوری تیمور لنگ بایجاد و تاسیس هنرستان‌های فنی جندی اقتضا نمود و در عین اینکه او در پایتخت دولت امپراطوری خود مشغول باداره نمودن امور کل کشور پنهان‌رو خویش بود اینگونه هنر و فنون را نیز راج و رونق میداد، در نواحی مختلف هم امرائی بودند که حکومت کرده و قلمرو فرمانفرمائی خود را شبیه‌ترین چیز بکشورهای متحده مینمودند چنانکه هر امیر از خود درباری داشته و در بعضی احوال نظام وراثی امور حکومتی و فرمانفرمائی همانطور بود که در پایتخت کشور پنهان‌رو امپراطوری اجرا و پیروی میشد.

مثلا می بینیم که شهرخ در دوره زندگانی پدرس تیمور لنگ حاکم خراسان بوده و چرن او وفات یافت پسرش جانشین وی شده و نیز در خراسان اقامت گزیده و هرات را پایتخت کشور خود نمود حکومت نواحی ماوراءالنهر که مسمرقند مرکز آن بود بالغ بپاک داده و ابراهیم سلطان را حاکم شیراز و حدود فارس نمود.

شاهرخ پادشاهی بزرگوار و درشید و باوقار بوده و کشور ایران در دوره شاهی او بآرامش و امنیت گذرانیده و شهر هرات مرکزی مهم از برای پیشه و هنر نقاشی گردید و این پادشاه در آنجا کتابخانه مهمی تأسیس نمود .

موقعی که پسرش بایستقر حکومت عمومی قسمت هرات گردید او هم کتابخانه دیگری با هنرستان و دارالفنون از برای ترویج و تکثیر پیشه و هنر ترتیب داده و در آنجا نقاشان و تذهیب کارها و خوشنویسان و جلدسازهای زیر دست و سر آهدی را جمع آوری نمود و این بنگاه هنری کارهای مهمی را بنوبت خود در عمل نقاشی و کار تذهیب انجام داد اساتید مذکور کسانی بودند که از شیراز و تبریز و سمرقند بهرات آمده و در انجام انتقال و تمرکز پیدا نمودند روابط ایران با کشورهای خاور دور از جهت استوار نمودن بنای دوستی و ارتباط هیچگاه و زمان بآن پایه نرسیده بود که در دوره شاهرخ رسیده زیرا که در این دوره هیئت ها و مأمورین علمی و فنی اعزامی هاین ایران و معالک خاور دور آمد و شد نموده و مبادله میشدند و شاید این امر مربوط بتغییر دو خانواده ای باشد که در آن دوره حکومت مینمودند .

پس همانطور که حکومت مغول ایران در اوایل قرن هشتم هجری (۱۴ م) بانتهای و پایان رسید در همین بین حکومت خاندان یوان (Yuan) مغولی خاتمه پذیرفت ۱۲۸۰ م -- ۱۲۶۷ م و بجای آنها خانزاده منگ (Ming) (۱۳۶۸ م -- ۱۶۴۶ جانشین ایشان گردید .

از جمله چیزهای که بیشتر جلب نظر میکنند آن است که بایستقر بایکی از این هیئت اعزامی علمی که بعین سفر کرده ۷۲۳- (۱۴۲۰) نقاشی را که نام او «غیاث الدین» بود همراه نموده و او را مکلف و مأمور داشته که هر چه را از آثار بدیع در راه و خط سیر خود می بیند صورت آن را کشیده و چگونه آنرا شرح و وصف دهد .

غیاث الدین این مأموریت را انجام داده و توصیف عمل او را کمال الدین عبدالرزاق در کتاب «مطلع السعدین» خود که آنرا مستشرق معروف کاترمیر «Quatremère» بفرانسه ترجمه نموده و نقل و حکایت کرده، بعید نیست که غیاث الدین موقع برگشتن خود از آنجا بعضی از استادان فنی و سرامدان چینی را یا برخی از کارها و نمونه عملیات

و هنریشان را باخود به‌مراه آورده باشد (۱) در هر صورت نقش و رسم چینی و هنر صورتگری آنان در ایران معروفیتی تمام یافته امراء و رجال فنی از آن تقدیرها کرده و در پی این کوششها مینمودند و در جمع آن اصرار داشتند و برای این فن تأثیری زیاد بوده که کشف و ایضاح و تمیز و تشخیص آن برای ما بی اندازه مشکل است ولیکن وقتی که ما آنرا در دست گرفته و مشاهده نمودیم و در باره وجود آن قطع پیدا کردیم خواهیم دید دقت و مراقبتی را که صنعت تصویر و نقاشی بدان نائل گردیده و در هنرستان هرات بوده علاوه بر این بعضی از صور که بنظر ما رسیده دیده ایم که در آنها عوامل چینی و ایرانی دوش بدوش یکدیگر قرار گرفته ولیکن باهم اختلاط و آمیزش یافته و وحدتی قوی و تمام چنانکه در هنرستان تیموری داشته در اینجا ترتیب نداده است. واضحتر از تمام صور صورتی است که در آن شاخه درختی ترسیم شده که بر آن گنجشکها نشسته اند و شخص تصور میکند که صورت مذکور از مصنوعات عصری منگ (۱) (Ming) در چین است سپس در زیر آن خسر و شیرین دو عاشق و معشوق ایرانی بلباس ایرانی و صورت چینی ترسیم شده و بطوری مبهم است که مورخین فنی از جزم باینکه استاد سازنده این تصاویر ایرانی است که فن و صنعت چینی را تقلید نموده و یا چینی است که از هنر و کار ایرانی تقلید کرده عاجزند (۲)

ولیکن ظاهرترین چیزی که موجب و مسبب تأثیر فارسی در فن دوره تیموری است عمل جلد سازی آن زمان میباشد که با تصویر حیوانی که با اسلوب فن چینی زینت شده انجام گرفته و از جمله مشخصات مینیاتور و صورهای کوچک مدرسه هرات ترسیم و نقش سرهای انسانی و حیوان است که برای آرایش در مینیاتورهای ارمنیه با صور کوچکی که استادان ارمنه کشیده اند دیده و شناخته میشوند که تاریخ آن با اواخر قرن هفتم و اوایل قرن هشتم هجری مربوط است (اواخر قرن ۱۳ و اوایل قرن ۱۴ م)

از جمله صور همه ای که بهرستان هرات نسبت داده اند صورتیست که در موزه

۱ - Binyon, Wilkinson & Gray : Persian Miniature Painting - ۱
نقش مینیاتور ایرانی

۲ - مراجعه بپنابلوی ۱۶ شکل ۱۲

۳ - مراجعه شود بپنابلوی ۱۸ دو شکل ۲۴ و ۲۵

هنرهای زیبای پاریس وجود دارد که صورت مزبور رسیدن امیرهمای را بدر بارچین نشان داده و تاریخ آن راجع بسال ۸۳۴ ه است (۱۴۳۰ م و در آن صنعتی مخلوط و متناسب از صنعت لطیف و اسلوب ظریف ایرانی و جمال و زیبایی فن چینی در دوره منگ (Ming) ملاحظه میشود. (۱)

علاوه بر این اثر آمیزش اسلوب فن چینی در زمان منگ بتقلید فن ایرانی در تصاویر نسخه خطی «معراج نامه» که اکنون در کتابخانه ملی پاریس محفوظ است مشکل نبوده و بآسانی واضح خواهد شد.

نسخه مذکور در سال ۸۴۰ هجری (۱۴۳۶ م) در هرات برای شاهرخ نوشته شده و بیشتر تصویر آن دارای وضع مربعی شکل و از متن نسخه خطی جدا و مستقل میباشد و دیده میشود که حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله روی براق سوار گردیده و جبرئیل در جلو آن حضرت قرار گرفته و فرشتگان اطراف او را احاطه کرده و در آسمانها سیر و گردش میکنند و پیغمبران دیگر بآن حضرت رو برو و مقابل میشوند و در صورت فرشتگان ملاحظه میشود که صورتهای ایشان گرد و مستدیر و چشمان آنها کوچک و ریز و منحرف میباشد و تاثیر شکل و قیافه فن چینی را در صورت از خود نشان میدهد چنانکه تاثیر این فن ب فن چینی در اشکال و تقلیدی که بر این روش ترسیم شده هویدا و ظاهراست بطوریکه ما می بینیم در صورت حضرت رسول و یاران او بگونه طرح زیبایی و ظرافت کار بست که نمونه صنعت عربی و ایرانی را از خود نشان میدهد.

این صورتهای روی هم رفته جزء هنرهای زیبا بوده که زیاده دلفریب و قشنگ است و رنگهای فیروزه‌ای و طلایی جلای و بهای آنرا بی اندازه زیاده نموده ولی چیزیکه هست تکرار موضوعات آن تاحدی خالی از ملال نیست (۱)

شبهه باین صورتهای در فن نقاشی و کار دوازده صورت کوچکی مینیاتور است که در موزه (متروبولیتان) نیویورک امریکا موجود است و آنها در ضمن نسخه شاهنامه ایست که میتوان آن را بنیمه اول قرن نهم هجری (۱۵ م) نسبت داد و از بدیعترین

۱ - مراجعه بتابلوی ۱۴ شکل ۱۹

۲ - مراجعه شود به Migeon : Manuel ج ۱ ص ۱۵۶ و E. Blochet: Les Enluminures des Manuscrits Orientaux de la Bibliothèque Nationale ص ۸۳-۸۵ کتابهای خطی شرقی کتابخانه ملی

تاویر آن صورتی است که نقش رستم را کشیده و عنان اسب خود (رخش) را در دست گرفته و در طرفین آن دو درخت با سلوب فن چینی نقاشی شده و در بالای آن دو مرغ آبی بحالت پروازند و در صورت دیگر نقش راکیکوس کشیده که قصد دارد بوسیله دو کرکس که تخت خود را پای آنها بسته بجانب آسمان پرواز کند (۲).

در موزه (متروپولیتان) نیویورک نسخه خطی دیگری از منظومات (خمسه نظامی) وجود دارد که در سال (۸۵۳) نوشته شده (۱۴۴۹) و دارای سی صفحه صورت است که هر کدام آن بواسطه رنگهای زیبا و درخشان و صورتهای دلربای خود معتاز است و شاید چیزی که از این تصاویر بیشتر جالب توجه و نظر میشود صورت فرهاد و معشوقه او شیرین و اسبی که بر آن سوار است بوده باشد. (۳)

با وجود این لازم است ما در اینجا مابین صور مصنوعه هرات و تصاویری که در غیر آن از شهرهای ایران کشیده شده مانند شیراز و آنچه بدوره تیمور و جانشینان او است تفاوتی بخاطر نگذاریم زیرا بطوریکه گفته شد سیاست حکومت در دوره آنها بهترین مشوق برای پیدایش مراکز فنی و بنسگاههای هنری در کشورهای مختلفه امپراطوری بوده که هر یک را افرادی از خانواده سلطنتی اداره مینمودند و همین امر باعث تحول کار و تبادل نظر بزرگان و اساتید فنی بوده و آنها را وادار نموده که در سیر و حرکت در آمده مسافرت کنند و برای تکمیل هنر به طرف نقل و انتقال نمایند و شاید مشهورتر از همه آنها کسی بوده که بیشتر مسافرت مینموده یا در نقل و تقلید دست داشته در صورتیکه بهره و نصیب اساتید فنی و هنروران عادی که در وطن خود میزیستند و سفر نمینمودند جنبه دهائی داشته و برتری آن فقط در این سبک و اسلوب بوده و ما از این قسمت نمونه هائی در نسخه خطی منظومه خمسه نظامی که اکنون در او نیورسیته (ایسال) وجود دارد (۴) مشاهده مینمائیم که تاریخ آن مربوط بسال

۱- مراجعه شود به Dmiand : A Handbook ص ۲۸

۲- مراجعه شود به Dimand : A Handbook ص ۲۹

۳- مراجعه شود به Binyon, Wilkinson & : Gray : Persian Miniature Painting

(۸۴۳هـ) و (۱۴۳۹ میلادی) است و در قسمت موزه های برلن نیز تصاویری از مجموعه اشعار فارسی موجود است که آنرا در سال ۸۲۳ هـ (۱۴۲۵ م) محمود کاتب حسینی در شیراز برای کتابخانه (امریاست) نوشته و زیباتر از همه تصاویر آندو صورت است : یکی دیگر صورت خسرو است که بالای سر شیرین آمده و از چگونگی احوال او اطلاع می یابد و دیگری تصویر جنگی است که بین سپاه کسری (پرویز) با (بهرام چوبینه) واقع شده (۱)

از تصاویری که بدوره تیموری نسبت داده میشود جزعه قلیلی شناخته نشده حتی در نمایشگاه هنرهای زیبای ایرانی در لندن در سال (۱۹۳۱) که نزد طرفداران و مورخین فنی عده زیادی از تصاویر وجود داشت و همچنین از طرف دولت اعلیحضرت شاهنشاه ایران نفیس ترین چیزی که داشته باین نمایشگاه فرستاده شده بود در میانه آن اشیاء چیزی از آن تصاویر دیده نمیشد.

و در اینجا چون برای ما مجالی جهت تتبع و تحقیق اینگونه تصاویر نیست لذا بآن اکتفا مینماییم.

و خواننده را به مؤلفات و مقالاتی حواله میکنیم که در باره نمایشگاه مذکور نوشته شده.

خلاصه گفتار آنکه فن نقاشی در دوره تیمور و جانشینان او ترقی و نشو و نما یافته و باعلی درجه کمال رسید و بعدها در عصر بهزاد و شاگردان او بعد اکمل بالغ گردید ولی بعد از وفات شاهرخ سال ۸۵۱ - (۱۴۴۷) م امپراطوری تیموری را که زحمتی بسیار در راه وحدت و اتحاد و اعلای عظمت و شأن آن کشیده شده بود و انجلاّل بجانب آن راه یافته جانشینان شاهرخ داخل منازعه و کشمکش گردیدند و طولی نکشید که قسمت غربی کشور ایران در دست دشمنان ایشان و قیابیل ترکمان معروف باقی

۱- مراجعه شود بپایلی ۱۳ شکل ۱۸ و مربوط Kühnel : Islamische Kunst در جزء ششم از کتابوی ششم Springer : Handbuch der Kunstgeschichte و مراجعه بمقاله دکتر کونل در Jahrbuch der Preussischen Kunstsammlungen جزء ۵۲ ص ۱۳۳ و مابعد آن

قوینلو (صاحبان گوسفندان سفید) و قراقوینلو (صاحبان گوسفندان سیاه) افتاد و این عنوان شعار جنگی آن دوطایفه بود.

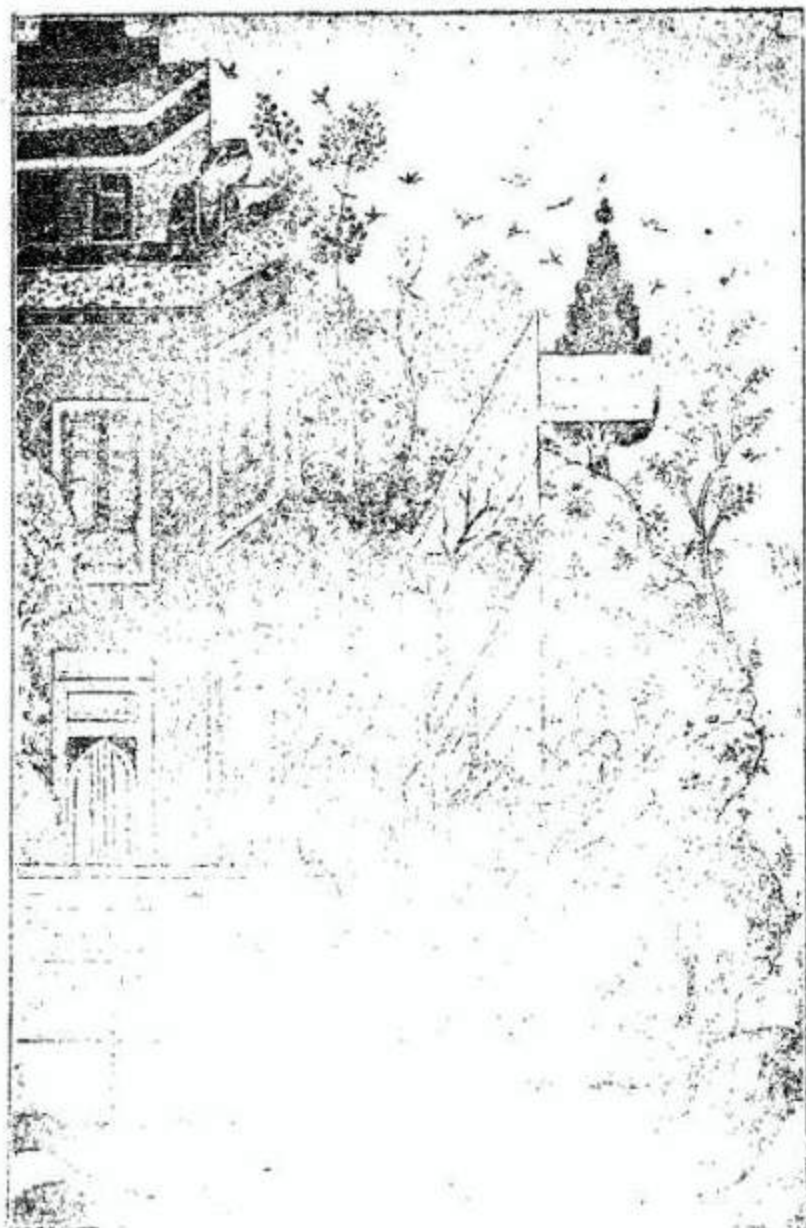
«سلطان ابوسعید» در سال ۸۷۳ وفات نموده (۶۸۱ م) و او قصد داشت که کشورهای اقالیم از دست رفته را مسترد سازد و امپراطوری (اوزبک) هم در قسمت هاورا، النهر پیدایش و ظهور یافت و در اواخر قرن ۱۴ م توانست در این قسمت ها و در نواحی شرق ایران بنفوذ تیموریان خاتمه دهد و تنها هرات پایتخت جانشینان تیمور باقی ماند و این محنت ها جز بر پیشرفت و درخشندگی و جلای هنر نقاشی نیفزود:

حکومت «سلطان حسین بایقرا» ۸۷۳ - ۹۱۲ (۶۸۱ - ۱۵۰۶) از درخشنده ترین دوره تیموریان است زیرا که در این عصر رجال ادب و هنر و تاریخ بجانب هرات با همدیگر مسابقه گذاشته و پیشرفت مینمودند و سلطان بدین واسطه توانست که تخت و تاج آبا و اجدادی خود را نگاه دارد و بازوی توانا و مددکار عمده وی وزیر و رفیق و فادار زمان کودکی او (امیر علیشیر) بوده که او مانند شاه شاعر و ادب دوست و دانش پرور و طرفدار بزرگ ادباء و رجال پیشه و هنر بوده.

بهر حال در خدمت سلطان حسین بایقرا - و وزیر او - امیر علیشیر - بزرگترین نقاش ها و اسانید فنی ایرانی و مشهورترین رجال هنرور اسلامی که «بهزاد» سرآمد همه ایشان است بروز و ظهور یافته اند.



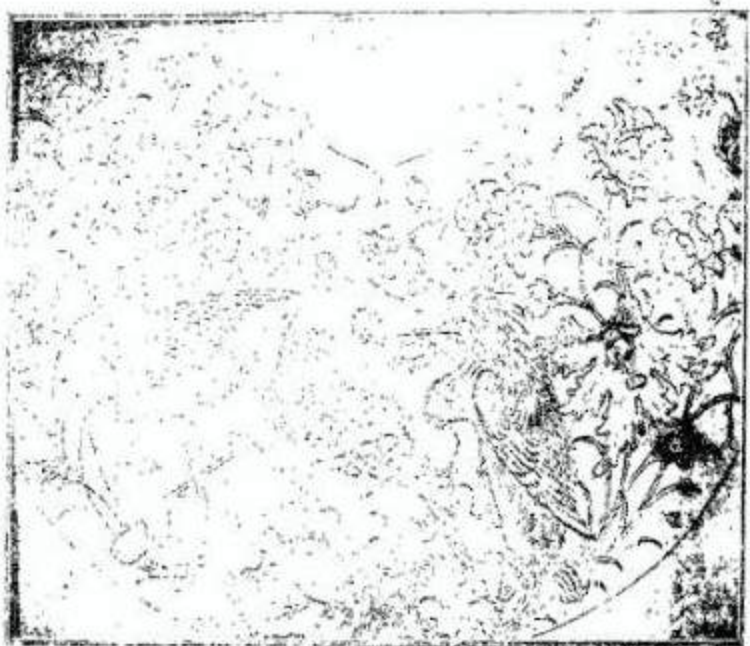
شکل ۷۸- خسرو در کشتن بهرام (هنرستان ایران و تاتار ۸۲۳ هجری) نسخه خطی کدابخانه پایستقر (موزه برلن)



شکل ۱۰: دیدار شاه و همایون در باغ قصر عمر، تابلوی دوم، قرن ۱۰ هجری

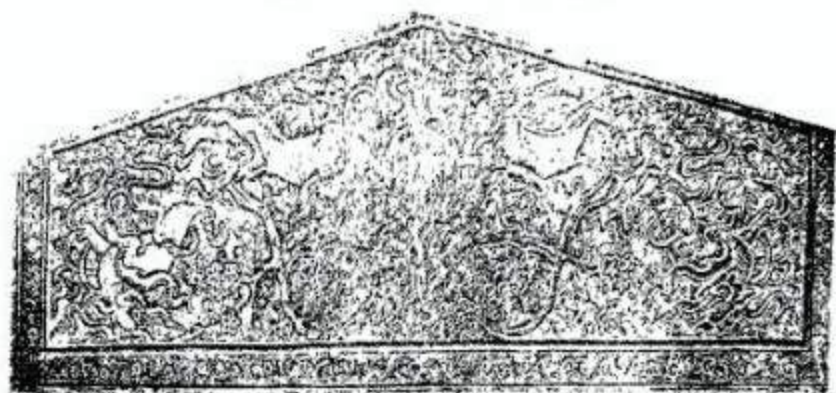


شکل ۲۹ خسرو و شیرین - هنرمندان تیموری در اوایل قرن ۹ هجری مجموعه دیور

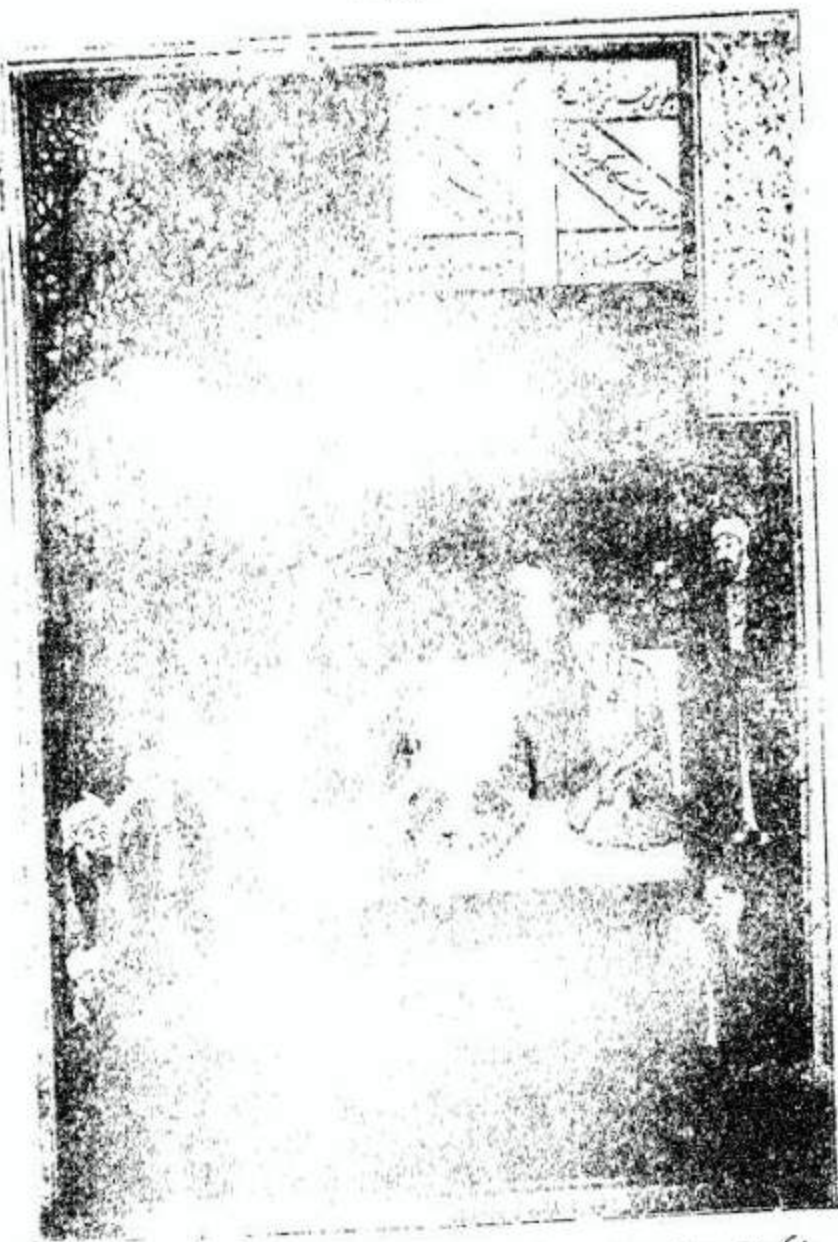


شکل ۲۲ و ۲۳: شاهنشاهی بهمنی — هنرستان هرات در پیله اول قرن بهمنی استانبول — از ساکین

תשנ"ח תשרי חמשה עשר
 תשנ"ח תשרי חמשה עשר



תשנ"ח



شکل ۲۷ - چاهای اصفهانی در باغ از دوره ساسانی سر ۶۰ در ۴۰ متری نگهداری شده بودنی اکسفر

فصل پنجم

بہزاد و معاصرین او

هنرمستان بخارا

بہزاد در سال ۸۵۴ هجری - ۱۴۵۰ درہرات تولد یافته و هنر نقاشی را نزد (پیر سید احمد) تبریزی فرا گرفته و دیگران گویند کہ بہزاد نقاشی را نزد میرک نقاش درہرات آموخته بود درہر صورت او در تحت توجہ و رعایت و قدردانی و تشویق سلطان حسین بایقرا و وزیر او امیر علیشیر بمقام عالی هنر رسیدہ و تعلیماتی شایستہ یافت .

بہزاد در ہرات بود تا اینکہ ستارہ تیموریان غروب نمود و دولت آنان زوال پذیرفت و انقراض آن دولت بدست محمد خان شیبانی کہ بر پایتخت ایشان استیلا یافت در ۹۱۳ (۱۵۰۷) فراہم آمد .

در این وقت بہزاد جایگاہ خود را کہ درہرات داشت ترک نمودہ و بدینگونہ بود تا شاہ اسمعیل صفوی در ۹۱۶ (۱۵۱۰) برہرات دست یافتہ و بہزاد باشاہ اسمعیل بہ تبریز انتقال گزید .

بہزاد نزد پادشاہ صفوی و جانشین او شاہ طہماسپ اهمیت و حکمتی بسزا یافت و بمقامی نائل گردید کہ کمتر استادی از اہل بیشہ و ہنر بدان پایہ و مقام رسیدہ است .

" روایت میکنند : وقتی کہ بین شاہ اسمعیل و ترکہای عثمانی جنگ در گرفت (۹۲۰ - ۱۶۱۴) شاہ از فرط الفت و علاقہ ایکہ ببہزاد داشت بیم و دہشتی کہ نسبت بوی پیدا نمودہ بود خواست کہ او را با ہمکارش شاہ محمود نیشابوری خوشنویس مشہور برای ترسی کہ از اتلاف اندو داشت پنهان کند لذا امر داد آندو را در صندوقی نہادند و موقعی کہ جنگ تمام شد اول اندیشہ شاہ اطمینان بر سلامتی آندو استاد بود

در سال ۹۳۰ هجری (۱۵۲۲) شاه اسمعیل بهزاد را مدیر کتابخانه سلطنتی و رئیس کل امنای کتابخانه و کتابدارها و خوشنویسان و نقاشان و تذهیب کارها گردانید. خواند امیرمورخ فرمان انتخاب و تعیین او را برای ما در تاریخ خود ضبط نموده و این وثیقه و اعتبارنامه مهم با ترجمه فرانسه آن در جزء ۲۴ از جمله (العالم الاسلامی) انتشار یافته (۲) Revue du Monde Musulman و نیز استاد ارتولد) فرمان مزبور را در آخر کتاب خود نقاشی بانگلیسی در اسلام) ترجمه نموده.

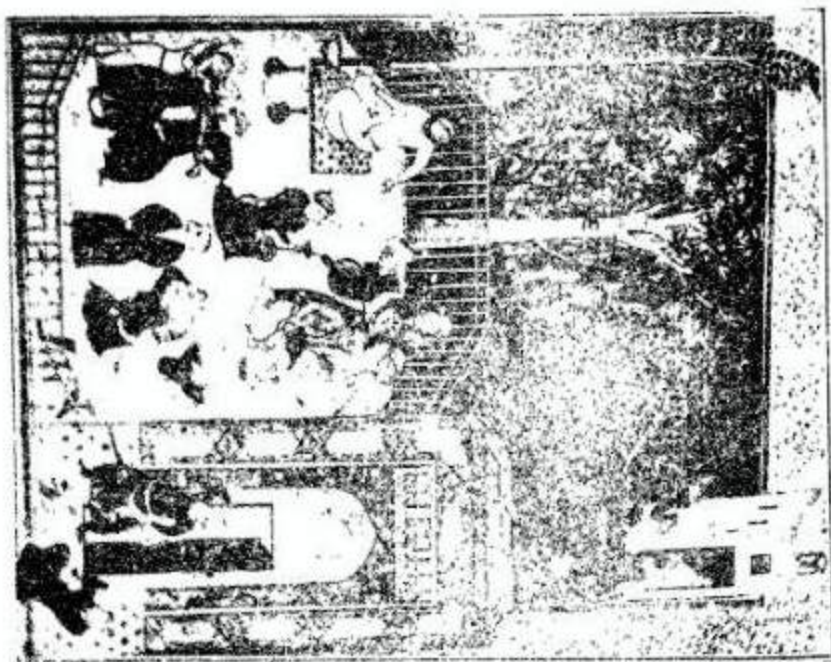
بهزاد شهرتی زیاد احرار نموده و اشتها را از نقاشان دیگر از معاصرین یا اخلاف وی زیاده تر شده و قیصره و امپراطوران مغولی هندوستان در گرد آوردن هنرهای بدی این استاد و اعجاب پاشگفت با آنها سبقت گرفته و لیکن روی همین بهره و نصیب بود، که نقاشان و اساتید فنی و اداری شدند که از او تقلید و پیروی نمایند و خوشنویسان و هواخواهان این هنر در صدد برآمدند صوری را که کار او نبود باو نسبت دهند و امضای او را برای ریح مادی یا افتخار ادبی تقلید کنند لذا بیشتر تصاویری را که بر توی از نور عملیات این استاد بزرگوار می گرفت مورخین فن اسلامی در صحت آن نسبت باین استاد بشک و تردید افتاده اند:

باین وصف (بهزاد) از اساتید درجه اول ایران است و او عاقل و اهل پیشه و هنر اول کسی است که آنچه را نقاشی کرده با امضای خود رقم نموده و معروف این است که امضا در فنون و هنر شرقی بآن اهمیت که هنر و فنون غربی بدان رسیده بالغ نشده و شخصیت او اهل پیشه و هنر را رشد و ترقی و پیشرفت داده و او به حقوق افتخاری خود نسبت بهتری که بدست خود انجام میداده آگاه شده (۲) این است، طرفداران بهزاد و مورخینی که داخل در بحث و رسیدگی بتصاویر و کارهای نقاشی میشوند عملی را بهزاد نسبت داده و صحت آنرا تصدیق میکنند که دارای امضاء او است و اینگونه عمل و کار را مورد توجه قرار داده و خواهند داد چنانکه نمایشگاه

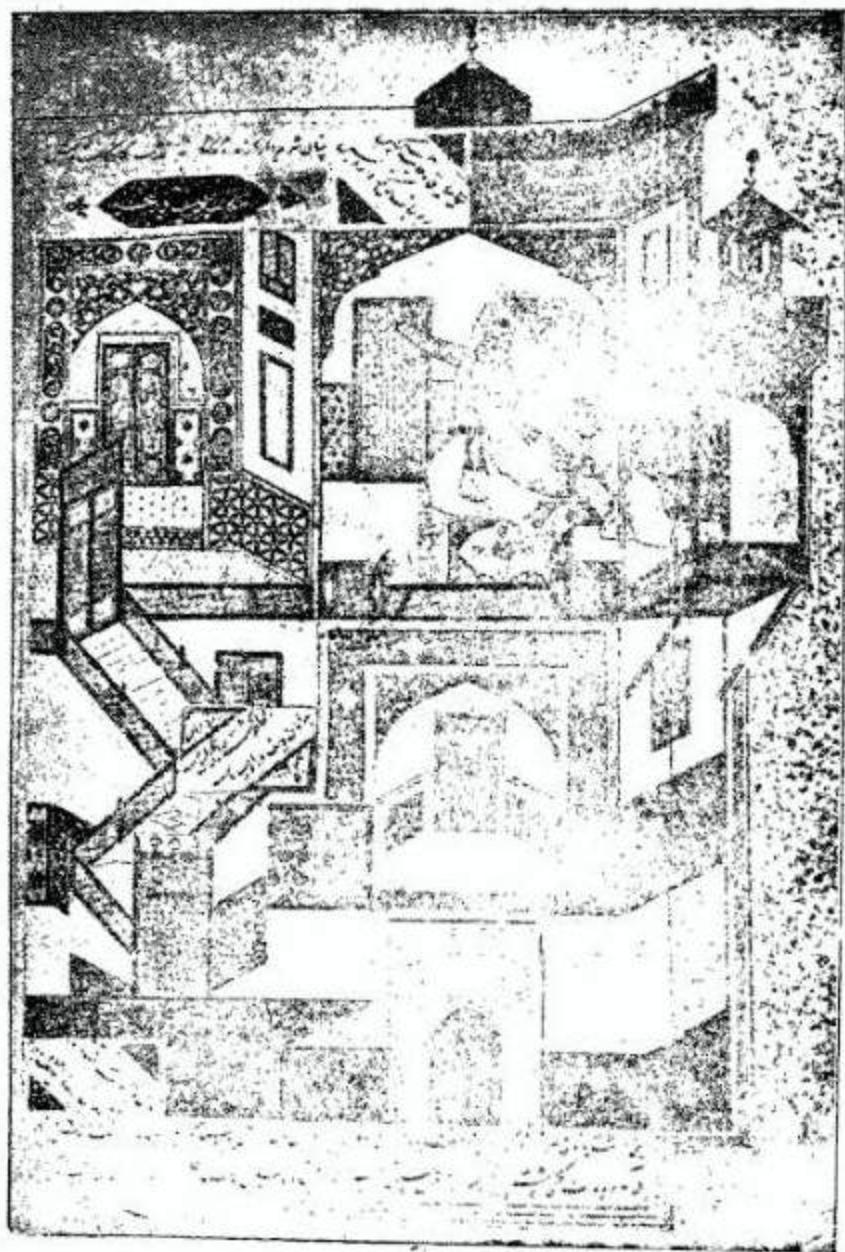
۱ - تحت عنوان: Deux documents indits. قلم: Mirza Mohammed Qazwini. rlatifs à Behzad et L. Souvat
 ۲ - مراجعه شود به: Kuhnel: Miniaturmalerei: ۱۶ و Arnold: Painting in Islam ۷۱ ص



عزل میرزا از رسته خطی، بوستان سعدی، کتابخانه میرزا محمد علی ۸۹۳ هجری



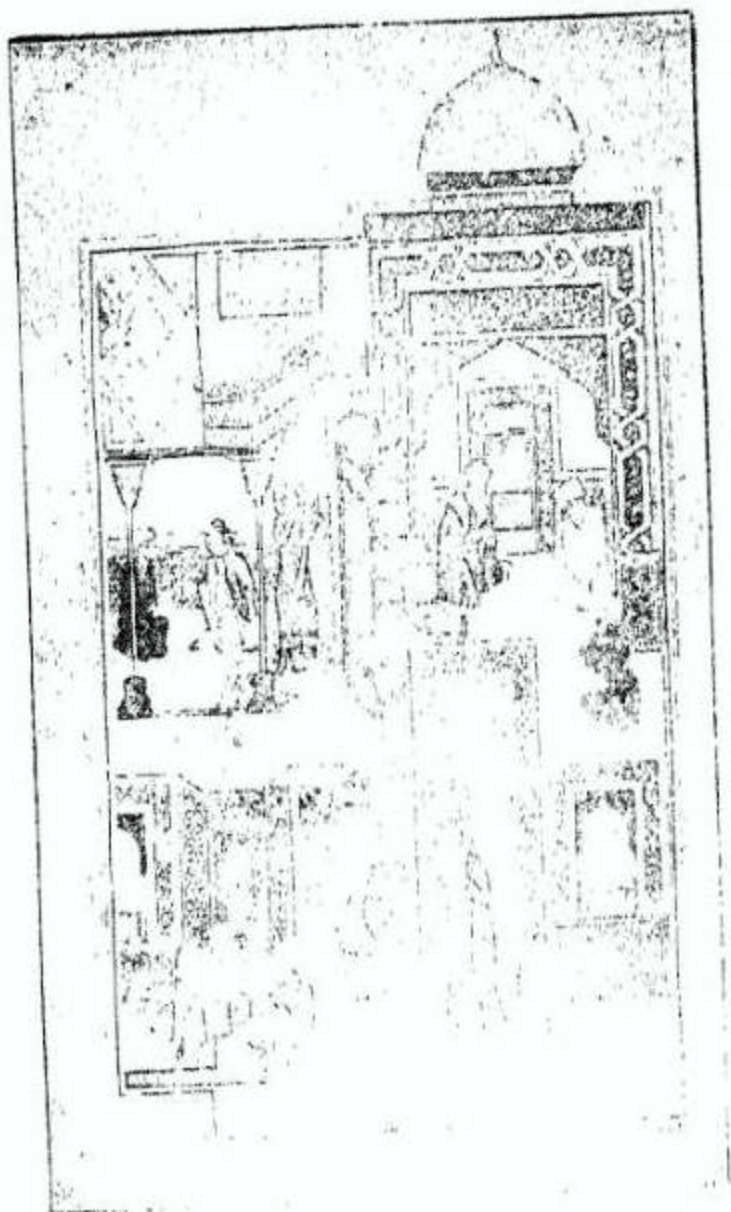
شکل ۲۹ و ۲۸ - سلطان حسین میرزا در مهمانی



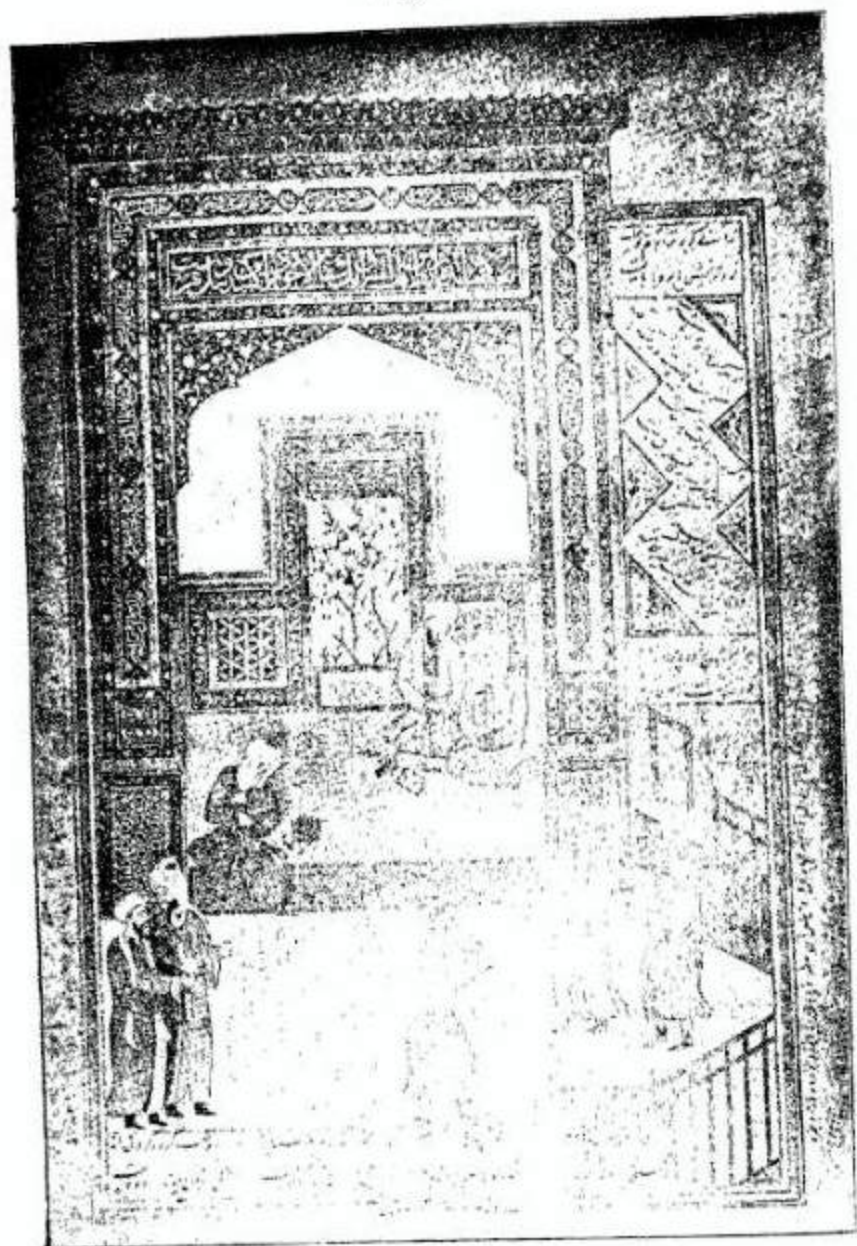
شکن ۳۰ فرار یوسف از زلیخا عمل یوزاد - از نسخه خطی بوستان سعدی کتابخانه مصر مورخ ۸۹۳



شکار شهبان و دارا پادشاه ایران از سده ششم یوشن سدهی که پخته مصر ۱۹۳ هجری



شکل ۲۲ - مشربیه در مسجد امام رضا (ع) مشهد - ۸۹۳ هجری



نقشه در حالت میانه عمل بهر از اسطخه خطی یوشان معنی گناباته مصر مورخ ۸۹۳



شکل ۳۴- تصویر درویش بغداد (بهاداد) مجموعه شمسریسی

که برای (سلطان حسین بایقرا) و (محمدخان شیبانی) کشیده که یکی از آنها ناتمام است و برای این دو صورت ارزش و بهائی خیلی زیاد است و این دو صورت اول چیزی است که ما در قسمت نقاشی ایرانی از تصاویر شخص حقیقی می بینیم که در آن شخصی را بشکل اصلی و هیئت و صفات جسمانی خود بدقت کشیده و تتبع و تحقیق را بکار برده و از جمله صوری است که کشیدن نظیر آن در آن عصر از اساتید فنی آسیا جز چینی ها و ژاپونی ها برای دیگری مقدور نبوده و از استادان آن زمان احدی بهمانند آن در این حدود نقاشی ننموده . (۱)

استاد دکتر کونل (Dr. Kühnel) بطوریکه ملاحظه نموده در اینجا علامتی است که بیشتر صور ترسیمی از کار بهزاد را تمیز و تشخیص میدهد و آن صاحب شکل و قیافه و صورت بربری است که شاید نقاش عالی مقام ما در آن بهترین وسیله را برای نشان دادن تفاوت و فرق بین قیافه بربری با قیافه دیگر اشخاص از جنس سفید پوست بنظر گرفته و گاهی ملاحظه شده که بهزاد از کشیدن صورت زنان بقدری که توانسته اجتناب و خودداری نموده . (۲)

شایسته آن است که کتابخانه مصر (دارالکتب المصریه) به نسخه خطی خود از کتاب (بوستان سعدی) که شامل پنج تصویر است افتخار نماید که در این عصر حاضر تقریباً هتین ترین اساسی است که استادی و مهارت و برتری بهزاد را میتوان با آنها استناد نمود زیرا اطمینان و اعتماد ما بصحت نسبت این صور بهزاد بیشتر از وثوق و اعتمادی است که در دیگر صورتها مشاهده میکنیم چرا که این نسخه خطی در نهایت بداعت و متبهای دقت در صناعت است و آنرا بزرگترین خوشنویسان آن زمان (میرعلی کاتب) در ۸۹۳ (۱۴۸۸) جهت (سلطان حسین بایقرا) نوشته و صورت او در اول این نسخه ترسیم گردیده . (۳)

طبیعی است که نقاشی مانند این چنین نسخه نفیس و اینگونه تحفه بسیار ممتاز

۱ - مراجعه شود به : Sakisian : ibid ص ۶۷ - ۶۸

۲ - مراجعه شود به : Kühnel : Islamische Kleinkunst ص ۵۰

۳ - مراجعه بنابلوی ۲۶ دو شکل ۲۸ و ۲۹

بخود بهزاد واگذار شده و در هر حال در آن چهار صورت است که بهر يك اعضاء این استاد بعنوان (عمل العبد بهزاد) تصریح گردیده (۱).

در این صورت مهارت و زبردستی فوق العاده ای پدیدار میشود که چگونه بهزاد در ترکیب رنگها و حکایت نمودن از طبیعت در اینجا امتیاز یافته و توجه در تشخیص هر يك از اشخاص نسبت بیکدیگر و تعبیر و بیان حالات مختلفه و روحیه هر يك را چگونه نموده و در صورتیکه تعال ملك داز را با شبان اسبان یا رمه بان وی نشان میدهد (۲) و چگونه موفقیت بهزاد را در کشیدن صورت طبیعی ریفی و وضعیت دهکده ای و برتری و استادی آن در ترسیم صور اسب ها بخوبی معلوم مینماید و در چهار صورت دیگر یکی تصویر حضرت یوسف را کشیده که از زلیخا زن عزیز مصر فرار میکند. در آن موقعی که زلیخا برای فریفتن یوسف قصری هفت طبقه که دارای هفت دستگاه و ایوانی هفت گانه بوده. ساخته و در غرفه های داخلی هر دستگاه صورتهایی کشیده شده که زلیخا بین دودست یوسف قرار گرفته و اندیشه او این بوده وقتی که یوسف آنها را دید ناچار بدام او هیافتد لیکن یوسف بمکر و تزویر او متوجه شده و خود را مشغول نماز نموده و درها را باز کرده و یوسف از شر زلیخا نجات یافته و در ترسیم این صورتهای آنچه را که عادت و رسم ایرانیان در تصویر بوده از پوشانیدن روی پیغمبران و برقع گذاشتن بر روی ایشان و احاطه دادن سرهای انبیا را بدایره از نور مشاهده مینمائیم (۳):

در صورت دیگر بعضی از علماء مذهبی و روحانیون را نقاشی نموده که در میان مسجد بمناظره و مباحثه علمی مشغولند (۴). و در صورت مناظر دیگرى را در مسجد

۱ - چنانکه در اول این نسخه خطی چهار صفحه رنگین (سراوج) یا رنگهای آبی و سلاخی و در کنار یکی از این صفحه ها عبارت زیر است «عمل العبد ماری الذوب» مراجعه به G. Wiet: L'Exposition persane de 1931 ص ۷۴ و ملهبد آن

۲ - مراجعه بپابلوی ۲۳ شکل ۳۱

۳ - مراجعه بپابلوی ۲۲ شکل ۳۰ و ملاحظه به Arnold: Painting in Islam ص ۱۰۵

و ما بعد آن

۴ - مراجعه بپابلوی ۲۵ شکل ۳۳

نشان میدهد (۱)

در موزه بریتانیا سه صورت در نسخه خطی کوچک از منظومات خمسه نظامی است که اعضای بهزاد بر آن رقم شده و صنعت آن از ابداع و اختراع و دقت نظر بطوری است که مجال زیادی برای شك در صحت و درستی این نسبت نمیگذارد و دو صورت آن دو میدان جنگ را نشان میدهد که فن نقاشی ایران بجانب تصویر مانند آندو صورت در قوه و نیروی تعبیر و بیان و آزادی فنی نخواهد رسید.

در اینجا صورتی در نسخه خطی از کتاب بوستان سعدی است که اکنون (مستر شیستریتی) دارنده آنست و در بعضی از آن اعضای بهزاد وجود دارد لیکن ما نمیخواهیم در اینجا هر چه را که باین استاد نسبت داده میشود بمورد بیان و اظهار بیاوریم زیرا که ما را فرصت و مجالی برای مناقشه صحت این نسبت با خطا و اشتباه آن نیست (۲) بعضی از مورخین فنی چنین اندیشیده اند: (بهزاد) شایسته آنهمه شهرتی که بآن نائل شده است نبوده و حق این است که مشکل است ما در کارهای اواز مهارت و زبردستی و توانایی خارق عادت چیزی را بیاییم که شایسته تمام این شهرتها باشد چنانکه نیز مشکل است او را مؤسس هنرستان یا طرازی نو بمعنای جدیدی که ما میفهمیم اعتبار نمود ولیکن با وجود این بهزاد نقاشی توانا و صورتگری قابل و ماهر بوده که در نزد وی تبدلات و تنوع نقاشی ایرانی و گوناگون شدن این فن در دوره هنرستان ایران و تاتار و هنرستان تیموری بدرجه کمال رسیده او تقدم خود را در این خصوص باعلی درجه اعتبار رسانیده و پس از آن این استاد زبردست توانسته که بقدرت عجیبه و زبردستی و مهارت فوق العاده خود در تناسب فنی و ترکیب نقاشی و رنگ آمیزیها و مراعات اصول طبیعت و ملاحظه بکار بردن نکات و دقائق و اسرار صورت اشخاصی که کشیده و کار نموده آنها را تمامی متناسب با عملیات و حالات روحیه آنها قرار دهد.

۱-مراجعه بپانلوی ۲۵ شکل ۳۳

۲ - مراجعه بپانلوی ۲۴ و شکل ۳۲ و مطابق با Binyon, Wilkinson & Gray: *Wiet: L'Exposition persane de 1931* ص ۷۴ - ۷۸
۳-مراجعه ب مقاله ای که استاد اتینگهاوسن Ettinghausen در فصل دایره المعارف الاسلامیه صفحه ۴۰ - ۴۲ از نسخه فرانسه نوشته و مطابق با Arnold: *Painting in Islam*

ما میتوانیم بگوئیم که بهزاد بواسطه تمام این عملیات توانسته که خوشنودی و رضای خاطر معاصرین خود را فراهم نماید و بشهرتی برسد که هیچک از اساتید فنی دیگر در دنیای اسلامی با او برابری ننمایند. (۱)

قاسم علی :

در این موقع استادی دیگری در نیمه دوم قرن نهم (۱۵ م) در هرات به حد کمال رسید که برای مورخین فنی اسلامی نام او ناشناخت و مجهول مانده و گاه میشود که بین آثار و کار او با آثار و عمل بهزاد اشتباه میکنند حتی اینکه استاد (ساکسیان) برای تحقیق و رسیدگی تصویری که از استاد مذکور نمایش داده و اعضایی که منسوب باو دانسته بخطا رفته و خطای او آشکار شده.

در نسخه خطی از اشعار خمسه نظامی که تاریخ آن ۸۹۹ (۱۴۹۳) است و اکنون در موزه بریتانیا بایگانی شده اعضا (قاسمعلی نقاش) در تصویری از این نسخه رقم شده که برای اعضا دروغی منتسب به بهزاد هم وجود دارد. (۲)

با وجود اینکه اعضای قاسمعلی جز در یکی از هفت صورت از صور این نسخه بظهور نرسیده ساکسیان عقیده دارد که شش صورت در این نسخه تصویری باشد که مدرسه دره‌های آزاد را نشان میدهد. (۳)

در اینجا معلم بیری دست دراز نموده تا کتابی را که یکی از شاگردان باو نشان میدهد بگیرد و این شاگرد که آنرا زحمت رنج و تعب لانفر و ناتوان نموده و حالت خواب و بینگی برای او دست داده و دوشاگرد دیگر که داخل در موضوعی شده اند که هیچگونه علاقه و پیوستگی بدرس و بحث ندارد و آن دو دختر جوان که بنحوی از غنج و دلال و شرمندگی و انفعال در گشتار با همکار خود استعانت و یاری میجویند و درخت کاج پر شاخه ای که بر سر مسلم رسا کشیده شده. اینها از جمله آثار جمیله و زیبایی است که - کاتبان - در این نسخه دیده می شود. و به جانب خرد می کشانند.

۱ - در اینجا نموده تصویر. - علی و بهزاد عمل و بر سه

۲ - در اینجا تصویر. - قاسمعلی نقاش. - در سال ۱۲۷۴ هجری قمری

۳ - در اینجا تصویر. - در سال ۱۲۷۴ هجری قمری

و نیز از جمله صور زیبا و ممتاز صورتی است که جمعی از زنان را در خزانه حمام نشان میدهد که برخی از ایشان در حال طرب و شادی بوده و عود مینوازند و یکی از آنان دست رفیق خود را گرفته و او را برای فرود آمدن در آب میخواند و از روزنه ای که ببر که آب و خزانه حمام پیوسته است نظریگانه بجانب آنها نگران شده و در طرف چپ این صورت باغی است که در آن پدرختهای سرو و نیم درخت های گلداز و پرشکوفه نمودار است. (۱)

امضای قاسمعلی در صورتی از نسخه خطی کتابخانه بودلیان اکسفورد بدست آمده که تاریخ آن ۸۹۰ هجری (۱۴۸۵) است و این صورت جماعتی از صوفیه را نشان میدهد که در باغی گرد هم بر آمده بصحبت و اختلاط مشغولند (۲).

در هر صورت صوری که در نمایشگاه ایرانی لندن بنمایش گذارده شده ۱۹۳۱ مؤید مطالبی است که مورخ مشهور (خواند امیر) (۳) از قاسمعلی ذکر کرده و مهارت فوق العاده او را در ترکیب و طرز رنگ آمیزی و طرح و رسم صور اشخاص اظهار نموده.

از جمله کسانی که از شاگردان بهزاد نقاش اشتهار یافته اند شیخ زاده خراسانی و میر منصور سلطان و آغا میرک و مظفر علی است که عنقریب در فصل آینده از ایشان سخن بمیان خواهد آمد (۴).

هنرستان بخارا

قرن دهم هجری

هرات در سنه ۹۱۳ (۱۵۰۷ م) در دست غارتگران و یغماتیان از بک که در رأس ایشان خان شیبانی بوده سقوط نموده و حاکم هرات که در آنوقت (امیر بدیع -

۱ - مراجعه ب تابلوی ۲۹ شکل ۳۸

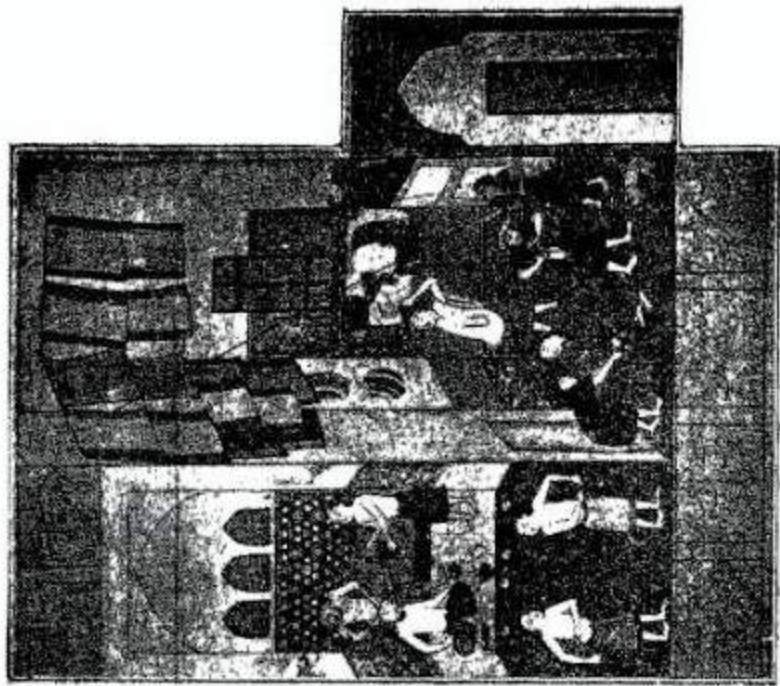
۲ - مراجعه ب تابلوی ۲۰ شکل ۲۷

۳ - مراجعه ب Arnold Paloting in Islam و Binyon و Wilkinson ص ۱۳۹-۱۴۰

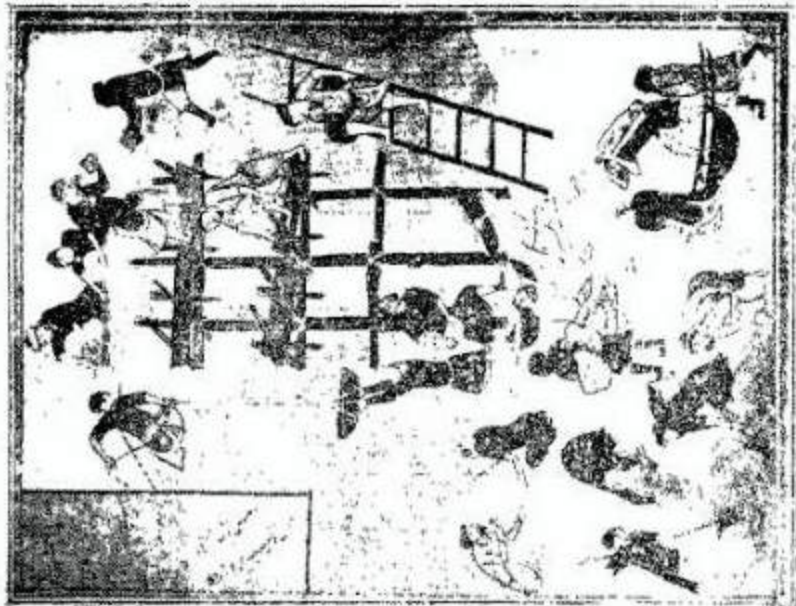
ص ۱۹ Gyaryibid &

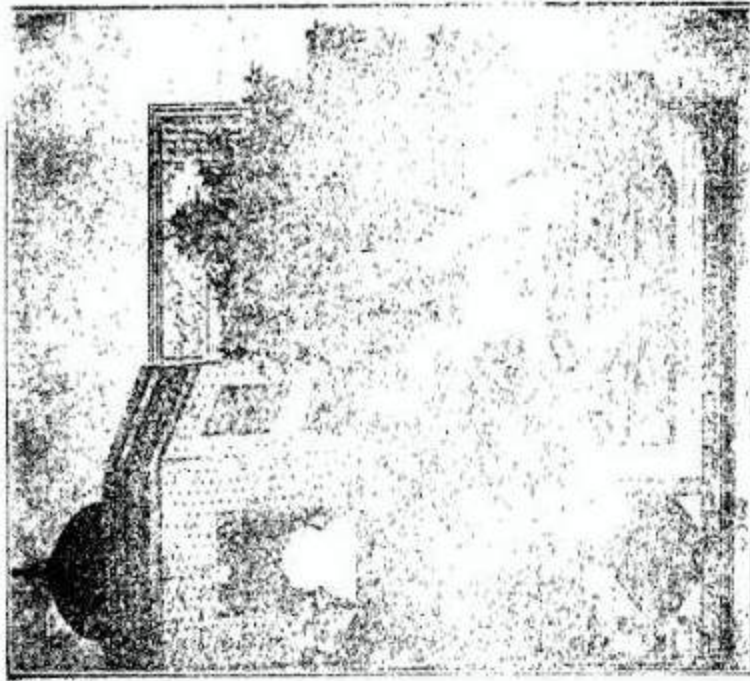
۴ - مراجعه ب. Arnod ibid. ص ۱۴۱-۱۴۵

شکل ۳۶ - منظره در حمام (کرمات)

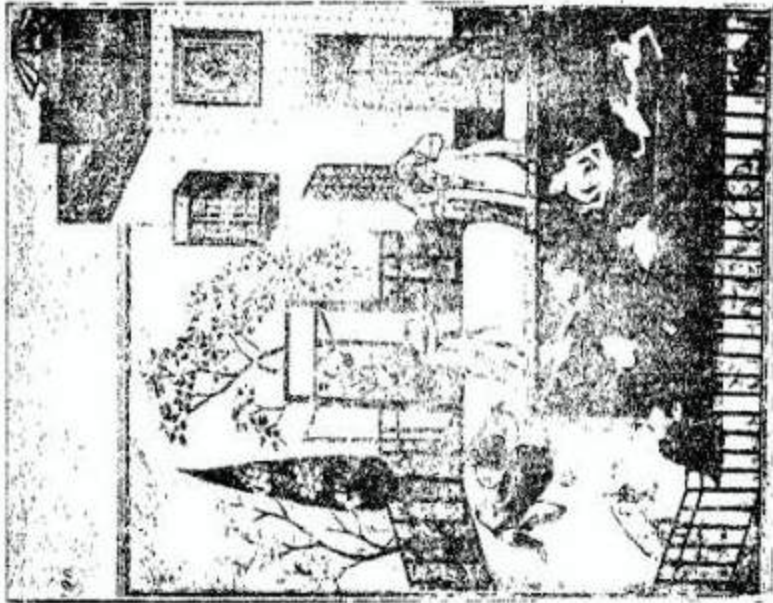


شکل ۳۷ - بازی مسجد از نسخه خطی موزه بریتانیا





شکل ۲۹- آموزشگاه در موزه آزادی
موزه بریتانیا



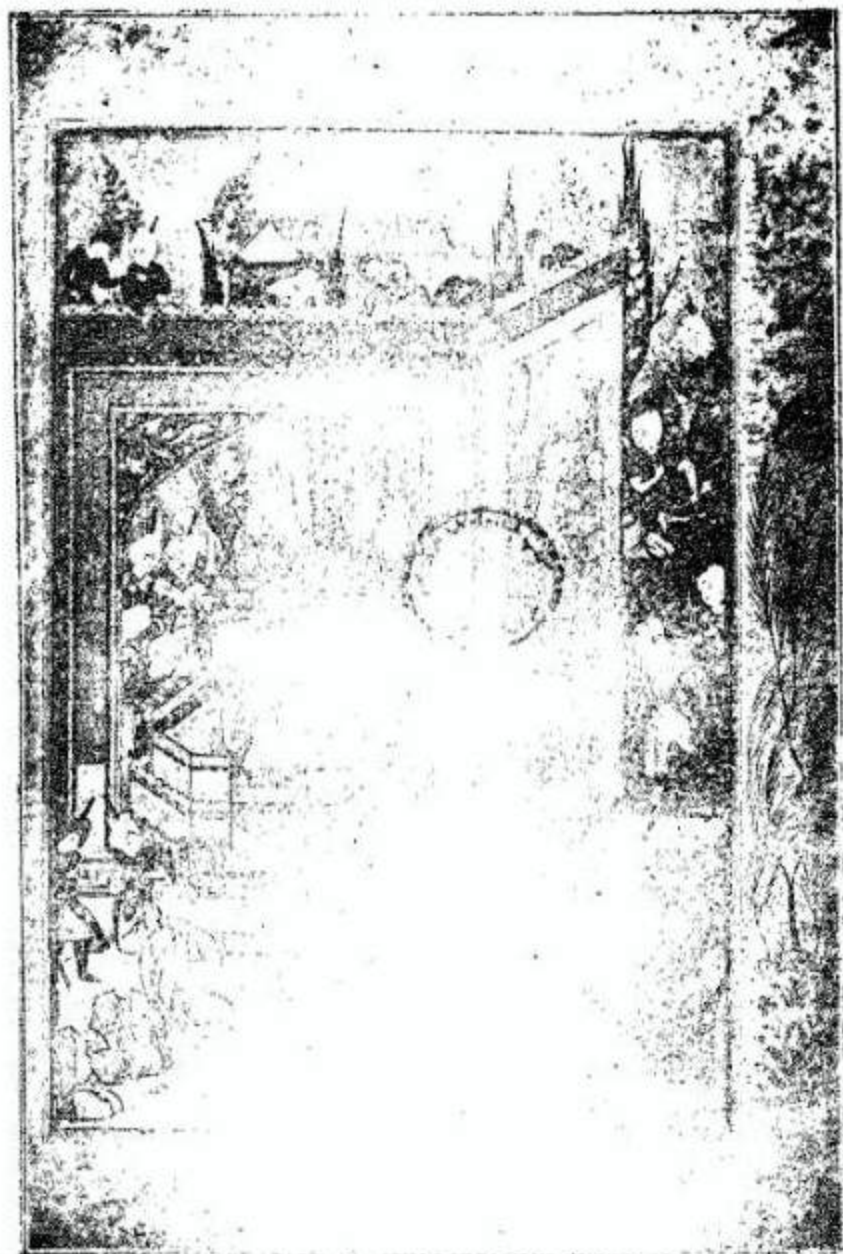
شکل ۲۸- زیاده در حمام و نظر بیکانه بایشان
عبد قاسم علی سنه ۸۹۹ هـ از نسخه خطی خمسه نظامی سلطان حسین میرزا - موزه بریتانیا



شکل ۴۰ پیرزن و داد خواهی آواز سلطان سنجبر عمل محمود مذهب شهرستان بخارا
کتابخانه ملی پاریس



شکل ۱: سلطان سنجر هنرستان بهار اصفهان - حدود دهه ۵۰۰ هجری قمری - از مجموعه آثار اسرار نظامی
کتابخانه ملی پاریس



شکل ۴۲ تاجک‌نژادی خسرو هدی و پیران هنرستان در آویزنده خطی نظام‌شاه علم‌اسب موزه بریتانیا



شکار و ماهیگیری در باغستان شاهنشاهی قاجاریه (نسخه خطی شاه طهماسب موزه پرشیا)

الزهران) بوده به تبریز فرار نمود.

اگرچه سرآمد و رکن ایشان که (بهزاد) بود در هرات ماند در هر حال غلبه و پیشرفت شیبانی‌ها چندان دوام نیاورده و طولی نکشید که شاه اسمعیل صفوی بحکومت آنها خاتمه داده و امیر ایشان محمد خان شیبانی را در جنگ مرو سال ۹۱۹ هجری شکست داد ۹۱۶ هـ (۱۵۱۰ م) سپس خراسان را به تصرفات خود ضمیمه نمود ولی این تمدن و ترقی هرات بآن پایه و درجه باقی نماند. شیبانی‌ها که در سمرقند و بخارا حکومت می‌نمودند از بین رفته و از بلاد ماوراءالنهر چیزی در دست ایشان نماند خراسان هم روی خود را بجانب تبریز گردانیده و بسیاری از هنروران و اساتید فنی بطرف تبریز گرائیده و مهاجرت گزیدند و نیز مردمی زیادی از دیگر مردمان سمرقند و بخارا هجرت نموده و برخی از ایشان در هرات ماندند چنانکه نسخه‌های خطی چندی که در اوایل قرن ۱۱ (ثلث اول از قرن ۱۶) نوشته شده بر آن دلالت دارد و بر یکی از صور آن نام (محمد مؤمن) رقم شده (۱).

در سال ۹۴۲ (۱۵۳۵) دوباره مقدور شد که از بک بر هرات استیلا یافته آنجا را غارت کند لذا از بکها بآنجا تاخت و تاز نموده و تمامی آن حدود را بمعرض نهب و غارت در آوردند و در اثر آن بسیاری از بقایای رجال فنی و هنرپیشه‌گان که در هرات بودند ببخارا مهاجرت نمودند، شاید چیزی که آنها را برفتن ببخارا بیشتر تشویق می‌نمود آن بوده که مردم خراسان بعد از فتح صفویه پیرو مذهب شیعه شدند و از احتیاجی که باین مذهب داشتند پذیرفتار این مذهب گردیدند در صورتیکه شیبانی‌ها مانند اسلاف و گذشتگان خود از تیمور و جانشینان او سنی بودند.

آنچه که معروف است تعداد تصاویر هنرستان بخارا کم و اندک است ولیکن با وجود این در نمایشگاه صنعتی ایران در لندن ۱۹۳۱ بین اشیاء نمایشی مقداری زیاد از آن تصاویر را بمعرض نمایش گذاشته بودند و بعضی از تصاویر نامبرده کار استاد صورتگر (محمود مذهب) بود که در سر استادان این هنرستان قرار داشته و سرآمد اساتید هنر بوده.

علاوه بر این بدیعتر چیزی را که ما از کار این استاد هنر میشناسیم تنها صورتی است که در نسخه خطی کتابخانه ملی پاریس موجود است و آنرا جهت قسمتی از منظومه خمسه نظامی (مخزن الاسرار) کشیده این نسخدر اواخر سال ۹۴۴ (۱۵۳۷) خطاط مشهور (میرعلی) نوشته لیکن تاریخ آن چیزی که در آن است ۱۰۵۳ هجری (۱۵۴۶ م) میباشد که در آن صورت (سلطان سنجر سلجوقی) را کشیده و شاه با حواشی و اطرافیهای خود براهی روان است و پیرزنی دامن سنجر را گرفته و دادخواهی میکند تا ستمی را که بوی رسیده بازخواست نموده و رفع آن ناروائی را از وی بنماید (۱).

صوری که در نیمه اول قرن دهم هجری (۱۱۶۰ م) در بخارا کشیده شده بواسطه ثابت بودن رنگها و تابش آن و پدیداری اثر بهزاد در آنان از دیگران ممتاز گردیده و این موضوع تعجبی ندارد زیرا که هنرستان بخارا جز در طول و اعتداد دوره تیموری نبوده و از اولین نمونه آن نسخهای از (بوستان سعدی) است که در کتابخانه ملی پاریس موجود است و نیز کتابی است که در سال ۹۶۴ هـ (۱۵۵۵ م) در بخارا نوشته شده و با تصاویر زینت و آرایش بازه که شباهت بسیار بکار بهزاد در نسخه بوستان سعدی دارد که در دارالکتاب (دارالکتاب) موجود است (۲).

کتابخانه نظامی پاریس در سال ۱۸۵۱ (۱۲۷۰ قمری) و بهزاد است که جزء کتب کسبرین (کتابخانه کسبرین) است و در سال ۱۸۵۱ (۱۲۷۰ قمری) در بخارا کشیده شده و بهزاد است که در سال ۹۸۳ (۵۷۵) میگردید و در آن نسخه شاهان و پادشاهان و ملوک و حاکمان و سیمای مردم و در آن نسخه با یکدیگر برخورد و ملاقات میکنند و بر آن اعضای اسرار و در آن (عبدالله نقاش) است که در صورت مذکور تمام مزایا و خصایص فن نقاشی اواخر قرن نهم هجری (۱۱۵۰ م) موجود است.

۱ - لوحه به شکل ۴۰ و ۴۱ که در آن ملاحظه سر پوشها در صورت مدرسه بخارا بعمل میآید که از کلاههای بلند تراشدار بوده عمامه در قسمت زیرین خود ادامه دارد. مراجعه بصورت (بزرگ و سلطان سنجر) L. Bayon the Poems of Nizami ص ۱۵

۲ - Blochet : Les Enluminures - دو جلدی ۵۷ و ۵۸

حق این است که نقاشی در بلاد ماوراءالنهر دامنه وسیعی نیافته و مدت زیادی در آنجا رونق و جلا نداشته معذالك هنرستان بخارا جمود و وقفه و عدم تنوع و تطور خود را حفظ نموده و در آن فنا و اضمحلال و نظوری که در قسمت نقاشی و طرز و اسلوب آن در دوره صفویه از نیمه قرن دهم شروع شده او بحال خود باقی مانده و این وضعیت را محفوظ داشته .

خلاصه بهرطوری که بوده دوره نقاشی بخارا تقریباً در انتهای قرن دهم خاتمه یافته و بلاد ماوراءالنهر از هنر نقاشی ایرانی غریب و بیگانه میشود چنانکه قبل از سقوط و انقراض تیموریان هم آنجا باین فن بیگانه و ناشناس بوده است .

فصل ششم

هنرستان صفویه

دوره فرمانفرمایی و سلطنت خانواده صفویه در ایران عصر رفاهیت و روزگار آسایش و خوشگذرانی و فراوانی نعمت و زمان ترقی و پیشرفت هنر و صنعت است در این عهد پیشرفت ها و تحول زیادی در فنون و هنر رخ نموده و صنایع و فنون هراتی عمده را پیموده مخصوصاً هنر نقاشی در نیمه اول حکومت طولانی این دودمان بدرجه بلندی از ابداع و تازه کاری و استواری رسیده و برای آن تعجبی نیست زیرا که استیلا شاه اسمعیل بهرات (۹۰۷ - ۹۳۰) - (۱۵۰۲ - ۱۵۲۴) و مهاجرت اساتید پیشه و هنر بیای تخت شاه در تبریز پس از آن انتخاب و تعیین (بهزاد) از طرف شاه بمديريت كتابخانه شاهي كه در آن وقت شبيه ترين چيزها بيك * هنرستان پیشه و هنرهای زیبا * بوده مستلزم این گونه پیشرفت بود و گوئیم كه اینها تمامی باعث بر تاسیس و ایجاد هنرستان نوینی بود كه در سر آن بهترین خوشنویسان و نقاشان و سرامدان هنر قرار گرفته و آنان مابین هنروران هرات گلچین و برگزیده بودند و از اینجهت روابط استواری بین فنون هنرستان صفویه در آغاز پیدایش آن و بین تفالید و تبعیت فنی در دوره ابكه بهزاد و همكاران و هنر آموزان زمان اویدان برتری و تفوق یافته بودند پیداشده

با این وصف جنگهایكه همواره شاه اسمعیل بآن دچار و گرفتار بوده بهره و نصیب او را در استوار نمودن این كار و تقویت آسایش پیشه و هنر كمتر از سهم و نصیب پسرش شاه ظهاسب نموده كه بعد از وی بر فراز دیهیم و تخت ایران جانشین او گردیده ۹۳۰ هجری (۱۵۴۲ م)

شاه طهماسب تا سال ۹۸۴ (۱۵۷۶ م) در ایران فرمانروایی و شاهی داشته و خودش هم نقاشی زبر دست و توانا بوده و هنر صورتگری را از نقاش معروف «سلطان محمد» فراگرفته و بین او با بهزاد و آغامیرك رابطه ای شایسته و دوستی و صداقتی ممتاز و پسندیده بوده (۱)

معروف است که کوچک شماری و استحقاق یا تحقیر و بی اعتنائی بنقاشان و هنرپیشه گان در خانواده صفویه تقلیل یافته و اهمیت پیدا نمودند در صورتیکه پیش از آن حق آنها ضایع و جاه و منزلت ایشان بست و بی اهمیت بوده و اعتنائی باین هنر پیشه گان نمی نمودند و این تحول راباث و سبب چنین شد که امراء و بزرگان رجال دولت و اشراف کشور در جمع آوری عمل و آثار هنرپیشه گان پیروی نموده و اهتمام زیاد در نگهداری آن بخرج میدادند و در دنباله این کار نسخه های خطی و زیبا و نفیسی بوجود آمد که هر کدام دارای شماره ای بسیار از نقوش و صور بودند (۲)

در نقاشی های دوره صفویه شکوه و عظمت این عصر و ابهت و جلال این زمان هویدا و آشکار خواهد شد و بیشتر موضوعی که برای کشیدن تصاویر و طرح صور نقاشی گرفته شده وضعیت زندگانی و چگونگی حیات درباری و طرز روحیات طبقه اشرافی و رسم کاخهای زیبا و باغات دلگشا و شاداب بوده صور اشخاصی که در این تصاویر ترسیم شده تمامی باقامت های رسا و قدرعنا و پوششهای فاخر و زیبا امتیاز یافته اند ولی رسوم آنها منتهی درجه در نازک کاری و دقت و تناسب است چنانکه رنگهای آن تنوعی زیاد داشته و آمیزش آن بمناسبت شده و در میانه آنان رنگهایی روشن و تابان و فرح افزا و درخشان است و از جمله الوانی است که هنرستان تیموری بدان امتیاز و اشتباه یافته

در این تصاویر رنگهای مناسب و ملائمتر دیگری وجود دارد که در مورد آن

۱ - مراجعه شود به Sakisian : La ص ۱۱۹ و Blochet ; notice sur la

Miniature Persane collection Marteau ص ۱۲۷ - ۱۳۸

۲ - مراجعه شود به فصل اول کتاب Painting in Islam سر توماس اراوله

جز توجه بظاهر و برآگزیدن موضوعات صور و تناسب و ترکیب تصویری بطور کلی نیست (۱)

از جمله چیزی که مشخص و مبین نقاشیهای دوره صفویه است مخصوصاً آنچه را که پیوسته بازمنه اوایل آن میباشد لباس و پوشش سر اشخاص است که آن عبارت از عمامه‌ای است که بحالت استداره و گردی درست شده و از بالای آن علامت یا میله کوچکی سرخ رنگی نمودار میباشد و در هر تصویری که وجود اینگونه علامت مشاهده شد دلالت دارد که نقاشی آن مربوط بدوره خاندان صفویه بوده اگر چه بود و نبود غیر آن مستلزم این نیست که صورت مربوط بغیر این دوره و زمان باشد.

ظاهر این است که علامت نامبرده در آغاز کار از شمار افراد خانواده صفویه و بیرون آنها شمرده شده و رنگ این علامت همیشه سرخ بوده چنانکه در تصاویر یکه مربوط با اوایل عصر صفوی است این علامت دیده میشود ولیکن اهمیت و لزوم آن چندان دوام نیافته و طولی نکشید که کمی و تقلیل پذیرفت و خود مردم بانقاشان رنگ آن نشانه را در موقعی که قدمت خانوادگی صفویه پابرجا گردید و گذشته و متروک داشتند چنانکه ترك نموده و برای آن مجال مقاومتی نماند حتی اینکه برای ما ممکن است که هم بعد از وفات شاه طهماسب این علامت را بکمی و ندرت دیده و مشاهده کنیم (۱۹۷۶ - ۹۸۴ هـ)

- از جمله چیزی که قرن دهم هجری (۱۶ م) در تاریخ نقاشی ایران بآن امتیاز یافته وحدت سیاسی دوره صفویه در صنایع مختلفه و این نواحی مختلفه و متفاوت است که این موضوع در هر جا اختلاف و تفرقه را از بین برده بطوریکه تمیز و تشخیص مابین تصاویر یکه در شرق دولت امپراطوری کشیده شده یا تصاویری که در غرب و مرکز کشور تهیه نموده اند مشکل گردیده زیرا استادان فنی و هنروران در تمام اطراف و نواحی یا گوشه و کنار کشور امپراطوری از سرآمدان هنر و نقاشان دربار تبریز و قزوین پیروی و تقلید مینمودند و در این بین جز تفاوتی اندک بین محصولات فنی و کارهای دستی استادان در بخشهای مختلفه کشور دیده نمیشد.

در آنجا چندین نسخه خطی وجود دارد که تصاویر آن دوره انتقال از مدرسه تیموری هرات را بزمان شاه اسمعیل و پسرش شاه طهماسب نشان میدهد و از مهمترین نسخه های خطی نسخه ایست که در کتابخانه ملی پاریس موجود است و آن نسخه در هرات برای امیرعلیشیر نوائی در سال ۹۳۵ هـ. ۱۵۲۷ م نوشته شده و احتمال دارد که آنچه از تصاویر در این نسخه اضافه شده در تبریز بدست بهزاد و شاگردان آن انجام گرفته باشد (۱)

در موزه «متروبولیتان نیویورک» نسخه خطی زیبا و نفیسی از منظومه خمسه نظامی است که آنرا سلطان محمد نورخوشویس بزرگ مشهور نوشته و در آن پانزده تصویر کشیده شده که هر کدام بازنگهائی زیبا و تابان شایسته و ممتاز گردیده و بر سوم فنی و تزینائی اعلی و آرایشی لطیف و دقیق امتیاز یافته و شخص نمیداند بکدام يك از رموز و دقایق یاریزه کارها و ظرایف آن اظهار تعجب بنماید :

آیا بصورتی که لیلی و مجنون را در مدرسه نشان داده و در آن بیتی بفارسی نگاشته شده که از معلم درخواست میکند : « باین دخترک خرمائی هو که صاحب موی زیبا است جز گفتار خوش و سخنان دلکش و پسندیده که او بدان سزاوار است یاد ندهد » (۲) یا بهفت صورتی که « بهرام گور » را با هفت شاهزاده خانم « دختران سلاطین هفت کشور » که از دواج نموده و هریک از ایشان را در یکی از هفت گنبد یا کاخهائی که هر کدام یکی از رنگهای هفتگانه امتیاز یافته : « سیاه - زرد - سبز - سرخ - صندلی - سفید - کبود فیروزه » ملاقات و دیدن مینماید (۳)

مارتن عمل تصویر این نسخه خطی را به آغامیرك نسبت داده و ساکیان آنرا از محمود مذهب میداند (۴)

۱ - مراجعه به Binyon, Wilkinson & Gray : ۱۰۷ - ۱۰۸

۲ - مراجعه به Dimand : A Handbook ۳۶ - ۳۸

۳ - مراجعه به Dimand : ibid ۳۶ و ۳۸

۴ - L. Binyon : The Poems of Nizami ۲۷

۵ - مراجعه به Dimand : ibid ۳۶ - ۳۸ و Sakisian : La Miniature Persane

گذشته از این زیباترین کتاب نفیس ترین نسخه خطی قرن ۱۰ هجری (۱۱۶م) بطور کلی نسخه ایست که شامل منظومهٔ خمسة نظامی شده که آنرا بین سالیان ۹۴۶-۹۵۰-۱۰۲۹-۱۰۴۳) برای شاه طهماسب نوشته اند و بقلم خوشنویس و خطاط مشهور شاه محمود نیشابوری نوشته شده این نسخه به چهارده صورت و بمجلس بزرگ و زیبای عمده زیست شده و از نفیس ترین آثار تاریخی موزه بریتانیا از نفایس شرقی شمرده میشود و چندان تعجبی ندارد که آن از انفس نفایس شرقی شمرده شود زیرا که بر آن اعضای بزرگترین اساتید فنی و سرامدان هنر دوره صفویه که از آن جمله: سید علی - سلطان محمد - میرک - میرزا علی - مظفر علی است رقم گردیده - صفحات این نسخه تمامی بهواش و حواشی تذهیب شده که در آن نقش و نگار نباتی و رسوم حیوانات طبیعی و خیالی وجود دارد در اغلب صوریکه در این نسخه کشیده شده بر آنها امضاهائی است که گاه میشود از نگارش نویسندگان خود استادان فنی و سرامدان هنر نبوده و شکی نیست در اینکه اساتید مذکور با آنها معاصر بوده اند و ممکن است که بصحت این امضاها و توق پیدا نمود اگرچه استبعاد ندارد که تمام صورتها بقلم يك نقاش انجام گرفته باشد.

استاد بنیون Laurence Binyon این تصاویر را با تحقیقات و تتبع کاملی در موضوعات منظومهٔ خمسة نظامی نشر داده (۱)

بنج صورت از تصاویر این نسخه را به میرک نسبت میدهند و واقعش این است که مصادر تاریخی ایران و ترک سه نقاش را باین اسم نام برده اند:

اول - خواجه میرک که در هرات اواخر قرن نهم هجری (۱۵ م) زندگانی مینموده و در زمان استیلاء محمد خان شیبانی بر هرات در آن شهر وفات یافته

دوم - حاج میرک است که از خوشنویسان و خطاطان بخارا بوده

سوم - که از همه آنها مشهورتر است آغاه میرک اصفهانی اصل است که در دربار

شاه طهماسب در تبریز کار میکرد و با و صوری را که بنام وی امضا شده دو نسخه خطی

که ما درصدد آن هستیم نسبت داده اند (۱)

سام میرزا برادر شاه طهماسب در سنه ۹۵۷ - (۱۵۵۰ مینویسد آغا میرک نقاش دربار است که تالی ندارد و برای آن هیچ رقیبی نیست و اعالی مورخ ترک ذکر میکند که آغامیرک شاگرد بهزاد بوده و دوفتر از کبار مصورین و سرامدان هنر نزد او کار کرده و درس خوانده اند - آندویکی: سلطان محمد تبریزی است که بزودی از آن ناعبرده میشود - دیگری، شاه قلی است که در دربار سلیمان خان قانونی کار نموده

شکی نیست که مهارت و استادی و زبر دستی و استادی آغامیرک و مراتب آگاهی و دانائی او در فن نقاشی در این صور پنجگانه که یکی از نمایش کسری افوشیروان را داده که شاه کوش بگفتار دوجغدی میدهد که بایکدیگر روی خرابه های کاخی کهن سخن میرانند و نقاش آنها را بطرزی روشن و آشکارا نشان داده که بخوبی جالب نظر و توجه است و در صورت دوم دیده میشود که مجنون، ایلی را در در صحرا دیدن نموده و گرداگرد مجنون را حیواناتی از درندگان و وحوش بیابانی فرا گرفته و استاد صورتگر صورت آنان را در نهایت دقت باظرافت و زیبایی زیاد کشیده و در بین این سه صورت باقی مانده منظری است که در بار شاه و انجمنهایی را نشان میدهد که در آنان آثار عظمت و جلال نمودار است (۲)

در این نسخه دو صورت را سلطان محمد نسبت داده اند. اول صورت خسرو است که ناگهانی در حالت تن شوئی و استحمام بیالای سر (۳) شیرین رسیده و دومی بهرام گور است که بشکار شیر مشغول شده و این دو صورت برای هتئات و قوت ترکیب و رنگ آمیزی کافی است که بالاتر از آن در این مورد تصور نمیرود و نیز مراقبت و دقت زیادی در این دو صورت نسبت به تناسب آن با طبیعت و مراعات اصول طبیعی بامهارت فوق العاده در رسم صور آدمی و حیوانات مخصوصاً اسب بعمل آمده و در خود نسخه تصویر دیگری است که پیرزنی را مینمایاند که از سلطان سنجر داد خواهی

۱ - مراجعه شود به Sakisian : La Miniature Persane ص ۱۰۹ و ما بعد آن

۲ - مراجعه بپابلوی ۳۱ شکل ۴۲

۳ - مراجعه بپابلوی ۳۵ شکل ۴۶

نموده و از سلطان میخواهد تابستمی که باو رسیده رسیدگی و دادرسی نماید .

حیواناتی که در این صورت کشیده شده با تفصیل دیگران مارا و ادار نمیتواند

که با استاد ساکسیان در نسبت دادن آن **سلطان محمد** موافقت نمائیم (۱)

علاوه بر این هاقسمتی از تاریخچه زندگانی این استاد را میشناسیم مخصوصا

بعد از اینکه ساکسیان اشتباه چیزی را که هارتن (۲) از وی نوشته بشود رسانیده در

هر صورت تصویری که بنظر ما رسیده متضمن این است که حرفهای زیادی در باره

آن بگویند .

شاید بدیعترین صورتی را که سلطان محمد تصویر نموده و حرکت دارتر

و سبکروح تر از همه و خوش طراح تر از تمام کارهای او صورتی باشد که در نسخه خطی

از دیوان حافظ کشیده .

استاد نامبرده در این تصویر مجلس بزم و باده گساری را نمایش داده که در آن

بیاله هادوزرده و مردمی بعیش و نوش مشغول و دیگران بحالت رقص و طرب در آمده

و بعضی از فرط شغف بروی زمین میغلطند و اشخاصی دیگر دیده میشود که از اثر باده

بحالت مستی در آمده و کف بلب آورده اند و شیخی را نشان میدهد که آینه در دست

گرفته و صورت خود را می بیند و فرشتگان نیز در کار باده نوشی شرکت نموده

و از کنگره ای که مشرف بر دیگران است اشتراك میجویند در حالیکه نوازندگان همه

را بطرب آورده و بین آنان سه صورت دیده میشود که شبیه تر از هر چیز بصورت

بوزینه بوده و در گوشه از این تصویر منظره باغی است که بغرفه پیوسته و اتصال دارد

و در آن مردی ایستاده که در دست او رشته درازی است که از طرفی يك سر آن بساق

بای وی پیچیده و سر دیگران بایریقی از نوشابه (شراب) بسته و پیوسته است (۳)

از جمله چیزیکه **سلطان محمد** نسبت داده اند صورتهای شاهنامه مشهور است

که اکثرن در کلکسیون (مجموعه) **بارون دی پرو** تشلید است این نسخه دارای ۲۵۶

۱ - مراجعه بنابلوی ۴۷ شکل ۴۸

۲ - مراجعه شود به Sakisian : La Miniature Persane ص ۱۱۰

۳ - مراجعه بنابلوی ۳۸ شکل ۴۹



چگون و کشاییدن آن بجانب منزل لیلی عدل میر سید علی نقاش - هنرستان صفویه
۹۵۰-۹۶۶ از نسخه خطی نظام شاه طهماسب در موزه بریتانیا



شکل ۴- معراج (هنرستان صفویه قرن دهم هجری) از خسه نظامی شاه طهماسب در موزه پریشانی



شکل ۴- آمین خسرو بالای سرشیرین در حالت تن شوئی از سلطان محمد نقاش - هنرستان
سفویه - از اسحه خطی نظامی شاه مایهاسب درموزه بریتانیا



شکل ۴۷ - مجلس وعظ از شیخ زاده منصور - هنرمندان صفویه در نیمه اول قرن دهم هجری
مجموعه کاریشه



شکل ۴۸- پیرزن و دادخواهی از سلطان سنج - عمل سلطان محمد نقاش - هنرستان صفویه (۹۴۶ - ۱۰۰۰ هجری)
 نسخه خطی نظامی شاه طهماسب در موزه بیرشاپ

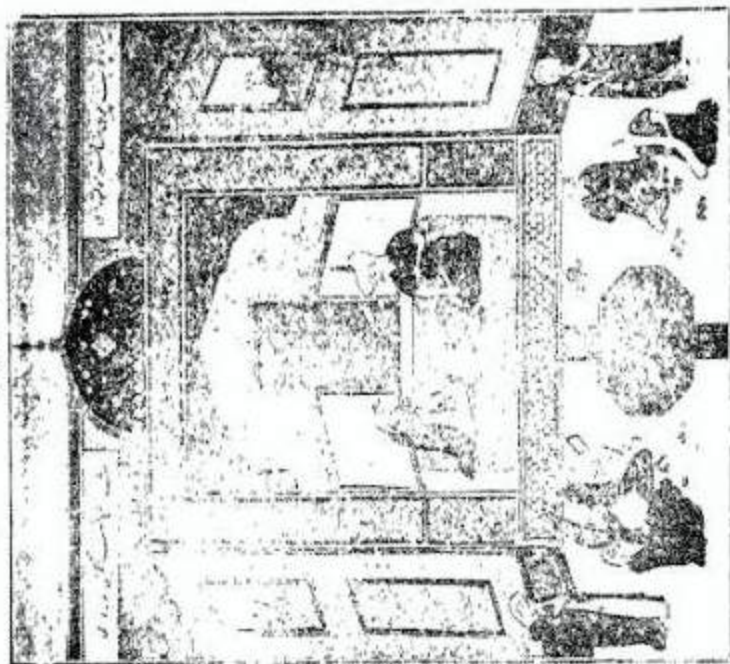


شکل ۹-۴. مجلس پادشاهی اردشیر در آستان صفویه در آستان دهم هجری و چو غا کارینه

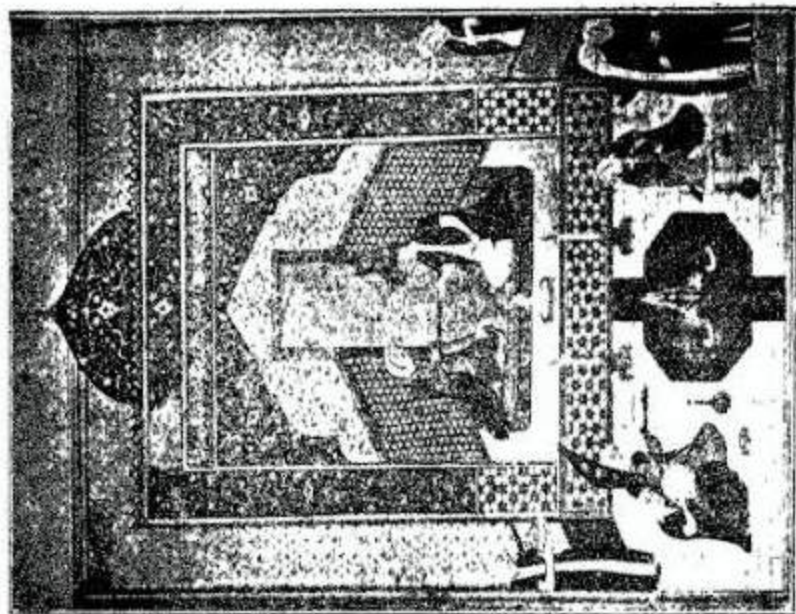


شکلی - - - - - صورت امیر از سلطان محمد قاضی با حضورستان او در حدود سال ۱۳۵ هجری
گیاخانه ملی لندن کی داد





شکل ۵۳- بهرام کور با یکی از بانوان خود در کاخ سیاه
عمل محمود، ملحد ۹۳۲ هجری از نسخه خطی کتابخانه ملی
پاریس منظومه میر علی شیرازانی



شکل ۵۲- بهرام کور با یکی از بانوان خود در کاخ سیاه
عمل میراث قش سال ۹۳۱ از نظامی خطی کتابخانه سلطنتی



شکل ۵۰ منظره دهاتی (رقعی) عمل محمدي نقاش موزه لوور

تصویر بزرگ است که در بین آنها مناظر بسیاری از صید و شکارگاه و میدان جنگ و کارزار دیده میشود.

بطوریکه برای ما معلوم شده یکوقت سلطان محمد مدیرت هنرستان نقاشی یا مجمع فنون جمیله تبریز را عهده دار بود، و او ضمناً بباقی فنون آرایشی و تزیینی توجه نموده و نقشه قالیچه‌ها و ظروف را میکشیده و تأثیر طراز و اسلوب فنی و صناعت او در اشکال انسانی که بر عنسوجات و پارچه‌های ابریشمین ایرانی در قرن دهم هجری (۱۶م) بکار رفته مشاهده مینمایم.

از جمله کسانی که جزو نقاشان درباری شاه طهماسب اشتهار یافته اند مظفر علی است که از کارهای او دو صورت در کتابخانه «لنین گراد» وجود دارد و صورتی هم در نسخه خطی موزه بریتانیا سابق الذکر است که تصویری از بهرام گور کشیده که یک تبر گوش گورخر را بسم آن دوخته تا اینکه برای دلبر خود (آزاده) مهارت و زبردستی و توانائی و قدرت خود را در کارشکار معلوم داشته و خاطر نشان او نماید.

مظفر علی شاگرد بهزاد بوده و برتری و بالادستی او در رقم و تصویر سورا شخص بدوست داشتن رنگ طلایی و بکار بردن آن در نقاشی محرز و ممتاز گردیده و این استاد نقاشی‌های لازمه و تصاویر قصرشاهی و تالار چهل‌ستون را در اصفهان عهده دار بوده (۱) در آنجا دو نفر نقاش ماهر بوده‌اند که برای ایشان اهمیتی بخصوص است و آن دو یکی میر سید علی و دیگری عبدالصمد است که دوری مهرا در دیدایش هندی و ایرانی در دربار هند بازی نموده‌اند.

میر سید علی اصلاً تبریزی بوده و در تصویر نسخه خطی خمه نظامی که برای شاه طهماسب درست شده و اکنون نسخه مزبور در موزه بریتانیا موجود است دست‌یاری و همکاری نموده و او در آن کتاب تصویری را کشیده که نماینده پیرزنی است که میجنون را بجانب سر آورده لیلی میکشاند او میجنون را بطنابی بسته و کودکان بوی سنگ میزنند لیلی نیز در جلوی خیمه خود نشسته او را می‌بیند - او در این تصویر خیمه‌های دیگری

دیده میشود زنانی که در آن خیام و سراپرده جا دارند و بکارهای پراکنده خانه‌داری و غیر آن مشغولند و نیز شبانانی دیده میشود که کله از کوسندگان را میچرانند و در دست یکی از شبانها چله است که میرسد و شبان دیگر بنواختن نی مشغول است (۱) و ظاهر این است که همایون امپراطور مغول در هند دو استاد مشهور و نقاش معروف میرسید علی و عبدالصمد را در تبریز دیده و آنوقتی بوده که همایون بآنجا پناه آورده و در دربار شاه طهماسب میزیسته و نیز بعد از محروم شدن وی از تخت و تاج هند بوده.

همایون را شکفتی عجیب از کار میرسید علی پیدا شده و باو *Nader al-Mulk* لقب داد. این دو نفر نقاش بعدها با امیر کابل پیوسته و در آنجا عمل ۱۴۰۰ تصویر بزرگ را برای قصه افسانه امیر حمزه ایرانی (درموز حمزه) ترتیب داده اند (۲)

همایون و پسرش بهترین سرمشق را در تصویر و فن نقاشی از میرسید علی و عبدالصمد گرفته و یکی بعد دیگری کار هنرستان نقاشی را که امپراطور اکبر تأسیس نموده بود بکمک شاگردانی از هندو اداره مینمودند و آنها در رسم صوری که همایون خواسته بود تشریک مساعی بخرج داده‌اند، ما عده زیادی از این صور را که روی پارچه و قماشها کشیده شده دیده‌ایم که اغلب آنها درموزه وین محفوظ است (۳)

از شاگردان هندو که این هنر را از آندو استاد فرا گرفته اند دو نفر بنام دارون و بازوان بحد کمال رسیده و نبوغ یافته اند ظن قوی آن است که میرسید علی با عبدالصمد یا آندو با یکدیگر پرده بزرگی را که در آن تصویر افراد خاندان تیمور است برای همایون طرح و ترسیم نموده‌اند و پرده مذکور اکنون درموزه بریتانیا محفوظ است و بر پارچه مانند صور افسانه امیر حمزه رسم شده ولیکن حالیه بطرزی شایسته و واضح روشن نیست تا در رسیدگی و تحقیق آن بتوان دقت و توجه نمود.

در اینجا آنچه که برای ما باقی مانده پیش از پایان این فصل آن است که اشاره

۱ - مراجعه بشابلوی ۳۳ شکل ۴۴

۲ - مراجعه شود به Percy Brown: *Indian Painting Under the Mughals*

ص ۴۱، ۵۳، ۵۴ و Sakisian: *La miniature persane* ص ۱۱۶ - ۱۱۷

۳ - مراجعه شود به Die indischen miniaturen des Haemzae Romanes,

hrsg. von H. Glück, Wien 1925

بنقاشی نمایم که او مصور محمدی است این استاد فن نقاشی را از پدر خود سلطان محمد فرا گرفته و در کشیدن صور منظر ریفی و تصاویر دهاتی و برزگری و بر پدر خویش فرونی و برتری یافته و در حقیقت بیشتر چیزی که از کار محمدی بنظر ما رسیده مربوط باوضاع دهکده و مناظر طبیعی است و شاید بدیعترین تصویر آن برده نقاشی باشد که در موزه لوور محفوظ است و مربوط بسال ۹۸۶ هـ - و ۱۵۷۸ میلادی است و این تصویر نواحی مختلفه‌ای از زندگانی دهاتی را نشان میدهد و در آن صورت زارعی است که زمین را شخم زده و زراعت میکند و زارع دیگری است که در زیر درختی نشسته و پرندگان بالای سر آن درخت قرار گرفته اند و در نزدیکی آن دو تن شبانی است که بیاسبانی کله از گوسفندان مشغول شده و در دست یکی از آن دو نائی است که در حال نواختن است و در آن صورت دو خیمه دیده میشود که در میان خیمه هائ نانی هستند که بعضی دوك در دست گرفته و چله میریسند و بعضی پارچه میبافند و این رسم مانند دیگر ترسیمات (محمدی) تمامی رنگین نبوده بلکه کمی از آن دارای رنگ سرخ در سنگها و صور حیوانات است. (۱)

اما نقاشان دیگر که خبر اشتغال و کارداری آنان در زمان شاه طهماسب به ما رسیده در اینجا ما را مجالی برای تحقیقات حال ایشان بطور تفصیل نیست و همین بس است که ما بنام بزرگتران ایشان و معروفین و برجستگان آنان اکتفا نمایم، ازین ایشان : سید پیر نقاش و شاه محمد و دوست محمد و شاه قلی تبریزی است (۲)

۱ - مراجعه شود به Stchoukine: Les Miniatures Persanes س ۵۱

۲ - مراجعه بکتاب اسامی ساکبیاں برای شناسائی تراجم مصورین و نقاشان

فصل هفتم

عصر شاه عباس و جانشینان او

رضاعباسی و تاثیر اروپائی

شاه عباس بزرگ از (۹۸۵هـ - ۱۰۳۸ تا ۱۰۷۲ هجری - ۱۶۲۹ میلادی) در کشور ایران حکومت و شاهی داشته هنگامی که او بخت نشست تجزیه و انحلال یا فنا و زوال سراسر این کشور را تهدید مینمود، شاه عباس در شکست و هزیمت دشمنان خود موفق شد که گرد و غبار را از چهره و رخسار این مملکت پاک نماید و اسباب آبادی و عمران را در آن فراهم ساخته سزاوار قدردانی و سپاسگذاری رعیت خود گردد و نام او در تاریخ ایران نکته و رمزی از مجد و عظمت و آسایش و راحت و خوشگذرانی و امنیت باقی گذارد.

شاه عباس در سال ۱۰۰۹ (۱۶۰۰) پایتخت ایران را باصفهان برده و بر زیبایی و دلگشایی این شهر در اثر بریدن کوهها و هموار نمودن راههای زیاد و بر پا نمودن عمارات عالیّه افزوده و خوشنویسان و مذهبیین و نقاشان عالی مقام را بجانب آنجا کشانیده، اصفهان را جایگاه دانش و فنون و پیشه و هنر نمود، او پایتخت را بجنوب کشور انتقال داده و آنرا بدریای آزاد نزدیک گردانید، روابط با هندوستان و ممالک باختر را در آنجا ترقی و رشد و نما داده و ایران را بسفر و فرستادگان مخصوص و دستجات اعزامی از کشورهای مختلفه اروپا و انمود و معرفی کرد تجویز شاه و رخصت یا اجازه حکومت او بازرگانان و جهان گردان را برای آمدن باین کشور و دیدن و بهره مند شدن از مزایا و مناظر آن تشویق نمود و بطوریکه بسیاری از ایشان یادداشتهایی در آن دوره و زمان از خود نگاشته و گزارش گردش و سیر و سیاحت خویش را بیادگار گذاشته اند و در این آثار شگفت و حیرت خود را بنهضت بلاد ایران و پیشرفت های مهم این کشور وصف کرده و عادات و وضع سلوک و تقالید و اخلاق و رسوم را که دیده اند

بمورد بیان آورده و از برخی صور بدیعه و نقاشی های ممتاز و گزیده که در دیوار کاخها بآن زینت و آرایش شده بود سخن رانده اند. (۱)

در حقیقت شاه عباس توجه زیادی بتصاویر و نقش و نگار ابنیه و عمارات داشته که از آن صور بدیعه هنوز در دو کاخ سلطنتی اصفهان باقی و پایدار است. (۲)

در این تصاویر بسیاری از رسوم بطرح و اسلوب طراز نقاشی اروپا دیده میشود که با نقاشی ایران قرین و مجاور گردیده و محتمل است که جزو صنعت و کار یوحنا هلندی باشد که سالهای چندی در خدمت شاه عباس بوده (۲) ولی ما می بینیم که آخر دوره صفویه بتنوع محصول فنی و رنگارنگ شدن فنون و هنر امتیاز یافته زیرا پیدایش تاثیر فنی اروپا استادان ایرانی را از میدان تنگ کتابت و تصویر و کار تذهیب کتاب بمیدان های پهناور دیگری وارد کرده که در ترسیم صور مستقله و آرایش و تزیین ابنیه و دیوارها گرایده اند و بسیاری از آن نقوش و صور در دیوارهای عمارات و ابنیه آترمان هم اکنون بخوبی دیده میشود.

گذشته از این نقاشان آترمان توجه زیادی بتقاشی نسخه های خطی گرانها و تذهیب آن ننموده بلکه کشیدن تصاویر را با قلم بدون هیچگونه رنگ ترجیح داده و عمل سیاه قلم را معمول نمودند مگر اینکه بندرت بروش سابق رفته چون عمل ثانوی آنها کم خرج تر بوده و نقاشی را بدلهای مردم نزدیکتر مینمود و آشنایی و رغبت ایشان بآن زیادتر گردیده و در تقویت و پیشرفت آن اقدام نمودند و این کار تنها جهت درباریان و رجال دولت نبوده بلکه دیگران هم در این خصوص تشریک مساعی مینمودند ولیکن تمام این اهتمامات شکست و انحطاطی را که باین پیشه و هنر روی داده بود چاره نمینمود و بعدها دربارهم همراهی و نگهداری زیاد از نقاشان و اهل هنر نکرده بعلاوه مردم هم از تقویت و تشویق و مددکاری ایشان خودداری نمودند

۱- مراجعه به Th. Herbeet; Description of the Persian Monarcy و کتاب J. Chardin Voyages en Perse (Amsterdam) 1711

۲- مراجعه شود به J. Daridan et S. Stelling-Michaud; La Peinture - Sêfevide d' Ispahan (Paris 1930)

۳- مراجعه شود به Binyon, Wilkinsno & Gray; ibid ص ۱۵۴

لذا بسیاری از نقاشان در کار کردن از برای خود ناچار شدند، این موضوع باعث شده و معلوم می‌دارد که نسخه‌های خطی مصور و گرانها بعد از نیمه قرن دهم هجری رو بکمی و ندرت گذاشته و تقریباً از دیادصور و نقوش وضع تجارتی و کسبی بخود گرفته و بدون توجه و مراقبت زیاد در جواب تقاضای خواستاران که سرمایه و دارایی اندک و فروتنی و افتادگی زیاد داشتند کارهایی انجام می‌گرفت.

اما شناسایی ایرانیان بتصاویر اروپاییان و نقاشی آنان مربوط باوایل قرن دهم هجری (۱۶ م) میشود چنانکه گزارش آن از الیوم کتابخانه ملی پاریس بخوبی مشاهده خواهد شد که در آن بسیاری از رسوم و نقاشی دورر (Dürer) آلمانی تقلید شده و احتمال دارد که آنها را مبلغین مسیحی یا تجار و بازرگانان حمل و نقل نموده باشد (۱).

در مصادر ادبی و تاریخی از نقاشانی که تصاویر اروپایی و طرز کار آنها را تقلید نموده‌اند یاد آوری شده مانند شیخ محمد شیرازی که در کتابخانه شاه اسماعیل میرزا (۲) کار می‌کرده (۹۸۴-۹۸۵) (۱۵۷۶-۱۵۷۸ م) پس از آن بخدمت شاه عباس پیوسته ولیکن تأثیر صنعت غرب (اروپایی) در نقاشی ایرانی بطئی بوده و بکندی پیش رفته ظهور آن ابتدا در اختیار موضوعات و انتخابش زیاده‌تر از هر چیز در اسرار و دقایق اصل صنعت بعمل آمده بطوریکه ممکن است ما بگوئیم نقاشان ایرانی از کار و کردار نقاشی اروپایی اقتباس کرده و چیزهای زیادی را از آنان پیروی و تقلید نموده‌اند ولیکن ایرانیان از تمامی آنها چیزی را که شایسته و سزاوار بیان باشد هضم ننموده و بخود نگرفته‌اند مخصوصاً در نقاشی کتاب‌های خطی پیروی از روش و اسلوب قدیم کرده و با تقلید نمودن از هر طرز جدیدی مقاومت و پافشاری مینمودند. اگرچه تصاویر ایهت و اهمیت اولیه خود را از دست داده و بسیاری از متخصصین فنی نمیتوانستند چیزهای تازه‌ای بیاورند و تصرف بالابداعی بنمایند لذا بتقلید صور موجوده از مخطوطات

۱- مراجعه شود به Basil Gray: Persian Painting ص ۸۳

۲- او شاه اسماعیل صفوی اول (۱۵۰۱-۱۵۲۴ م) نیست چنانکه استاد گرای (Gray) (ص ۸۴

Ibid) تصور کرده بلکه شاه اسماعیل دوم ملقب بآبدل است. مشایق به Arnold: Painting in Islam

و نسخ قدیمه بطور تقلیدی نامعلوم اکثفا نمودند چنانکه ما این طرز را در تصاویری که در نسخه خطی منظومه یوسف و زلیخا کشیده شده و تاریخ آن ۱۰۲۹ هـ (۱۶۱۹ م) است ملاحظه مینماییم و هم اکنون نسخه آن در (دارالاثار العربیه) (۱) موجود است و در نقشه های نسخه خطی دیگری که در این موزه محفوظ است (۲) و شامل کتاب مثنوی جلال الدین رومی میگردد در یکی از صفحات این نسخه که جزء دفتر اول از آن کتاب است تاریخش این است که در سلخ شهر رجب ۱۰۱۲ هجری تمام شد (۱۶۹۴ م).

اما رسمها و صور مستقله ای که جزء افتخارات و امور مهمه این عصر است بعضی اوقات شناختن تاریخ آن بدقت مشکل است زیرا که در این بین تغییراتی طبیعی در طرز و روش این نقوش و رسوم پیدا شده مخصوصاً از وقتی که برتری و امتیازات در تصویر نسخه های خطی (محمدی) نقاش شروع گردیده که ما در فصل گذشته راجع بآن شرحی نگاشته و در اطراف کار او بیاناتی نمودیم این اسلوب همواره جاری و معمول بوده و از آن پیروی میشد تا اینکه نقاش بزرگ و استاد بلند پایه (رضای عباسی) پیدا شده و آنرا بدرجه اعلی از ترقی و پیشرفت رسانید چیزی که هست پوشش سرو عمامه و کلاه کمک زیادی بما در باره تشخیص تاریخ این صور و رسوم مینماید که در نیمه قرن دهم درست شده (۱۶۶) و نیمه قرن ۱۱ هجری هم بدینگونه است زیرا که عمامه در قرن دهم (۱۶۶) بحجم خود افزوده تا اینکه در آخر دوره شاد طهماسب خیالی ضخیم و بزرگ گردیده و ضمناً عمامه های دیگری بظهور آمده و ما می بینیم که جوانان شوخ و شنگ و زنان دلفریب و طناز در رسوم و نقوش و پرده و تصاویر این عصر پیدا شده اند صاحبان تصاویر در عمامه های خود گلها و شکوفه هایی که دارای بوته های ساق بلند است داشته یا اینکه در اطراف سر دستمال یا روسری مانند زنان دارند و گاهی جامه هایی پوشیده اند که با آن عمامه و دستار نوک تیز (مخروط) دیده میشود و در اول نیمه دوم از قرن یازدهم هجری (۱۷ م) بسیاری از مردها عمامه و کلاه های از

پوست گوسفندان بر سر مینهند که پشمهای از آن آویزان بود (۱)

از جمله چیزی که در نقاشی و رسمهای مربوط به قرن یازدهم هجری (۱۷ م) دیده میشود تبدل و تغییری است که در تصاویر اشخاص بظهور آمده و شخص تقریباً جز قامت های رسا و اندام رعنا نمی بیند و طرح و وضعی که خالی از تکلف است مشاهده مینماید بطوریکه در این صور اهمیت اشخاص را زیاد نموده و عده افراد را تقلیل داده مثلاً دیده میشود که در یک صفحه صورت یک نفر یا دو نفر کشیده شده در صورتیکه در قرن پیش تمام صفحه ها از یک عده زیادی از صور پهلوانان و اتباع و تماشاچیان و غیره پر بوده *

هم بدینگونه اساتید قنی آرایش های مرکبه و تزیینات مختلفه را که در دوره های گذشته بآن اشتها داشتند ترك نموده و بآرایش متن و زمینه تصویر بنیمدرخت های کوچک با بوته و شاخه های گلدار تنها اکتفا کرده و باین وصف رسوم و تصاویر انسانی در میانه آنها پیشرفت نموده و موقعیت و مقام اشخاص در نقشا ظاهر و آشکار میگردد چنانکه شوخی و مداعبه و کارهای تمسخری بطوریکه در عمل کاریکاتورهای جدید معمول است در آنان بظهور رسیده .

در موزه «متروپولیتان نیویورک» دو نسخه خطی از شاهنامه است که بزمان شاه عباس مربوط است و در آن صورتهای زیادی دیده میشود .

نسخه اول تاریخ آن ۹۹۶ هجری (۱۵۸۷-۸۱۵) است که در آن چهل تصویر بزرگ کشیده شده در صورتیکه نسخه ثانی تاریخ آن از سال ۱۰۱۴ تا سال ۱۰۱۶ است (۱۶۰۵-۱۶۰۸) و در آن ۸۵ صورت بزرگ وجود دارد که بقلم استادان ناشناخت و غیر معروف انجام گرفته .

اسناد دیمند (Dimand) عقیده دارد صور اشخاص و مناظر طبیعی که در این دو نسخه کشیده اند از اصل طبیعت نقل شده و در آن آنها بسیاری از اوصاف و مشخصات صوری دیده میشود که منتسب با استاد معروف «رضای عباسی» است (۲) . در واقع

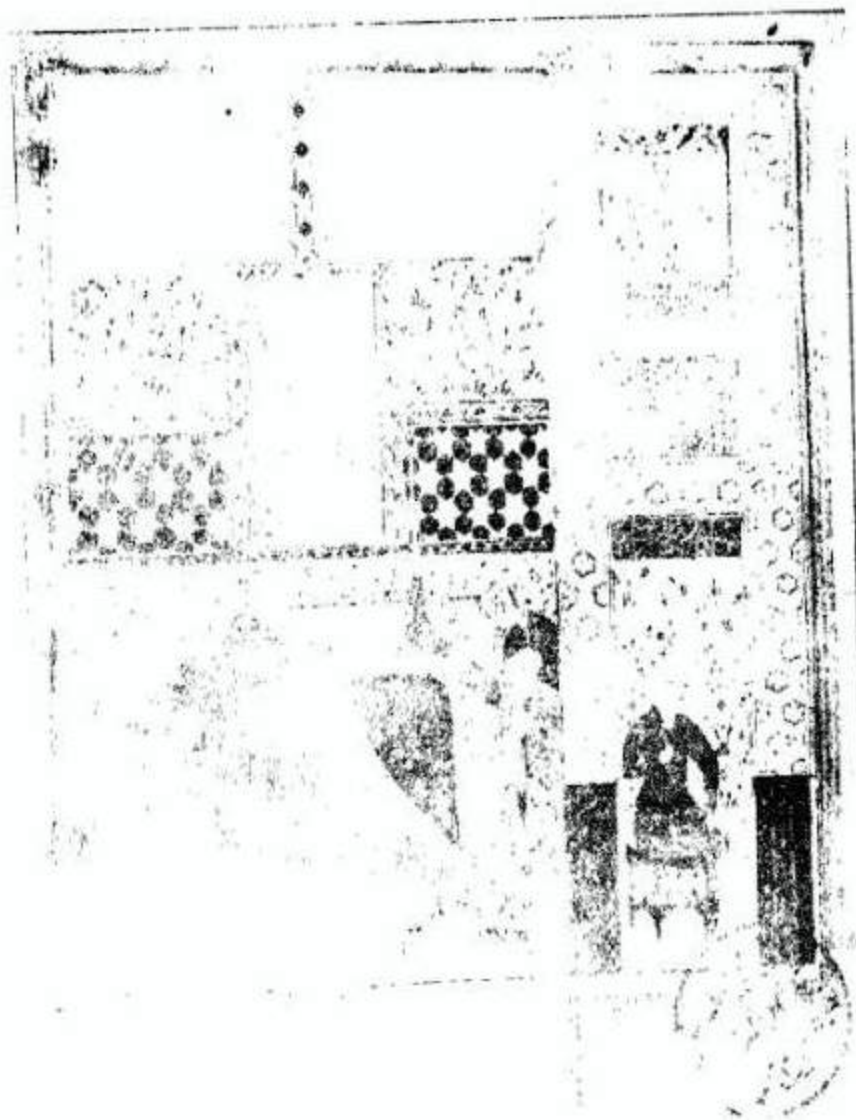
۱- مراجعه شود به Binyon; Wilkinson & Gray : ibid ص ۱۵۵

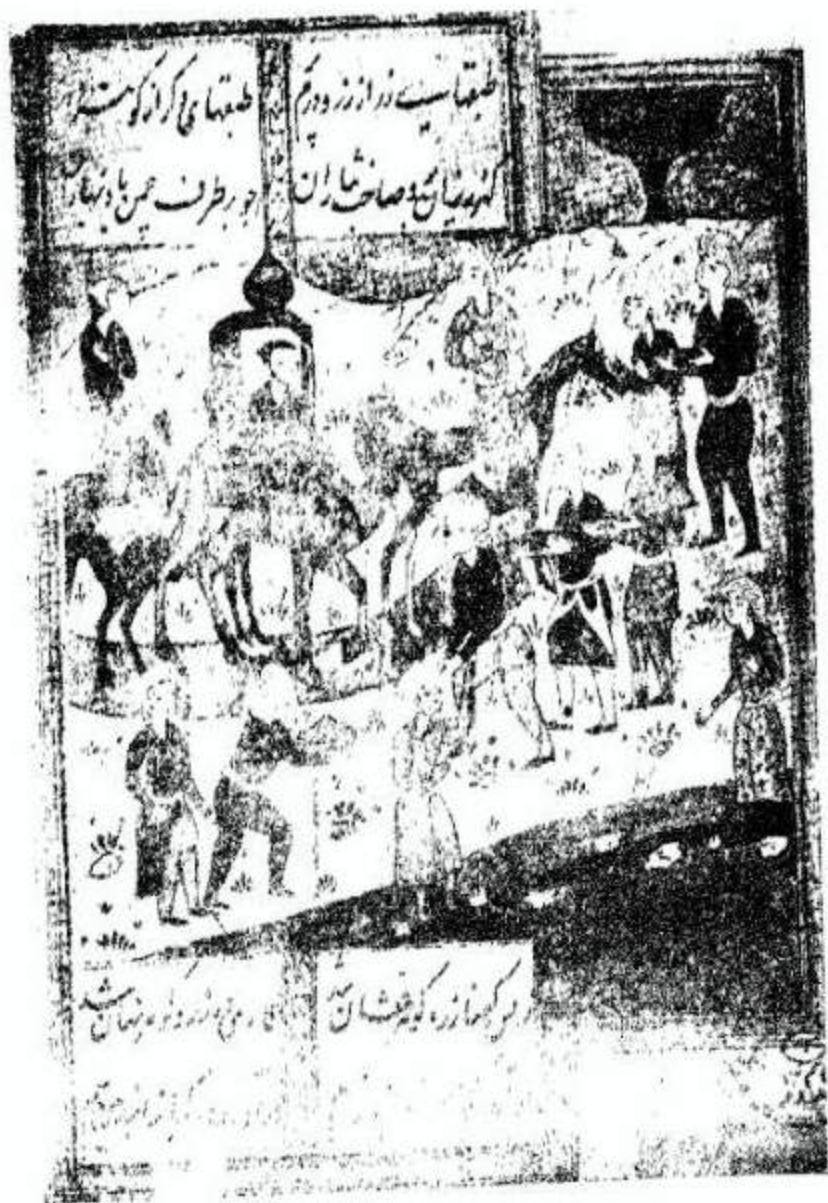
۲- Dimand A Handbook ص ۴۶

مراجعه شود به

بدر فزونی که کردی در این دنیا
در آن دنیا پدید آید و سست
شاید هم در غشای این دنیا
بیتد و ریمان جبهت

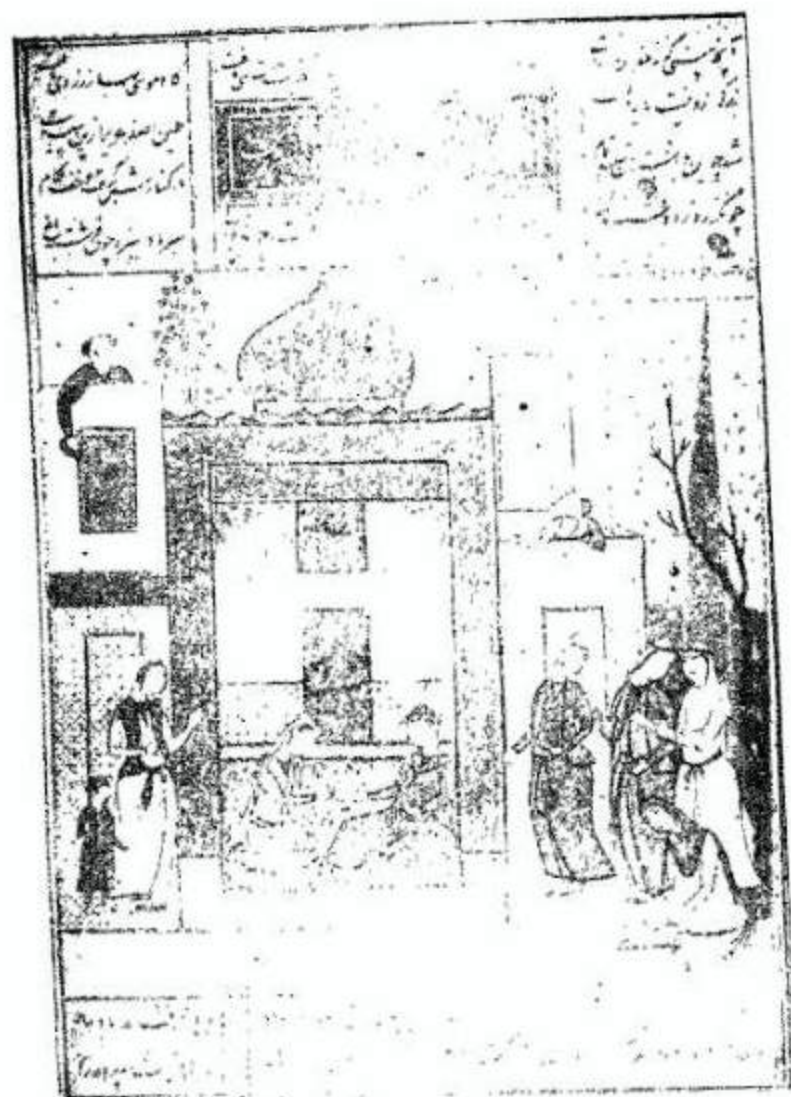








شکل ۵۹ شیعی که استراحت نموده - کارآرضا عباسی سال ۱۰۳۱ هجری - کتابخانه ملی پاریس



شکل ۶۰: بهرام گور بنا یکی از دوران ساسانی - سبز علی حیدر نقاش ۱۰۳۲
کتابخانه ملی پاریس



شکل ۶۱: شیخ صفی الدین که جام و اقلیدم شاهجهانیه فرماید عمل رشادباسی ۱۰۴۲
هجری. آئین گسواد



شکل ۶۲ صورت جوان عمل رضای عباسی مجموعه مستر راینو



شکل ۶۳ تصویر بانو عمر رضا عباسی مجموعه مستر راینو



دو شکل ۶ و ۷: دو سانی عمل رضا عباسی در نیمه اول قرن یازده هجری نقاشی بالا در کتابخانه ملی پاریس و دیگری در موزه مترو و برلین نیو یورک

نام و اختلافات زیادی نموده اند که در این اختلاف کاراباتشك Karabacek و سار Sarre و میتوک یا متفخ Mittwoch و بلوشه Blochet و ساکسیان Sakisian و آرونلدا Aronld و کونل Kühnel و دیگران از بزرگان متتبعین در تاریخ نقاشی اسلامی اشتراك نموده اند. علاوه بر اینها بیشتر این اشخاص بر آن متمایلند و چنین عقیده دارند که دو نفر نقاش باین اسم آقارضا و رضا عباسی بوده اند.

اما هویت استاد اولی چندان معلوم و آشکار نبوده و ظاهر این است که او بیشتر از رضا عباسی بوده و در دربار شاه طهماسب در اواخر قرن دهم هجری کار میکرده (۱۶ تا اوایل قرن ۱۱ هجری و ۱۷ م) و با اینکه گاهی اوقات اشتباهی زیاد بین کارهای این دو استاد رخ میدهد با این وصف ثرد ما تصاویری هست که تفاوت و امتیاز بین هنر و کار دو استاد مذکور را بخوبی نمودار میسازد.

استاد ساکسیان در کاری که نسبت آن با قارضا صحیح بوده و جزء رسوم و تصاویر اوست تتبع و تحقیق نموده (۱)

مابین کارهای این استاد که میتوان آنرا جزء عملیات برجسته و ممتازی دانست صورت زیبا و بدیعی است که میسو فیفر یا ویر Vivre داراست. این تصویر امیری را با استاد آن نشان میدهد (۲) پس از آن صورت جوانی را کشیده که شاخ گلی در دست دارد و تصویر مذکور اکنون در کتابخانه ملی پاریس مضبوط است (۳)

ساکسیان نظر بر این دارد که بعضی از رسوم و صور الیوم گرد آورده دکتر سار که بنام آقارضا است تصاویر آن را رضای عباسی انجام داده و کارهای مذکور باو منسوب است.

۱ - مراجعه شود به Sakisian : La miniature Persane ص ۱۲۶ - ۱۲۹

۲ - مراجعه شود به Sakisian : ibid شکل ۱۶۳

۳ - ملاحظه به Sakisian : ibid شکل ۱۶۸ و Blochet : Les Enluminures

نابلوی ۷۱.

۴ - مراجعه شود به Sarr et Mittwoch : Zeichnungen von Riza Abbasi :

München 1914

و نیز ساکیان میگوید: آقارضا استادی است که پاشا عباس کبیر معاصر بوده و رضای عباسی نیست.

در هر صورت خوشنویسی که نام او «علیرضای عباسی» است اشکال کار را زیاده‌تر نموده زیرا که او معاصر بارضای عباسی بوده و مورخین فنی بین آقارضا و رضا عباسی و علیرضا عباسی اشتباه مینمایند ولی آنچه بشود رسیده این است که دو نفر اخیر جداگانه و مختلف بوده‌اند و برضای عباسی عده زیادی از تصاویر و نقوش را نسبت میدهند که بعضی از آنان دارای تاریخ است و ما را بر آن میدارد که حکم کنیم دوره انجام آنان بین سالیان ۲۸-۱۰۴۹ بوده (۱۶۱۸-۱۶۳۹) و بیشتر مردمانی را که صورت کشیده از آنهایی هستند که در اواسط دوره زندگانی عیباشند و آنها را یمنی‌هایی کشیده‌است یا تصاویر و سیمای دختران و پسرانی است که بیننده آنها را عده از زنان بشمار می‌آورد و در بین آنان صوری وجود دارد که مهارت و زبردستی این استاد و استعداد و بخشایش و موهبت خاصه‌ای که باو اعطا شده دلالت خواهد داشت.

از صور بدیعه زیبایی که به آقارضای عباسی منسوب است یکی آن است که تاریخ آن در سال ۱۰۴۳ هجری (۱۶۳۳ م) میباشد و صورت شاه صفی را نشان میدهد که بطیب مشهور محمد شمسه جامی باده اعطا مینماید (۱) و دیگری که در کتابخانه ملی پاریس است صورت بانویی را کشیده که آن زن یکی از وزیرای شاه عباس بوده. (۲)

در موزه ویکتوریا و آلبرت لندن نسخه خطی از منظومه خمسه نظامی قسمت خسرو شیرین آن مشتمل بر ۱۷ صورت است که دارای اعضای رضای عباسی است و یکی از آنها مورخ ۱۰۴۲ هـ - ۱۶۳۲ میلادی میباشد (۳)

گمان زیاد بر آن است که باقی صورتها هم باین تاریخ بر میگردد خلاصه آنکه کار مزبور در هر حال برای رضای عباسی تمام افتخارات و اهمیت را احراز نموده و

۱ - ملاحظه بتابلوی ۴۸ شکل ۶۱

۲ - ملاحظه ۶ - Blochet: Les Enluminures ص ۱۲۹

۳ - مراجعه شود ب مقاله سر توماس ارنولد از نسخه خطی در شماره ژانویه ۱۹۲۱ مجله Burlington Magazine







شکل ۶۹ - صورت بابو مورخ سال ۱۰۶۷
هجری مجبوعه مستر راینو



شکل ۶۸ - صورت مردی که نشسته مورخ سال
۱۰۷۴ هجری مجبوعه مستر راینو



شکل ۷۰ - تصویر بانو یا لباس اردشیر - قرن ۱۲ هجری
پاشای خواجه شاهزادگان افغان مجموعه اونی هرس

نمی‌توان آنرا بصورت نسخه‌های دیگر که در ادوار گذشته جهت عین قصه تهیه شده پیوست نمود.

اشخاص در این تصاویر نه تنها عادی بوده بلکه آنان را با شخصی که در نقاشی‌ها و رسوم مستقله منسوب برضای عباسی دیده میشوند شباهت است و برای رنگها ابداع تناسبی در ترکیب آن نیست.

در کلکسیون مستر رابینو (Rabino) موجوده در قاهره دو صورت است که بر آن اعضای (رضا عباسی) رقم شده و یکی از آن دو جوانی را نشان می‌دهد که زیر شاخه درختی نشسته و سر او باندازه کمی بجانب دوش و شانه چپ وی متمایل است و در جلو آن دو ظرف دیده میشود که روی یکی از آنها صورت انسان و حیوانی ترسیم گردیده (۱) و در تصویر دوم در نیمه بالای صورت تصویر بانویی است که بر سر آن گل و پرها نصب شده (۲).

استار ساکسیان عقیده دارد بسیاری از رسوم و تصاویر که دکتر سارد در البوم خود گرد آورده و منسوب برضای عباسی دانسته بعضی از آنان کارهای رضا است و برخی دیگر عمل آقا رضا و بعضی هم از عملیات معین نقاش و باره دیگر از جمله کارهای نقاشان ناشناخت میباشد و هم دیده میشود و از ایا و رجحانی را که در این روش و طراز برضای عباسی داده‌اند این امتیاز شامل نقاش دیگری هم خواهد شد که به حیدر نقاش موسوم است و او نسخه خطی از منظومه خمسه نظامی را که در کتابخانه ملی پاریس وجود دارد بین سالیان ۱۰۳۰ و ۱۰۳۴ (۱۶۲۰-۱۶۲۴) تصویر کشیده. (۳)

در هر صورت فن نقاشی ایرانی در نیمه دوم قرن یازدهم هجری (۱۷ م) و در قرن ۱۲ هـ (۱۸) تأثیری تمام‌به‌طور و اسلوب نقاشی رضای عباسی پیدا کرده و در خدمت این استاد شاگردانی بودند که بروش و سبک او رفتار مینمودند و مهمتر از همه آنها

۱ - ملاحظه شود پتابلوی ۴۹ شکل ۶۲ و مراجعه به Wiet : L'Exposition persane de 1931 ۸۲ - ۸۳

۲ - ملاحظه شود پتابلوی ۴۹ شکل ۶۲ و مراجعه به Wiet : ibid ۸۳

۳ - مراجعه شود به Sakisian : La Miniature Persane ۱۳۵ و مابعد آن

معین نقاش است که در نیمه دوم قرن ۱۱ (۱۷) کار میکرده و در سالهای اولیه از قرن ۱۲ (۱۸) چیزی را که ما از او می‌شناسیم صورتی است که برای استاد خود کشیده و چند صورت دیگر است که یکی از آنان در مجموعه مستر (راینو) موجود است. در این صفحه صورت جوانی کشیده شده که خروسی را در بغل گرفته و میبرد و تاریخ آن ۱۰۶۷ و ۱۶۵۶ م است (۱)

از شاگردان رضا عباسی چهار نفر دیگرند که آنها: افضل محمد قاسم تبریزی - محمد یوسف - محمد علی تبریزی میباشند.

شاه عباس دوم

(۱۰۵۲-۱۰۷۶) - (۱۶۴۲-۱۶۶۶)

شاه عباس دوم مشوق و مروج اسلوب نقاشی غرب و فنون صورت کشی اروپائی بوده من جمله او (محمد زمان) نقاش را بروم فرستاده تا در آنجا مطالعات نموده و هنر خود را تکمیل نماید.

ظاهر این است که نقاش مذکور در آنجا کیش مسیحی را اختیار نموده بعد از آن بهند رفته و آنجا پناهنده شده پس از آن در حدود (۱۰۸۷) (۱۶۷۶) بایران برگشته و بتصویر سه صفحه سفید از کتاب خمسه نظامی که برای شاه طهماسب تهیه شده بود پرداخته که این کتاب در حدود صد سال پیش از آن درست شده و تصویرش ناتمام مانده بود و اکنون نسخه مذکور در موزه بریتانیا است.

در این صورت و در غیر آن تاثیر فنون اروپائی در عمل این نقاش و دیگران از کسانی که علم نقاشی را در ایتالیا فرا گرفته اند ظاهر میشود و بیشتر چیزی که این اثر را نشان میدهد ترسیم صور خاندان مقدسه و قدیسین با کیش ها و فرشتگان و غیره از مناظر مذهبی مسیحی است. (۲)

۱- ملاحظه شود بتابلوی ۵۲ شکل ۶۷ و مراجعه به Wiet. ibid ۸۴

۲- مراجعه شود به Binyon, Wilkinson & Gray: ibid ۱۶۱-۱۶۲ و Arnola Painting in Islam ۱۴۸-۱۴۹ و مقاله استاد مارکومش - Journal of the American Oriental Society ج ۵۴ سال ۱۹۲۵ ص ۱۰۶-۱۰۹

با این وصف قرن دوازدهم هجری (۱۸ میلادی) بواسطه تأثیرات اروپائی و اشکالات سیاسی که در ایران رخ نموده اعلام فنا و اضمحلال نقاشی ایران را داده و برای بعد از آن در دوره (فتحعلی شاه) و آخر قرن ۱۲ هجری (۱۸م) و اول قرن ۱۳ (۱۹ میلادی) فنی قابل توجه و کاری مورد اهمیت بنظر ما نرسیده و آنچه که در این دوره عمل و انجام یافته از نقاشی های رنگ و روغنی و تابلو پرده های بزرگ است که صنعت و رنگ اروپائی آنان زیاد از صنعت و صبغه ایرانی خواهد بود.

ما در فصول این کتاب موضوع ظهور و پیدایش فن نقاشی را در نزد ایرانیان و ارسنی و تتبع نموده و روزگارهایی را که فن مذکور در این سرزمین گذرانده نالینکه پیروی و تمایل اروپائی و غرب بآن خاتمه داده بانیایش و تقریب از تقلید نیاکانی موروثی همه را بمورد رسیدگی و تحقیق آورده و دیده ایم که چگونه مجال پیشرفت و ترقی در ایران نسبت باین فن محصور و معسور بوده مخصوصاً از این جهت که نقاشی و تصویر در این کشور بلکه در تمام دنیای اسلامی بواسطه تعبیرات احساساتی و مذهبی و عقاید دینی احرمت یافته و ممنوع بود و باینکه ایرانیان فن مذکور را از هنر و فنون شرقی بارت برده و قریحه و استعداد ذاتی در آن داشته اند که آنرا از تقلید طبیعت و بیان اسرار هستی پنجوی که ما در فنون اروپائی مشاهده می نمایم دور نموده معذلت نقاشی ایرانی در عالم خصوصیت خود بمقامی رسیده که بالاتر از آن تصور نمیرود و برای این فن در قسمت رنگ آمیزی و ترکیب رنگها پیشرفت ها و موفقیتی است که شناخته آن کسانی خواهند بود که دچار شگفت و حیرت از تماشای نسخه های خطی و مجموعهات آناری گردیده اند - ستایش خدای را که این نامه انجام یافت.

۳- بعضی از نهادان در نقاشی ایرانی عیبی که گرفته اند آن است که انجام این عمل توضیح از برای شرح دادن مطالب مندرجه در صفحات نسخه های خطی و حکایات معروفه از حادثه و پیش آمده ها میباشد در صورتیکه از روی حقیقت این موضوع مورد انتقاد و عیب جوئی نیست بویژه وقتی ما این نکته را یادآور شویم که پیشرفتهای را که بزرگان هنریشه و نقاشان اسیلانی از کشیدن صورت ها در نظر گرفته اند برای توضیح مطالب و شرح دادن حوادث کتاب مقدس یا افسانه و موهومات پیشین بوده دیگر معاللی از برای انتقاد نخواهد بود.

مدارك و مراجع كتاب

- ۱ - كتاب التصوير عند العرب احمد تيمور پاشا - نسخه خطی كه نمونه آن در مجله الهلال انتشار يافته .
- ۲ - بنيون هتريشه دكتور احمد زكي ابوشادي - مقاله انتشاري مجله المقتطف شماره آوريل ۱۹۳۵
- ۳ - الفن اسلامي في مصر دكتور زكي محمد حسن (از مطبوعات دارالاثار العربيه، كه جزء اول آن منتشر شده .
- ۴ - كتاب الاسلام والحضارة العربيه استاد محمد كرد علي .
ارنولد ، نقاشي در اسلام اكسفر د ۱۹۲۸
آثار ساسانيان و هنرهای زیبای هانی در ایران .
نقاشی نیو كاستل در تين ۱۹۲۴
دستورات قدیم و جدید در صنایع ملل اسلامي ، لندن ۱۹۲۸
ارنولد و گروهان كتاب اسلامي ، لندن ۱۹۲۹
بينين ل. صنعت آسيائي در موزه بریتانی و صنایع آسيائي جلد ۶ پاریس ۱۹۰۵
منظومات نظامي ، لندن ۹۲۸
بينين و ويلكنسن و گرای نقاشی مینیاتوری ایران ، اكسفر د ۱۹۳۳
بلشه تذهيب و رنگ آمیزی های كتب خطی شرقی - اعراب - تركها و ایرانیان
كتابخانه ملی پاریس ۱۹۲۹ نقاشی اسلامي ، لندن ۱۹۲۹
كماراسوواهی مینیاتور های شرقی از مجموعه گلوبو در موزه صنایع مستظرفه
بستن و هنرهای آسيائي قرن ۱۳ ، پاریس ۱۹۱۹
كريسومل - مخزن كتب (كتابشناسی) از نقاشی صنعت محمدیان ، لندن ۱۹۱۲
دیز - تاريخ اسلامي ولكر - برلن ۱۹۱۷ عنصر نقاشی ایرانی .
ديماند - رساله محمدیان در صنعت تزیيني نیویورك ۱۹۳۰

- كلوك ودينز - افسانه هاي اسلامي، برلن ۱۹۳۵
- گرای - نقاشی ایرانی، لندن ۱۹۳۰
- گروسه - تمدن شرقی، پاریس ۱۹۲۹
- هرتسفلد - آثار سامرا برلن ۱۹۲۷
- هوارت - خط و مینیاتورهای شرقی اسلامی، پاریس ۱۹۰۸
- کونل - مینیاتورکاری اسلامی شرق، برلن ۱۹۲۲
- مارتن - مینیاتور نقاشی و نقاشان ایرانی - هند - ترکیه از قرن هشتم تا قرن
هیجدهم میلادی، لندن ۱۹۱۲
- میرن - رساله صنعت اسلامی دو جلد، پاریس ۱۹۲۷
- ساکيسان - مینیاتور ایرانی از قرن ۱۲ تا ۱۷م، پاریس ۱۹۲۹
- سارومیتویخ - کارهای رضای عباسی، مونشن ۱۹۱۴
- شولز - مینیاتورهای اسلامی ایران، لپزیک ۱۹۱۴
- استوکن ایوان - مینیاتورهای اسلامی ایرانی، کتابخانه قاهره (هنرهای زیبا)
- ویالکن سن - شاهنامه فردوسی، لندن ۱۹۳۱

فهرست اعلام کتاب

صفحه	اسامی	صفحه	اسامی
	الف		الف
۶۶-۱۶	اسکندر بن عمر شیخ	۴۱	ابراهیم سلطان
۲۸	اسمعیل (شاه صفوی)	۳۹	ابن بختیشوع
۲۲	اشمونین	۵۴	ابوسعید
۲	آشور	۲۷	ابی السعود
۱۷	آشوریان	۳۵	ابوالفضل بن ابی اسحق
۵	اصفهان	۱۳	اتانیک
۷۱	استخر	۴۶	احمد (از سلاطین جلایر)
۶۹-۷۰	اعالی ترک	۴۶	احمد تبریزی
۷۱-۶۷	آغامیرک	۱۷	آذربایجان
۸۴	افضل	۳	آرین
۱	افغانستان	۴	اردبیل
۱۸	آقارضا	۵	ارشاک
۵۴	آقا محمد خان	۵	اردشیر
	آق قوینلو (صاحبان کوسفندهای	۴۳	اردوان
۱۶	سفید	۱۳-۵	ارغون
۷۴	اکبر	۵۶	ارمنستان
۲	اکبانان	۵۴	ارنولد
۲	اکمنبد	۷۳	آزاده
۱۳	الب ارسلان	۴	ازبک
۱۲	البتکین	۴۸	اسکندر مقدونی

اسامی	صفحه	اسامی	صفحه
امیر تیمور	۱۵	اسامی	
اتوان	۴	بلوچستان	۱
انتیوکوس	۴	پنجاب	۱۲
انجیل	۴۰	بشون	۷
اقره	۱۵	بهرام گور	۷۴-۶۹-۹
انوشکین	۱۴	بهرام چوبینه	۱۰-۵۳
انوشیروان	۷۱-۶	بیزاد	۶۹-۶۷-۶۶
اهریمن	۳	بودا	۴۰
اهورامزدا	۳	بودائی	۱۵
ازبک	۵۴	بویه	۱۱-۱۰
الغ بیگ	۴۵	پسران بویه	۱۰
اورس (سلطان)	۴۶	باباستقر	۴۸-۴۹-۵۰
ابلیخانی (خانواده)	۱۴	ب	
ب		پارت	۴
بابل	۳-۲	پلیو	۳۹
بارون	۷۲	پهلوی	۱۹
بازوان	۷۴	پیرسید احمد تبریزی	۵۵
باهیان	۲۲	ت	
بخارا	۶۲-۵۵-۱۰	تبریز	۱۶-۴۹-۵۵
بدیع الزمان	۶۲	تقار-تاتار	۳۹-۳۷
براق	۵۱	ترك	۱۲-۱۱
برلن	۳۳	ترکیه	۲۵
بغداد	۳۶-۳۰	ترکستان	۱
بلخ	۱۰	تیمور لنگ	۴۸-۵۶-۵۴

اسامی	صفحه	اسامی	صفحه
ج		جزری - جزیره	۲-۳۱
جلال الدین	۷۹	جلال الدین	۷۹
جلالیر	۴۶-۱۵	جلالیر	۴۶-۱۵
چنگیز	۴۱-۱۴	چنگیز	۴۱-۱۴
چنید سلطانی	۴۶	چنید سلطانی	۴۶
ح		حاج میرک	۷۰
حافظ	۴۴	حافظ	۴۴
حسین (شاه سلطان حسین)	۱۷	حسین (شاه سلطان حسین)	۱۷
حسین بایقرا	۵۸-۵۵	حسین بایقرا	۵۸-۵۵
حیدر نقاش	۸۳	حیدر نقاش	۸۳
خ		خراسان	۹-۴
خسرو شیرین	۷۱-۵۰	خسرو شیرین	۷۱-۵۰
خواجه میرک	۷۰	خواجه میرک	۷۰
خواجہ کرمانی	۴۵	خواجہ کرمانی	۴۵
خوارزم	۱۴	خوارزم	۱۴
خولند امیر	۵۶	خولند امیر	۵۶
خیوه	۳۵	خیوه	۳۵
د		دارا	۴
دارالانار العربیہ	۷۹-۲۷	دارالانار العربیہ	۷۹-۲۷
دارالکتب مصر (کتابخانه ملی)	۴۷	دارالکتب مصر (کتابخانه ملی)	۴۷
اسامی	صفحه	اسامی	صفحه
دازونت		دازونت	
دقیقی	۱۰	دقیقی	۱۰
دهلی	۱۵	دهلی	۱۵
دورر	۷۸	دورر	۷۸
دوست محمد	۸۵	دوست محمد	۸۵
دیلم	۱۱	دیلم	۱۱
دیلموت	۶۴	دیلموت	۶۴
دیلمند	۸۰	دیلمند	۸۰
ر		رایینو	۸۳. ۸۴
رستم	۴۲	رستم	۴۲
رشید الدین	۴۰	رشید الدین	۴۰
رضا شاه بهلوی	۱۹	رضا شاه بهلوی	۱۹
رضا عباسی	۷۶-۷۹	رضا عباسی	۷۶-۷۹
رودکی	۱۰	رودکی	۱۰
روسیه	۱۵	روسیه	۱۵
روم	۵-۱	روم	۵-۱
ری	۳۵	ری	۳۵
ز		زردشت	۶۳
زایخا	۵۹	زایخا	۵۹
زندیه	۱۸	زندیه	۱۸
س		سار	۲۶

اسامی	صفحہ	اسامی	صفحہ
ساسانی	۵۰-۱-۲۸	شاه رخ	۴۵-۴۸-۱۶
ساکسیان	۵۷-۳۶	شاه قلی تبریزی	۷۵-۷۱
سامان	۱۱-۱۰	شاه محمد	۷۵
سامرا	۲۷-۲۴	شاه محمود نیشابوری	۷۰
سام میرزا	۷۱	شاهنامہ	۳۱-۱۰
سامی	۲۴	شسترینی	۴۷-۶۰
سبکتکین	۱۲	شولتز	۴۳
سیستان	۹	شیخ زادہ خراسانی	۶۲
سلاجقہ	۱۲	شیخ محمد شیرازی	۷۸
سلطان اویس	۴۶	شیراز	۵۲-۱۵
سلطانیہ	۴۳	شیعہ - شیعہ	۲۵-۱۶
سلطان سلیم	۱۶	شیفر	۳۴
سلطانعلی		ص	
سلطان محمد	۷۰-۷۳-۷۲	صالح - صلاح الدین	۳۶
سلطان محمد نور	۶۹	صفاریان - صفاری	۹
سلوکوس	۵-۴	صفی الدین	۱۶
سلیمان خان قانونی	۷۱	صفویہ	۶۶-۱۷-۱۶
سمرقند	۴۹-۴۵-۱۰	ط	
سنجر	۶۴-۱۳	طاہریان	۹
سوریہ	۶	طارقان (توفان)	۲۱
سید علی	۷۰	طغرلیک	۱۳
سید یبر نقاش	۷۵	طہران (تہران)	۱۸
ش		طہماسپ	۶۷-۷۳
شاپور	۷		

اسامی	صفحہ	اسامی	صفحہ
فالریان (والریان)	۶	عباس کبیر (شاہ)	۷۶-۸۲-۱۷
فیفر (ویور)	۸۱	عبدالرزاق	۴۹
فیت (ویت)	۳۹	عبدالصمد	۷۴-۷۳
ق		عبدالله بن فضل	۳۳
قاجار	۱۸	عبدالله مصور (نقاش)	۶۴
قاسمعلی	۶۱	عبدالعلی	۴۵
قراقوینلو		عضدالدولہ	۱۱
قزوین		عارف الدین جوینی	۴۳
قزوینی (محمد)	۵۶	علی رضا عباسی	۲
قریل	۲۲	غ	
قصہ امیر حمزہ	۷۴	غازان خان	۳۹
ک		غزالی	۱۳
کانر میر	۴۹	غزنویان	۱۱
کاخ عمرا	۲۵-۲۴	غیاث الدین	۴۹
کتابخانہ ملی پاریس	۶۴-۸۲	ف	
کتابخانہ مرکان	۳۹	فاطمین	۳۴
کتابخانہ مصر	۵۹	فتحعلی شاہ	۸۵
کاشغر	۱۰	فراہرز	۴۲
کامبیز	۱	فردوسی	۱۰-۲۲
گدار	۱۷-۲۲	فرغانہ	۱۰
کرت (دولت)	۱۵	فرہاد	۵۲
کرمان	۱۵	قون اوکوک	۲۱
کریم خان زند	۱۸	قیوم	۲۸
کریںویدل	۲۱		

اسامی	صفحہ	اسامی	صفحہ
محمد زمان	۸۴	کلیہ و دمنہ	۳۱
محمد علی تبریزی	۸۴	کلدانیان	۳
محمد قاسم	۸۴	گلستان	۳۱
محمد مؤمن	۸۳	کمال الدین عبدالرزاق	۴۹
محمد یوسف	۸۴	کوئل	۵۸-۵۷-۵۶
محمدی	۷۵	کوروش	۳
محمود سبکنکین	۱۲	کیان	۳
محمود کاتب	۵۳	کیکاوس	۵۲
محمود مذهب	۶۷	ل	
مزدک	۷	لطف الله بن یحیی	۴۷
مستعصم	۴۱	لوور	۳۴
مصر	۵۷	لیدی	۳
مطلع السعدین	۴۹	لرستان	۳
مظفر علی	۶۲-۷۳	لیلی	۶۹-۷۳
مظہر علی	۷۰	م	
معتمد	۲۶	مازتن	۲۳
معتمد	۲۶	مازی مذهب	
معراجنامہ	۵۱	مذهب	۵۹
معین وصور	۸۴-۸۳	مازندران	۱۹
مغول	۱۴-۳۷	مأمون	۹
مقامات حریری	۳۱	مانی	۷
مقبریزی	۳۰	مجنون	۶۹-۷۳
مالذکرد	۱۳	محمد بن احمد	۳۶
ملکشاه	۱۳	محمد خان شیبانی	۵۳-۵۸-۵۲

اسامی	صفحه	اسامی	صفحه
ناصرالدین محمد	۳۶	ملک صالح	۳۶
نصر بن احمد	۴۳	ملویه	
نظام الملک	۱۳	منافع الحيوان	۲۹
نظامی	۷۰	منج (منک)	۵۰-۵۱
نپاوند	۱	موزیل	۲۵
نوح بن نصر	۱۰	موزه بریتانیا	۷۰
و		موزه متروبولیان	۵۰-۸۰
ولکنتون	۷۳	موزه هنرهای زیبا پاریس	
ه		موزه ویکتوریا	۸۲
هرات	۴۸-۶۶	موسکو	۱۵
هرتسفلد	۱	موفق	۹
هرقل	۶	مهرداد کبیر	۵
همایون	۷۴	میدی‌ها	۲
هند	۷۴	میرسید علی	۷۴
هلاکو	۴۱	میرعای تبریزی	۵۴-۶۴
ی		میرعای شیر	۶۹
یحیی بن محمود	۳۴	میرمصور سلطان	۶۲
یعاقبه	۲۹	میرزا علی	۷۰
یعقوب لیث	۹	میرک نقاش	۶۷-۷۰-۵۵
یلدوز	۵۷	میتوک	۸۱
یعن	۶	ن	
یوان	۴۹	نادرشاه	۱۸
یوسف	۵۹	نادرالملک	۷۴

فهرست تابلوها و تصاویر

تابلو	شکل	
۱	۲ و ۱	دو صورت در دیوارهای حمام فاطمیین در جهت ایی السعود در جنوب قاهره
۲	۳	ساعت طاوسی
۳	۵ و ۴	تصویر بالا - جوان مارگزیده و آمدن پزشك برای مداوا - تصویر زیر - مارگزیده و استغاثه او
۴	۷ و ۶	دو منظره از مقامات حریری
۵	۸	امیر علی بر تخت و پهلوانان
۶	۹	اسکندر بر تخت خود
۷	۱۰	فرمارز و مبارزه با شاه کابل
۸	۱۱	سلطان غازان با پائوان خود
۹	۱۲	اوکتای با فرزندانش
	۱۳	تصویر بالا - سنگ حمام و صورت آن در آب - تصویر زیر - شیر
۱۰	۱۴	دو محبوبه
۱۱	۱۵	منظره در باغ
۱۲	۱۶	دو سوار جنگی و اسبهای ایشان
	۱۷	منظره دو باغ
۱۳	۱۸	خسرو و کشتن بهرام
۱۴	۱۹	دیدار هما و همایون در باغ کاخ
۱۵	۲۰	رستم و اسفندیار پیش از مبارزه
۱۶	۲۱	خسرو شیرین
۱۷	۲۲-۲۳	نقاشی بطرز چین
۱۸	۲۴-۲۵	زبانۀ جلد خطی بنام شاهرخ

شکل	تابلو
۲۶ -	۱۹
۲۷	۲۰
۲۹-۲۸	۲۱
۳۰	۲۲
۳۱	۲۳
۳۲	۲۴
۳۳	۲۵
۳۴	۲۶
۳۵	۲۷
۶	۸
۳۷	»
۳۸	۲۹
۳۹	»
۴۱-۴۰	۳۰
۴۲	۳۱
۴۳	۳۲
۴۴	۳۳
۴۵	۳۴
۴۶	۳۵
۴۷	۳۶
۴۸	۳۷
۴۹	۳۸
۵۰	۳۹
۵۱	۴۰

شکل	تابلو
بهرام گور بایکی از بانوان خود در قصر شاه	۴۱
بهرام گور با یکی از بانوان خود در کاخ شاه	۵۳
نمایشگاه دهانی	۴۲
یوسف و زلیخا در حالت پیری	۴۳
یوسف و زلیخا با رفقای خود	۴۴
صفا بین یوسف و زلیخا	۴۵
زلیخا در هودج	۴۶
شیخ بحالت استراحت	۴۷
بهرام گور بایکی از بانوان در قصر سبز	۴۸
شیخ صفی الدین و پز شک شمس	۴۹
صورت جوان	۴۹
صورت خانم	۴۹
دو ساقی	۵۰
تصویر رضا عباسی	۵۱
نقاشی با امضای معین مصور	۵۲
صورت مردی که نشسته	۵۳
صورت بکنفر بانو	۵۳
صورت يك بانو بالباس اروپائی	۵۴

فهرست کتاب

مقدمه مترجم و تقریظ ها

صفحه

- | | |
|-------|---|
| ۱ | مقدمه تاریخی |
| ۲۰ | فصل اول - پیدایش نقاشی در ایران |
| ۳۰ | فصل دوم - هنرستان بغداد یا مدرسه عراق |
| ۳۷ | فصل سوم - هنرستان ایرانی و تاتار |
| ۴۴ | فصل چهارم - عصر تیمور و جانشینان او |
| ۶۲-۵۵ | فصل پنجم - بهزاد و معاصرین او - هنرستان بخارا |
| ۶۶ | فصل ششم - هنرستان صفویه |
| ۷۶ | فصل هفتم - عصر شاه عباس و جانشینان او |

فهرست اعلام

پایان کتاب بقلم مترجم

پایان کتاب

بسمه تعالی

اکنون که ترجمه کتاب گرانمای (تاریخ نقاشی در ایران) پایان رسید اندیشه بدان کشید که صفحاتی چند راجع به محتویات بعضی از کتابخانه های پایتخت بنوبت خود بعنوان پایان کتاب ضمیمه و پیوست سازد.

در اینجا گفته میشود که استاد دانشمند دکتر زکی محمد حسن در اثر تالیف این کتاب خدمتی بزرگ و شایسته نسبت بهین ما انجام داده و از سرزمین وادی نیل این هدیه نفیس را بجهانیان تقدیم نموده و این زحمت و همت ایشان مخصوصاً مورد تقدیر و منظور و نظر اولیای وزارت فرهنگ ایران شده و بتصدیق و گواهی استادان فنی و هنرمندان و دانایان، مؤلف محترم در مجموعه مزبور بدقایق و نکاتی راجع باین فن متوجه شده که کمتر کسی بآنها پی برده و بهترین سبک را در کلاس بندی آن ایجاد نموده لیکن باید دانست برای مأمونه کار و مفارقات و هنرمندان دوره و اعصار قرون سالفه و ادوار گذشته و حال در این سرزمین بسیار و آثار هنری ایشان در مخازن و کتابخانه های همه ایرانشهر از قبیل کتابخانه دربار شاهنشاهی و کتابخانه آستان قدس رضوی و کتابخانه ملی و موزه و کتابخانه مدرسه سیه سالار بالاخره در کتابخانه های شخصی عمده مانند کتابخانه آقای حاج حسین آقا ملک و کتابخانه مرحوم حاج سید نصرالله تقوی و دیگران بيشمار است بطوری که هر قسمتی بیننده را دچار حیرت نموده و از دیدن هر کدام دیده حالت جذبه و بهت لزکرو کردار این سرآمدان هنر و لطایف و ظرایف عمل ایشان پیدا خواهند نمود و میتوان گفت که شخص در برابر تماشاى هنرى فریفته و مدهوش و بالاخره دلپاخته و مبهوت میگردد که آیا این هنروران بزرگ و استادان توانا چگونه این همه بدایع و هنری را بکار برده و خامه سحر طراز ایشان

بدینسان آثار بدیعه و اعمال ظریفه و حیرت‌آور را نگاشته و پرداخته اند و آنان وجه فکرهای باریک و دقیق را پیروی و تعقیب نموده و از عالم اندیشه بمعرض شهود آورده اند که فقط هر کدام تنها بقریحه و استعداد خاص ایرانی و هوش سرشار هنروران این کشور باستانی اختصاص دارد .

ما اگر بخواهیم اسامی کتب قدیمه و صرر بدیعه بعضی از کتابخانه‌های مرکزی (بایتخت) ایران را بمورد بیان و نگارش بیاوریم و در اطراف هر یک از آنان قلمفرسایی کنیم فی الواقع بایستی خود در این باب کتابها بنویسیم و مجلداتی ترتیب دهیم .

چه خوب بود موقعی که دو استاد دانشمند دکتر عبدالوهاب عزام و استاد عبدالحمید عبادی برای شرکت در جشن هزارمین سال حکیم سخندان ابوالقاسم فردوسی سفری باین سامان نموده و در آثار زیبا و عمارات دلگشا و ابتیه فرح افزا و معماری‌های مهمه ما مشاهداتی مینمودند در آنوقت استاد هنریشه آقای دکتر زکی محمد حسن هم باآندو هموطن محترم خود همراه بوده در کتب مخطوطه و پرده‌های نقاشی و مرقعات محفوظه در کتابخانه‌ها و غیره اینجا مطالعات و مشاهداتی میکرد و بعداً این مولفه نفیس و گرانبهای خود را که در آثار تصاویر و نقاشی باستان ایران اختصاص داده اند محتوی بسیاری از نفایس و ظرایف دوره باستان و زمان کنونی کشور ما مینمودند و بر مزایا و محسنات و زیبایی و ظرافت کتب خود می‌افزودند باید دانست توجه خاصی را که امروزه از طرف دولت شاهنشاهی ایران نسبت بیسط و ترویج هنر و صنعت میشود و از تشویقی که از اساتید و کارکنان و صاحبان هنر بعمل می‌آید هم اکنون نمیتوان گفت که ایران امروزی در ابراز قریحه و ذوق و استعداد و اظهار هنر و صنعت از ایران باستان کمتر و استادان آن فرومایه تر از اساتید گذشته و پیشین باشد بلکه با این روشی که فعلاً پیروی و تعقیب عیشود و قدمهایی که در راه پیشرفت و ترقیات این کشور میدارند امید است که ایران بالا ترین مقام مجد و عظمت و اعلی مراتب بزرگی و افتخار را در تحت توجه شاهنشاه جوان هنردوست و مہین‌خواه خود در دنیای متمدن امروزی احراز نماید .

این همه نمایشگاه‌های فنی و صنعتی که در بایتخت و دیگر شهرهای این کشور

در تمام جریان سنوات بمورد نمایش گذاشته میشود و سرکشی و مواظبت و بازدید و مراقبت و تشویقی که ا طرف شاهنشاه محبوب ما بعمل میآید یقیناً طولی نمیکشد که سرافتخار ایران و ایرانیان باعلی درجه برتری و اعتبار خواهد رسد *

باش تا صبح دولتت بدد کاین هنوز از نتایج پشراست
اینک چند نمونه از آثار نفیسه و کتب مخطوطه ایران بدست آورده و عکس برداری نموده بعنوان هدیه بمقام وزیر دانشمند و محبوب فرهنگ آقای مسعود کیهان درخاتمه این کتاب می افراشد ضمناً شرحی برای بیان و توضیح آن نفایس نگاشته و تقدیم میدارد .

از جمله نفایس منتخبه تصویری است که در نسخه خطی قدیمی دیوان امیر خسرو دهلوی مورخ ۸۸۶ هجری مدرسه عالی سپهسالار طهران (دانشکده معقول و منقول) بخط میرعلی مشهدی کاتب معروف است که آنرا یگانه استاد مشهور (بهراد نقاش) برای (سلطان حسین بایقرا) در کتاب مذکور ترسیم نموده و در بالای صفحه تصویر کتیبه است که باخط نسخ اعلا طلائین و متن لاجوردی این عبارت نگاشته شده .
(بشارة السلطان الاعظم والخاصان المعظم ابو الغازی سلطان مهادرحسین خلدالله
ملکه فی شهورسته ست وثمانین وثمانائة) .

این صفحه مجلس بزمی زنانه است که برای شاه برپا شده و در آن کمال وجود و طرب و حالت رقص و نشاط و خوشی و انبساط را نشان داده و شاه در صفا بالا جلوس نموده و مشغول باد گساری است و زنان خواننده و نوازنده برای او در ساز و نوازند و جمعی از زنان دیگر بالبه رنگارنگ قراردادند، در ضمن رنگ آمیزی متناسب صورتگر توانا منتهای قدرت و مهارت را بخرچ داده و در ریزه کاری و عینیات و رسازی آن نهایت دقایق قلمی و طراحی را از گل سازی و طلاریزی و رنگ آمیزی رعایت کرده
بیان دقایق و نکات و ظرافت و زیبایی این کار جز بدیدن و حیرت نمودن
از آن نشاید .

شاهکار دیگر بهزاد که آن استاد زبردست بسبک چینی نقاشی نموده و در آن

داد هنر داده دو صفحه اول کتاب خمه نظامی قدیمتر مدرسه سپهسالار است (۱) که نسخه مزبور بخط خوش کاتبی شیرازی که نام آن محکوک است و در سنه احد عشر و تسماعه هجری (۹۱۱) انجام گرفته و مقارن با سنوات آخر سلطنت سلطان حسین بایقرا است (۹۱۳)

این کتاب بقلم توانای بهزاد در ۳۵ مجلس بسبك اعلى چینی نقاشی شده و هر صفحه از تصویر آن نمونه بزرگی از صنعت و هنر این استاد است و ارقرینه برمیآید که این نسخه برای سلطان مذکور تهیه شده

بدیعت از همه دو صفحه اول کتاب است که نگارنده از آن عکس برداری نموده و جزء متمم کتاب «تاریخ نقاشی در ایران» قرار داده چیزی که باعث تاسف است این دو صفحه در اثر کثرت استعمال و قدمت قدیمی از سور آن سوده و محو گردیده و عکس برداری با اینکه دو مرتبه بدان مبادرت نمود بخوبی انجام نگرفت ولیکن نفاست کتاب و ظرافت و زیبایی نقاشی و صنعت ممتاز آن بجای خود محرز و محفوظ است و طلاکاری و رنگ آمیزی و زینت و زیبایی آن بوصف نیاید.

در این دو صفحه برابر یکدیگر «بهزاد» وضعیت دوره سلطنت خوش و زمان راحت و رفاهیت «سلطان حسین بایقرا» را مجسم نموده و در بنجر دیف قرار داده ردیف اول - پوش و سرا برده جلال و عظمت شاه است که بهترین طرحی آنرا نقاشی کرده و سلطان در زیر سرا برده روی تخت سلطنت جلوس نموده و در برابرش وزیر باتدبیر او امیر علی شیرنوائی و یکی از بزرگان دیگر که شاه بآن دو اذن جلوس داده نشسته، در طرف دیگر شاه چند نفر از خادمان و گزیدگان شاهی ایستاده اند.

ردیف دوم - جمعی از ارباب هنر و کمال در طرفی ایستاده و اوضاع را تماشا مینمایند و در طرف دیگر مجلس رقص و بزم طرب و باده گساری است که در آن تشویق شاهرا از ارباب کمال و ادب نمایش داده و خوشی و عشرت عموم را نشان میدهد.

ردیف سوم - در جلو یکی از کمانداران شاهی است که کمانی در دست گرفته

و عده از مقصرین را بادت بسته بجانب محاکم یا زندان میبرند و در دنبال آنان دونفر از بازداران شاهی است و درطرف دیگر دوتن از شکارچیان اند که دوبلنگ را بزنجیر کشیده و در بالای سرایشان دونفر از شاطران و یساوان شاهی قرار گرفته که هر کدام تبریزی بدست دارند و این ردیف طرز مجازات و وضع یاسا و جلوگیری از جنایات را خاطر نشان میسازد و این وضعیت حالت روحی مملکت و جلوگیری از هتمردین و سرکشان را میرساند و میفهماند که شاه نافرمانان را مانند دودام بدینگونه مطیع فرمان نموده و شکار مینماید و از مجازات و تنبیه ایشان فروگذار نمیکند.

ردیف ۴ - نیز سیاست و جلوگیری و اجرای یاسا و قانون را حکایت میکند که یکی چوبی در دست گرفته و چنگ تن را تحت تنبیه و سیاست آورده و باره شفاعت برخاسته و یکنفر از میرآخوران شاهی است که عنان اسب را در دست گرفته و خود در جلو آن پیاده ایستاده

ردیف ۵ - صورت مودیان عواید دیوانی و مالیات دهندگان یا برندگان تحف و هدایا را نشان میدهد که هر کدام طبقی را در دست گرفته زر و سیم و جواهر بهدیه و تقدیم میبرند و در جلو آنها کامداری است که حفظ و حراست و موجبات امنیت کشور را حکایت میکند.

نفایس کتابخانه مدرسه سپهسالار زیاده و بسیار است و برای نگارنده ممکن نیست که تواند در این مختصر بذکر آن پرداخته یا عکسهائی چند از آنها تدارک نماید لیکن بمضمون عالایدرک کله لایترک کله والمیسور لایترک بالمیسور اینک شش صفحه از کتاب زیبا و نسخه گرانبهای دو مین خمه نظامی این کتابخانه که در ۱۳۱۴ خورشیدی آنرا بنمایشگاه صنعتی ایران در لنینگراد جزء ظرایف برده و جلب توجه سرامدان هنر و صنعت اروپا در آنجا بخود نموده در این مورد عکس برداری کرده و تقدیم میدارد.

این نسخه شاید بهترین نسخه دنیا و زیبا ترین نمونه باشد که از کتاب خمه

نظامی تهیه و تصویر شده

نسخه مذکور دارای ۳۱ صفحه مجلس بی بدیل و نقاشی بی نظیر است ده بقلم میرک و بهزاد و سلطان محمد و دیگر استادان عالی رتبه زمان شاه طهماسب صفوی صورت کشی و تزیین شده و بهترین صنعت نقاشی و مینیاتورکاری در آن انجام گرفته و بخط کاتبی شیرازی که باز دست خطاکاری نام آنرا محو نموده در سنه ست و خمسين و تسعمائه ۹۵۶ هجری تمام گردیده

دو صفحه اول آن در سر لوحه مصور و مذهب بمتن فیروزه و لاجوردی و طلایی و بوته های قشنگ رنگارنگ است که در صفحه اول آن این رباعی بخط نسخ زیبا و برجسته الوان با خطی بسیار خوب و مرغوب ترسیم شده

کنجینه کشای گنجی آن مؤید راد کآمد اینک سخنوران را استاد
دریای معانی از گهر کرد تهی روزی که بنای پنج کنجینه نهاد
در صفحه برابر نیز با اوصاف مذکور و تزیینات تمام این رباعی مسطور است:

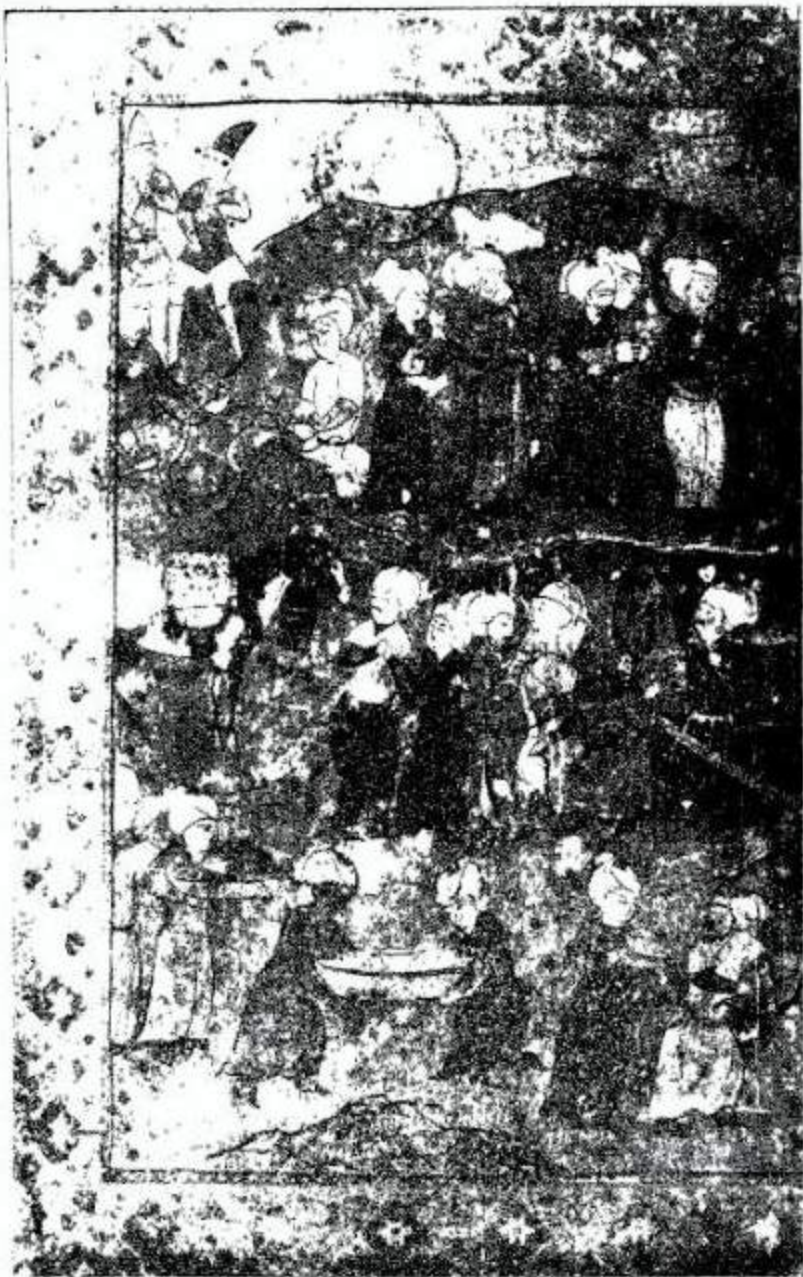
خمسه که بمخزنش بود زیب تمام از خسرو و شیرینش فروز گشت نظام
لیلی مجنون و هفت پیکر ز عقب تاریخ سکندرش دهد ختم کلام
در تجلید این کتاب و صحافی و تذهیب آن منتهای ظرافت کاری و کمال مهارت
استادی را بکار برده اند که خود بهترین شاهکار این هنر و بیشه ظریف و زیبا است و
برای آن ارج و بهائی که درخور و شایسته باشد باسانی نتوان تعیین نمود.

خلاصه و توصیف صفحات و مجالس تصاویر این کتاب با این مختصر بوصف
نیاید و باید هر کس که آنرا دید بر آثار صنعتی بدیع و هنریدی اساتید بزرگ آن
هزاران تحسین و آفرین و دست مریزاد گوید.

بطوریکه از قرنیه معلوم میشود این کتاب هم مانند کتاب خمسه نظامی موجود
در موزه بریتانیا برای کنایخانه شاه طهماسب اول صفوی تهیه شده و بواسطه اینکه
هفت سال بعد از خمسه موزه نامبرده نگاشته و ترسیم گردیده مسلماً در ظرافت و نفاست
و بها و اهمیت بالاتر از آن خواهد بود و بیژده از حیث تصویر که خمسه نظامی موزه بریتانیا



تصویر اول بزم زنانه برای سلطان حسین بایقرا از دیوان خطی امیر خسرو دهلوی کتابخانه مدرسه
سپهسالار تهران مودخ ۸۸۶ هجری



تصویر ۲ - مجلس سلطان حسین باقر از خیمه نظامی که پس از شکست خطی در سره سپهسالار تهران مورخ ۹۱۱ هجری



تصویر ۳ - مجلس سلطان حسین باقرا از خسته نظامی قدیمی نسخه خطی

را چهارده صورت مجلس است و این نسخه را ۳۱ صفحه تصویر اعلی و ممتاز میباشد و تشخیص و بقایای مزایا و محسنات آنرا بعدد بیستدگن کتاب واکنار مینمایم .
در اینجا شش صفحه از تصاویر کتاب مذکور عکس برداری شده .

تصویر اول - صورت یلقوس بالیپ است که باحضرین رکاب و سواران خود بالای سر زن مرده و طفل نوزاد وی آمده که طفل را گشت خود را در دهان گذاشته و بجای پستان میمکد و امر دادن او چاکران خود جهت دفن زن و از خاک برداشتن طفل و پرورش دادن او و لیعهد نمودن وی پس از آن میباشد (۱)

تصویر دوم - صفحه ایست از شرفنامه خمه نظامی که در آن میدان جنگ اسکندر را با دارا نشان میدهد . در اینجا اسکندر بر اسبی که دارای برگستوان است سوار و سپاهیان او بکار نبرد و کارزار اشتغال دارند نقاش با مهارت استادی خود وضعیت میدان جنگ را در نهایت خوبی مجسم نموده و در برابر اسکندر و دارا سلطان مدعی و متخاصم او است که تخت مجلل و باشکوه و پرا بقیل زده و سپاهیان اسب سوار با او روانند و در صف دیگر جنگ مغلوبه جنگ آوران و کمانداران است که در قسمت بالا بعنک و جدال و تیراندازی بیکدیگر مشغولند در بالا طبالان و شیپورچیان را داران و غیره از طرفین سپاهیان میباشد . (۲)

تصویر سوم - صفحه ایست که اسکندر سر کشته دارا آمده و سر او را از از خاک برداشته و بزانو نهاده اظهار تأسف و تحسر از قتل دارا مینماید و بالای سر وی پرچم شاهی سایه افکننده و سران سپاه پیاده در برابر ایستاده و دسته اسب سوار و فیل سوار بحالت بهت و حیرت وضعیت را نگرانند و دو تن کشتندگان دارا : ماهیار و جانوسپار را گرفته و دستهای آنها را بپشت بسته ، در برابر اسکندر واداشته اند و در قسمت بالای صفحه طبالان و بعضی از با سبازان و پیش جنگیان اند که بحالت آشفته گی دیده میشوند (۳)

تصویر چهارم - صورت اسکندر در شکارگاه و صید افکنی او در میان گوزنان

۱ - تصویر چهارم - از کتاب شرفنامه خمه نظامی مدرسه سپهسالار

۲ - تصویر پنجم از کتاب شرفنامه خمه نظامی

۳ - تصویر ششم از کتاب شرفنامه خمه نظامی

و آهوان است که حالات مختلفه هربك از آنان را از فرار و اضطراب احوال در این مجلس نشان داده و سواران شکارچی دیگر در بالا که آنها نیز بصید شکار اشتغال دارند و اوضاع طبیعی کوه و دشت و عرصه بیابان را باریزه کاری فنی و حسن سلیقه باستانی نشان میدهد. (۲)

تصویر پنجم - صورت اسکندر و خضر و الیاس در ظلمات است که اسکندر بر مرکب راهوار خود سوار و موکب شاهي از وزراء و سران سپاه با وی همراهند و مشغول راه نوردی است و خضر و الیاس بلب آب حیات رسیده از اسب پیاده شده در لب چشمه آب زندگانی جلوس نموده اند و ماهی خشك از دست ایشان بآب افتاده و حیات تازه یافته و نوشیدن آندو از آب زندگانی و محروم شدن اسکندر از نوشیدن آب است. (۲)

تصویر ششم - بهترین صفحه نقاشی است که در آن مراسم تشییع جنازه اسکندر را تصویر کرده در بالا زنان عزادار را در گرفت با نهایت زیبایی و ظرافت ترسیم و تزیین نموده و ارائه میدهد که چگونه هر کدام اظهار اندوه و حسرت مینمایند و در متن صفحه درب و ابواب وصفه و رواق و کاخ با عظمت شاهي را نشان داده که در برابر آن وجوه اعیان و رجال محترم هربك اظارتأسف نموده و در بی اعتباری دنیا بایکدیگر سخن میرانند و دسته از زنان در جلو آنان با جادرهای سفید نشسته و نوحه سرائی میکنند و در همین صفحه تابوت مجلل و باشکوه اسکندر است که چهارتن پایه تابوت را بدوش گرفته و جمعی از سران و بزرگان خاصه و سروران روان اند، در اینجا دست اسکندر از گوشه تابوت بیرون آمده و نمایان است که تپه دست رفتن او را از این خاکدان نشان میدهد.

شمع و شعل زیادی در موقع این تشییع فروزان و از غم مرگ او گدازان و سوزانند و در جلو همه نمادبان مرگند که بر شترها سوار و دستها را بر بناگوش نهاده خیر مرگ اسکندر را اعلام مینمایند. (۳)

۱- تصویر هفتم - از کتاب شرفنامه خسه نظامی منوره سپهالار تهران

۲- تصویر هشتم - از کتاب شرفنامه

۳- تصویر نهم - از کتاب خسه نظامی

خلاصه آنکه بقدری این وضعیت را مجسم نموده که بوصف نمی آید .
نگارنده بعضی از نقایس این کتابخانه و اسامی و اوصاف نسخه های مصور و
گراںبهای کتابخانه مدرسه را در کتاب « تاریخ مدرسه سپهسالار » تألیف خود که تاریخی
جامع و مشتمل بر فهرست وقایع امروزی و شرح حال مفصل مرحوم حاجی میرزا
حسینخان سپهسالار و تراجم بعضی از رجال معاصرا و تاریخچه بنای مسجد و مدرسه
و طرز معماری آن و تمام تشکیلات قدیمه و جدیده از اول تا کنون این مؤسسه میباشد
کنجانبیده و فهرست بعضی از کتب مانند شاهنامه های خطی و با تصاویر این کتابخانه
و دیوان عماد فقیه مورخ ۷۶۳ و کتاب یوسف زلیخای چابی و نسخه کلیله و دمنه آن
با مجلس تصویر و دیوان مکرر و مصور امیر خسرو دهلوی و حیات الحیوان دمیری و
تاج المآثر حسن بسطامی و منظومه سلاطین آن در تاریخ مغول با ۲۱ مجلس تصویر
اعلی و کتاب های مصور آتشکده آذر و مثنوی مصور نقایس امیر خسرو دهلوی با چهار
مجلس تصویر مورخ ۸۸۴ و خط میر علی خطاط مشهدی و کتاب آثار الباقیه بیرونی آن
با ۲۶ صورت چینی ممتاز و دیوان فغانی و بهرامیه امیر خسرو و حدیقه حکیم سنائی و
فرقعات نفیسه و گراںبها در ۳۶ مجلد و دیگر طرائف و ظرائف و افتخارات تاریخی این
مؤسسه را در آن تاریخ بهمورد نگارش آورده و امید است که باهمت اولیای امور مدرسه
بزودی طبع و انتشار یابد .

از آثار نفیسه نقاشی در ایران حواشی مرقع گلشن است که از جمله ظرائف
و نقایس عجیبه کتابخانه دربار شاهنشاهی ایران و واقعه در عمارت کاخ گلستان است و
کتابخانه مزبور محتوی بسیاری از کتب معتازه و یادگارهای آثار بدیعہ خطوط و نقوش
و تصاویر و تذهیب شاهکارهای استادان عالیرتبه از نقاشان و خطاطین و مذهبین و
غیره است .

مرقع گلشن را در سنه ۱۹۳۱ میلادی از ایران بلندن فرستاده و در نمایشگاه
ایران در لندن بمعرض نمایش گذاشته بودند .

در این مرقع دو صفحه ایست که سلطان حسین بایقرا را در باغ خود نشان میدهد
و صفحاتی در آن است که به بهزاد و عبدالصمد نقاش نسبت داده اند و نیز بسیاری از شاهکارها

مدیر آن اداره و خانم او تصاویر زیادی از این مرقع برداشته و درج نموده‌اند و ما در اینجا
 نیز درج تصاویر صرف نظر نموده و توجه خوانندگان را بجانب آن کتاب نفیس معطوف
 می‌داریم.

علامه برای این در موقع مذکور از عملیات یدی و نمونه هنرهای نقاشی دولت نقاش
 دورم جهانگیر از نواده‌های امیر تیمور بسیار است.

جهانگیر عشق و علاقه زیادی بجمع آوری آثار صنعتی داشته و از دوره پدر و
 جدش نقاشی‌های بدیعه و زیبایی از اساتید یادگار برده بود و دستور داده تا آن خطوط
 و نقوش را در مجموعه گرد آورند که اکنون البومی در بران موسوم بآلبوم جهانگیر
 است: کونل Kunhel و گوئتز Goetz در آن مطالعاتی نموده‌اند.

در مرقع گلشن چند قفره هم از کار منوهر نقاش بامضاء او وجود دارد و او در
 دوره اکبر و جهانگیر و شاه جهان نواده‌های تیمور از نقاشان مشهور بوده و آثار یدی
 او در تیمورنامه و بابرنامه و اکبرنامه بسیار است.

در این مرقع صورت پشنداس نقاش معروف هندی دربار اکبر و جهانگیر کشیده
 شده که او باخان عالم سفیر جهانگیر بایران و اصفهان آمده و بخدمت شاه عباس رسیده
 و جهانگیر در نامه از او معرفی کرده که خان عالم را با پشنداس نقاش بایران فرستادم
 تا صورت شاه عباس را کشیده که هر کس او را دیده شباهت تمام آنرا تصدیق مینماید.

در این موقع حواشی از عمل آقا رضا است که نمونه کامل نقاشی است و نهایت
 زیبایی و ظرافت را داراست و متن آن بخط علی کاتب سلطانی خطاط معروف است
 جهانگیر دستور داده که قطعات برانکنده را در این مرقع بصورتی بهم پیوسته در آورده
 و بر او راقی بقطع متساوی بچسباند و اختلاف پهنای حواشی را با نقوش و کلو بوته
 و آثار طبیعی و صورت اشخاص و غیره ترسیم نماید لذا حاشیه هر قطعه را با قلم کمرنگ
 و علامت تصویر کشیده و با الوان متناسب و طلاکاری آنرا آرایش و زینت داده.

آقا رضا بمجالسی خوش داشته که در آن بانوان درباریان و خدمه بوده و هر یک
 بکاری مشغول باشند و نیز بمجالس غذا خوری و شکار و مجالس طرب و تفریح حرم-
 نشینان علاقه داشته.



تصویر چهارم - صورت غیابی بالای سر زن مرده و بچه آن از شمشه نظامی



تدویر باجم میدان جنگ اسکندر با دارا از کتاب شرفنامه خیمه نظامی نسخه خطی مدرسه سپهسالار



تصویر ششم اسکندر پسر کشته دالار از کتاب شرقنامه مدرسه سپهسالار



تصویر هفتم صورت اسکندر در شکار گاه از کتاب شرفنامه خسه نظامی مدرسه میهنسالار




تصویر هشتم: صورت اسکندر و خضر و الیاس در طالعاب از کتاب شرمنامه خسته نظامی خطی



تصویرنهم مراسم تشییع جنازه اسکندر ازسنگه خطی خسه نظامی ممرسه - سپهسالار تهران

و آثار هنری و فنی آقا رضا هرانی نقاش در اینموقع وجود دارد که اعضای او در ضمن صفحات مسطور و تصاویر او دارای آب و رنگ مات و کم جلوه است.

در کتاب آثار ایران (۱) نشریات موزه و اداره باستان شناسی تألیف مسیو گدار مدیر موزه از کارهای دولت تصویر یکی از شاهزادگان جوان است که لباس سفید دربر و گردن بندی از مروارید بگردن رگوشواره های الماس در گوش و در برابر رحلی زانو زده که کتابی روی آن نهاده و با آلتی خطی نشان میدهد و در کنار آن کتابی با جای آن قرار گرفته ورقم دولت در آن نگاشته شده است.  و در مقابل این تصویر صورت مولانا عبدالرحمن جامی است که کتابی در جلو خود نهاده و اعضای دولت در آن است.

مولانا بصورت پیری با محاسن سفید و عمامه کوچک زولیده و قبای ساده تیره خاکستری نشسته و شالی بر کمر دارد.

در صفحه دیگر مردی است با محاسن سیاه و هوی بلند پریشان سر و ردائی بخود پیچیده که سر زانو نشسته با قلمی از پر غاز * مخالف عادت شرقی که با قلم نی کار میکنند * در طوماری مشغول بکار است.

روی این طومار اعضای آقا رضای نقاش است که آنرا در اکبریه ۲۸ رمضان ۱۰۰۸ تصویر نموده.

در برابر آن صورت جوانی است که روی قطعاتی از خز به یا تخته سنگ نشسته و با لباسی کم رنگ بالوان نارنجی و سبزو گل های سرخ رنگین و کتابی در دست دارد که هم در روی آن اعضای آقا رضا هندرج است.

خلاصه چنانکه نگاشته شد نفایس و ظرایف کتابخانه های ایران نهایت بسیار افزون از احصاء و آمار است و نگارنده برای رعایت اختصار بدین قدر در اینجا اکتفا نمود.

تهران ۱۸ اردی بهشت ماه ۱۳۲۹ خورشیدی

۱. سحاب

۱- جلد اول آثار ایران تألیف مسیو گدار رئیس موزه باستان که در پنج جلد انتشار

داده و بزبان فرانسه نگاشته است و دو جلد آن به فارسی ترجمه شده